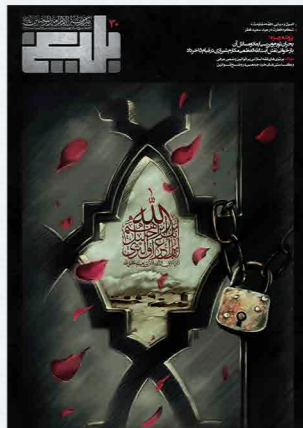


صاحب امتیاز: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)
نشانی: قم، خیابان شهداء، کوی ممتاز کوچک شماره ۷، پلاک ۳۶
وبگاه: makarem.ir
پست الکترونیک: info@makarem.ir
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۳۳۳۱-۳۷۷۴۳۸۱۹
فاب: ۰۲۵۳۷۸۳۹۹۳۴



طلایه سخن

هشتم شوال مصادف است با سالروز تخریب قبور ائمه اطهار علیهم السلام در بقیع؛ تراژدی تلخ و دردناک که از سوی استعمارگران و با ابزار فرقه ضاله وهابیت در راستای نابودی تاریخ اسلام رقم خورد؛ فرقه ای منحط که برای نابودی اسلام ناب، قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله از هیچ جنایتی فروگذار نکرد و با عرفان قبیلگی و تمسک به ظواهر قرآن با شعار «حسبنا کتاب الله» و بی اعتنائی به تفسیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کمر به نابودی تاریخ اسلام بست.

وهابیت مکتبی است به اصطلاح روشنفکری که در قرن نوزدهم و تحت حمایت انگلستان پدید آمد، اندیشه وهابیت بازتولید آموزه های اهل سنت است که با تغییر و تقلیل آن بر مبنای دین یهود شکل گرفته است، لذا همانگونه که تفسیر یهود از تشیع، بهابیت را در قرن نوزدهم پدید آورد، تفسیر بنیاد گرای یهودی از اسلام سنی اموی، وهابیت را بر جوامع اسلامی تحمیل کرد به نحوی که تبعات و پیامدهای آن همچنان گریبان گیر امت اسلامی است.

شالوده های فکری وهابیت و آل سعود را می توان منبعث از ترکیب حنبلی و مالکی دانست که تلفیق آن با مکتب ابوحنیفه به ویژه در حوزه جغرافیایی پاکستان و افغانستان؛ القاعده را پدید آورد؛ سپس تلفیق آن با عرفان های اومانیستی غرب، سرآغازی است بر شکل گیری داعش که دارای عرفان قومی قبیلگی (ملی گرایی) است؛ لذا اتحاد داعش با حزب بعث (سوسیالیسم ملی گرای پان عربیسم) بسیار معنادار است.

هم چنین وهابیت بر مبنای ترجیح عقل خود بنیاد و نفی عقل فطری (عقل سلیم) بر نقل استوار است؛ لذا عقل قومی و قبیلگی شکل می گیرد که تنها بر ظاهر قرآن تمسک می جوید و با خود مفسری و خود اجتهادی (اجتهاد در مقابل نص)، نقش تفسیری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را کاملاً نادیده می گیرد.

از این رو بر اساس ظاهر قرآن کریم حکم

می کند و زود به قطعیت می رسد و لایه های معنایی قرآن و اهتمام به مبانی میان متنی، میان ذهنی و میان فرهنگی در این فرقه منحط کاملاً بی معناست؛ اینگونه است که گروه های تکفیری به سرعت دست به تخریب و کشتار می زنند؛ از آن جهت که عقل قبیلگی ای و زهد گرای آنان فاقد معنویت و حاکم بر همه مباحث عقلانی در علوم اسلامی اعم از فقهت و کلام است؛ بی جهت نیست که وهابیت ید طولایی در نابودی آثار و علوم اسلامی دارد که کتاب سوزی و تخریب قبور انبیاء و اولیاء به ویژه تخریب قبور ائمه اطهار علیهم السلام در بقیع خود موید این مدعاست.

آموزه های خشن و متحجرانه وهابیت منبعث از زهد گرایی (رهبانیت غیر عقلانی)، بت پرستی قبیلگی و ضدیت با عقل و تمدن شهری است؛ لذا فضا برای گسترش وهابیت در محیط جغرافیایی شهری به شدت محدود است؛ از این رو مروجان آموزه های تکفیری برای جذب اعضای خود؛ محیط های قومی و قبیلگی ای و غالباً بیابانگرد را برای ترویج افکار منحط خود انتخاب می کنند.

در حقیقت وهابیت یک آئین های خود ساخته خشک و مناسکی و از جنس سکولاریسم زهدگرا به شمار می آید؛ لذا هرگونه مذهبی و هر نوع ولایتی که بتواند پویایی زندگی دنیوی و سعادت مندی زندگی اخروی را برای پیروان خود رقم بزند بر نمی تابد، و با برچسب شرک؛ با خشونت مطلق با آن مقابله می کند.

در این میان تخریب نمادهای دینی مذاهب اسلامی توسط گروه های تکفیری خود معلول سکولاریسم رهبانیتی و توحید غیر معناگرا است که در وهابیت مشاهده می شود؛ از تکاب جنایات بی حد و حصر علیه امت اسلامی اعم از شیعه و سنی و حتی ظلم و تعدی به پیروان دیگر ادیان همچون ایزدی ها و مسیحیان؛ حاصل آخرت گرایی بدون معناگرایی از طریق کسب فضائل اخلاقی در دنیا است؛ بی جهت نیست که حکومت ادعایی و اشغالگرانه گروه های تکفیری در مناطقی محدود از جهان اسلام با خشونت عجین شده است و مولفه ای به

نام مدارا و مواجهه مسالمت آمیز در قاموس فکری این فرقه ضاله جایی ندارد.

در این میان نفی کل اسماء و نشانه های الهی، شالوده اصلی گروه های تکفیری را تشکیل می دهد لذا فرهنگ ستیزی و طبیعت گرایی از جمله اصول وهابیت را تشکیل می دهد که نشان می دهد مدینه دوران صدر اسلام بدون پویایی و نوآوری و مقتضیات زمان و مکان به عنوان آرمان شهر گروه های تکفیری مورد نظر قرار گرفته است.

بنابراین تخریب نشانه های حق از جمله کعبه و مخالفت با نمادهای توحید از جمله ائمه معصومین علیه اسلام و تخریب قبور آنان ناظر بر مخالفت گروه های تکفیری با صفای و نشانه های الهی است؛ در حقیقت نفی عقل و فرهنگ نشان می دهد آبخور اصلی اندیشه تکفیری وهابیت، نه فقهی و کلامی بلکه صرفاً عرفانی شرک آلود است.

حال آنکه اسلام بدون نشانه (امامت و ولایت) سر از شرک در خواهد آورد؛ زیرا فقدان نشانه در دین انتقال معنا را غیر ممکن خواهد ساخت و از این رهگذر خلق نشانه برای تاسیس یا تعیین نشانه از طریق عقل خود بنیاد محقق خواهد شد (اسلام داعشی)، که در نهایت اومانیزم از متن چنین فرایندی سر بر خواهد آورد.

بر این اساس می توان اذعان نمود نفی اسماء و صفات حق در اندیشه ابن تیمیه مبتکر و بنیان گذار نظری، فرقه وهابیت؛ ظرفیت وجودی انسان را در تفکر و اندیشه مسدود کرده است و به پوسته ای از مناسک خشک و بی روح منتهی شده است؛ حال آنکه صفات و اسماء حق، منشأ اولیه تفکر و معنازایی در دین به شمار می آید.

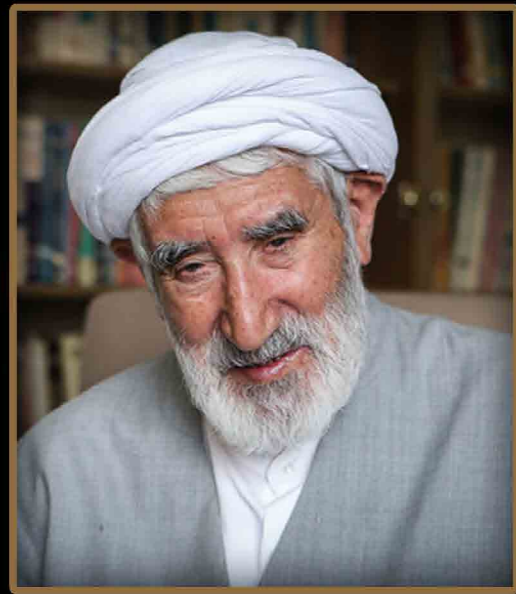
با این تفاسیر، موج بازگشت شدید اهل سنت از سلفی گری و تقبیح اقدامات وهابیت در سال های اخیر از سوی مردم و علمای مذاهب اسلامی بسیار معنادار است و نشان می دهد عقل فطری انسان که بر محور اسماء و صفات و نشانه های حق استوار است؛ با تأکید بر پیوند قرآن و عترت به دنبال تحقق عقلانیت دینی و رهایی از پدیده شوم تکفیر گرایی است.



پیام تسلیت حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته)

به مناسبت رحلت مرحوم حاج غلامحسین کسرائی

فقدان اسفناک مرد باتقوا و شریف مرحوم حاج کسرائی موجب تأسف و تأثر گردید. آن فقید سعید از چهره های بارز مردان باتقوا در شیراز بود و سالیان دراز از اصحاب خاص مرحوم مبرور آیت الله محلاتی محسوب می شد و از برنامه های ایشان و سایر علما بهره می گرفت و در برنامه های مذهبی همکاری موثر داشت. اینجانب به تمام علاقمندان خاندان محترم ایشان، مخصوصاً فرزندان محترم ایشان، تسلیت عرض می کنم. خداوند روح او را با ارواح صلحاء محشور گرداند و به بازماندگان صبر و اجر عنایت فرماید.



پیام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته)

به مناسبت درگذشت عالم فرزانه مرحوم حاج شیخ احمد احمدی (رحمة الله علیه)

فقدان اسفناک جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ احمد احمدی (رحمة الله علیه) موجب نهایت تأسف گردید. این عالم فرزانه سالها نظارت بر کتب درسی از طریق مؤسسه سمت را برعهده داشت و خدمات برجسته‌ای در این کار حساس انجام داد؛ مردی بسیار مخلص و نسبت به مبانی اسلام خدمتگزار واقعی بود. در آغاز کار با مؤسسه مکتب اسلام همکاری داشت ولی بعداً کارهای بزرگ‌تری را بر عهده گرفت. خداوند روح او را غریق رحمت کند و به بازماندگانش صبر و اجر فراوان عنایت فرماید.



ستاد بزرگداشت چهلیمین سالگرد پیروزی انقلاب



راهپیمایی روز جهانی قدس



عبدالعلی علی‌عسگری رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران



جمعی از سوریه



مراسم شب‌های قدر



تقومندی تبدیل کنیم تا دنیای اسلام از میوه‌های این درخت استفاده کند

◆ جناح‌های سیاسی دست آشتی بدهند و متحد شوند

تنها راه نجات بر پایه دستور قرآن، تفکری است که مبتنی بر خلوص نیت، جدیت، مشورت و رجوع به جماعت باشد. از طریق این دستور می‌توان فرد و خانواده و جامعه را اصلاح کرد.

◆ توکل کردن به معنای تلاش نکردن نیست

اگر خودمان را به خدا نسپاریم و وظیفه خود را انجام ندهیم، خودمان، جوانان، کشورمان و نظام به خطر می‌افتند. در این ماه رمضان خود را به خدا بسپاریم و متعهد شویم تا آنجا که توان داریم، تلاش و کوشش کنیم.

◆ رمز موفقیت امام راحل تکیه بر جوانان بود

اگر سه ضلع مثلث تربیتی، یعنی «خانواده»، «مدارس و دانشگاه» و «جامعه و رسانه‌های اجتماعی» به وظیفه خود عمل کنند، با همه خطراتی که متوجه جوانان است، می‌توانیم آنان را در مسیر تقوا، سعادت، پاکی، تقوا، انقلاب و نظام حفظ کنیم.

◆ در آیین تجلیل از دست‌اندرکاران نخستین کنگره

بین‌المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم

اسلامی

در این کنگره بذری کاشته شده است که باید آن را به درخت

◆ «هبه ذی رحم» لازم و غیرقابل بازگشت است

والدین نگویند وقتی که فرزندان، صغیر بودند، نفقه بر ما لازم بود؛ تا آخر عمر اگر فرزندان نیازمند باشند و پدر و مادر توان داشته باشند، باید کمک کنند؛ اگر پدر و مادر نیز نیازمند شده و فرزندان توان دارند، باید تا آخر عمر به والدین کمک کنند.

◆ در نشست اساتید دارالقرآن علامه طباطبایی رحمت‌الله‌علیه

نگرانی رهبر معظم انقلاب از تمرکز طلاب در قم و عدم هجرت به شهرستان‌ها / تحریم‌ها نمی‌تواند جلوی پیشرفت اسلام و انقلاب را بگیرد

الان در شرایطی قرار داریم که اسلام در محاصره است هرچند که تاثیر ندارد و اسلام و انقلاب پیشرفت می‌کند اما باید در این زمان آماده فداکاری باشیم، ممکن است تحریم‌ها مشکلاتی به وجود آورد که باید تحمل کنیم و زندگی ساده‌تری داشته باشیم.

◆ حقوق پدر و مادر در حیات و ممات آنان باید محفوظ

باشد تا مایه برکت عمر انسان و نجات دنیا و آخرت شود.

حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی با اشاره به آیه ۲۳ سوره

اسراء «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُمَّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»، ابراز کردند: بر اساس این آیه، خداوند بلافاصله بعد از دستور پرستش الهی، حق پدر و مادر را بیان کرده؛ یعنی حق والدین همسنگ حق خداست.

◆ لزوم پرهیز از خشونت و تندی با کودکان

پدر و مادر باید خودشان را اصلاح کنند؛ فرزند به رفتار و کردار والدین چشم می‌دوزد و عکس برداری می‌کند و تمام حرکات آنان، در حافظه فرزند نقش می‌بندد؛ وقتی فرزند بزرگ شد، بدون اینکه خودش هم توجه داشته باشد، آن حرکات را تکرار می‌کند.

◆ در دیدار اعضای ستاد مردمی بزرگداشت چهلمین

سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مذاکره بر اساس دیکته غرب به معنای امضای استعمار کشور است / کدام کشور در دنیا برای دفاع از خود اجازه گرفته که ما اجازه بگیریم؟

آمریکا می‌خواهد کاری کند که ایران چنین سرنوشتی پیدا کند آمریکا می‌گوید هرچه که آن‌ها خواستند ایران باید چشم بگوید، آن‌ها می‌گویند که اگر می‌خواهید وسایل دفاعی برای کشور خود فراهم کنید باید از ما اجازه بگیرید؛ کدام کشور در دنیا برای دفاع از خودش اجازه گرفته است که ما اجازه بگیریم؟ هم اکنون برخی از کشورهای عربی واقعاً مستعمره هستند و لو این که اسم مستعمره بر آن‌ها نهاده نشده باشد، چون همه اصولی که در دوران استعمار بود بر آن‌ها حاکم است

◆ نظام آموزشی کشور اهتمام لازم را به پرورش و

تربیت ندارد

مغز فرزندان خود را پر از فرمول‌ها و مسائل علمی می‌کنیم اما تربیت اخلاقی بسیار کم‌رنگ است در حالی که اگر آموزش و پرورش همسنگ هم نباشند، به جایی نمی‌رسند.

◆ اخلاق اسلامی در کتب درسی تقویت شود

حضرت علی(علیه السلام) می‌فرمایند: «عالمی که برخلاف علمش عمل کند چون جاهل سرگردانی است که از نادانی به هوش نیاید؛ حجت بر او تمام تر و حسرت این‌عالمی که از علم خویش جدا شده، بیشتر از حسرت جاهل سرگردان در روز قیامت است و همچنین در نزد خداوند، بیشتر مورد ملامت قرار می‌گیرد».

◆ لزوم توجه به رفع مشکلات مناطق محروم

نمایندگانی را که به مناطق محروم اعزام می‌کنیم، از غوغای مشکلات و نبود منازل درست، مسجد، درمانگاه و ... می‌گویند؛

مردم به مناطق محروم توجه ویژه داشته باشند.

◆ علم منحصر به علوم اسلامی نیست

منظور از علم اسماء که خداوند به آدم تعلیم کرد تمام صنعت‌ها، آبادی‌های زمین، غذاها، داروها، استخراج معادن، غرس اشجار، کشاورزی و منافع آنان و در مجموع آنچه مربوط به آبادی دین و دنیای مردم بوده، شامل می‌شود.

◆ رسانه‌ها برای ترویج نظام ارزشی مبتنی بر اخلاق

تلاش کنند

نبی مکرم اسلام می‌فرماید: «علم ودیعه و امانت خدا در زمین است و علما و دانشمندان امانتدار آن هستند، پس کسی که به علمش عمل میکند و آنچه را آموخته در زندگی اجتماعی پیاده می‌کند، ادای امانت کرده و کسی که به علمش عمل نکند، نامش در دفتر خائن ثبت می‌شود.»

◆ محدودکردن دسترسی به رسانه ناسالم اقدامی

عقلانه است

بنسده در تمام فتاوا برخلاف آنچه دروغگویان می‌گویند و ما هم هر روز نمی‌توانیم به دفتر بگوییم تکذیب کنند، سعی می‌کنم کار مردم آسان شود.

◆ حفظ اسلام مرهون جهاد حضرت علی (علیه السلام)

است

در دوره وارونه شدن ارزش‌ها، به انسان صادق و درستکاری که در مدت سی سال خدمت اداری، زندگی ساده‌ای بیش ندارد، بی‌عرضه می‌گویند اما به کسی بعد از دو سال، از این طرف و آن طرف می‌زند و اموالی جمع می‌کند، می‌گویند عجب آدم زرنگ و مدیر و لایقی است؛ دزدها، انسان‌های لایق می‌شوند و افراد پاک، انسان نالایق محسوب می‌شوند، چرا که فکر جامعه واژگون شده است.

◆ هرچه خواسته‌های دشمن را قبول کنیم سراغ بهانه

ای دیگر می‌روند

دشمن کاری به برجام، موشک‌ها و حقوق بشر ندارد و این‌ها تنها یک بهانه است، تنها مشکل آنها وجود یک قدرت مستقل است و هرچه خواسته‌های آنان را بپذیریم سراغ مسأله دیگری می‌روند.

◆ بعضی از قضات زحمت تلاش و تحقیق به خود

نمی‌دهند

حضرت علی(علیه السلام) پناهگاه علمی مسلمین در ایام خلفا بود و اگر ایشان نبود، آبروی خلفا و اسلام می‌رفت

نرم افزار پیام قرآن



◆ بانک‌ها به وظایف شرعی خود عمل نمی‌کنند

اسلام می‌گوید اگر بدهکار ورشکست شد و نتوانست بدهد، نمی‌توان او را جریمه کرد اما بانک‌ها جریمه می‌کنند؛ به عنوان مثال، اصل وام صد میلیون تومان و جریمه آن یک میلیارد تومان می‌شود؛ از این طریق، خانه‌ها از دست افراد می‌رود و به خاک سیاه می‌نشینند.

◆ در دنیای امروز قانون جنگل حاکم است

کشورهایی می‌آیند و قراردادی درباره انرژی اتمی می‌بندند و یک سال و نیم درباره آن چانه زنی کرده و دولت‌های متعدد آن را امضا می‌کنند و مورد تصویب شورای امنیت قرار می‌گیرد اما حالا یک کسی از گرد راه رسیده و می‌گوید من این قرارداد را قبول ندارم، این قانون جنگل است!

◆ عزاداری‌های نامتعارف خلاف شرع اسلام است

به جای قمه زدن، به عشق امام حسین (علیه السلام) به مراکز انتقال خون بروید و خون بدهید؛ این خون شما جان یک انسان را از مرگ نجات می‌دهد و کسی که یک نفر را از مرگ نجات بدهد، گویی همه انسان‌ها را نجات داده است.

◆ کارهای کوچک خالصانه زمینه‌ساز توفیق‌های بزرگ می‌شود

راه رسیدن به توفیق الهی، انجام دادن کارهای خیر است که انسان را موفق به کارهای مهم دیگری می‌کند

◆ سرنوشت حاکمان ظالم برای انسان عبرت است /

تاریخ آینه‌ای برای زندگی بشر است

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: «افراد قدرتمندی، بالای کوه‌ها دژهای محکمی می‌ساختند و در آنجا مستقر می‌شدند و محافظان بسیاری داشتند؛ آنان خیال می‌کردند همیشه می‌مانند اما زمانی فرا رسید از آن بالا به زیر کشیده شده و زیر خاک‌ها دفن شدند؛ متوکل تاریخ بخوان تا بیدار شوی».

◆ دستاوردهای معنوی ماه رمضان حفظ شود

سعی کنید آنچه را در ماه رمضان بدست آوردید، از دست ندهید و این سرمایه‌های الهی را حفظ کنید.

◆ تنها انتخابات ظاهری که جنبه مردمی پرشور در

دوران خلفا داشت، خلافت حضرت علی (علیه السلام) بود

حضرت آیت الله مکارم شیرازی با بیان اینکه نحوه برخورد امیرمؤمنان (علیه السلام) با برادرش عقیل حاوی پیام‌هایی برای مسئولان است، گفتند: اینکه شخصی تا به پست و مقامی می‌رسد و تمام خویشاوندان خود را سر کار می‌آورد، کار درستی نیست؛ باید تقسیم پست‌ها در حکومت اسلامی بر اساس لیاقت‌ها و قابلیت‌ها باشد.

◆ اجرای سند ۲۰۳۰ تکرار تجربه اندلس است

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی با اشاره تمرکز دشمنان برای ضربه زدن به اعتقادات و اخلاق جوانان، اجرای سند ۲۰۳۰ و وجود فضاهای مجازی و رسانه‌های فاسد و ناسالم را سبب تکرار شدن تجربه تلخ اندلس دانست.

◆ هشت خصلتی که امام علی (علیه السلام) برای بهشتی

شدن بیان می‌فرمایند

حتی نباید به دشمن نیز شر رسانیم؛ باید دعا کنیم که خداوند نیز او را هدایت کند

◆ انزوای آمریکا و رژیم صهیونیستی بیش از هر دوره

دیگر است

روز قدس حرکتی کاملاً تاریخی بوده و روز اتحاد مسلمانان و روز انزوای اسرائیل و آمریکا است

◆ سران ظالم دنیای امروز سر سوزنی وجدان ندارند

سلاح‌های مرگبار را به بعضی از دولت‌ها می‌فروشند که در یمن بر سر زنان، مردان، کودکان و بیماران و مجالس عروسی و بیمارستان‌ها بریزند؛ ابداً هم تکان نمی‌خورند و مهم برای آنان، درآمد حاصل از این سلاح‌های مرگبار است، حالا هرچه می‌خواهد بشود.

◆ اسلام محدود به زمان و مکان نیست

آنجایی که روز متعارفی ندارد و ۲۲ ساعت روز است، آیا افراد باید ۲۲ ساعت روزه بگیرند یا در زمستان که روز آنجا دوساعت می‌شود، آیا دوساعت باید روزه بگیرند؟ ما می‌گوییم آنها باید به متعارف برگردند، ما الان در این ایام ۱۶ ساعت تقریباً روزه می‌گیریم، آنها هم باید ۱۶ ساعت روزه بگیرند، از طلوع فجر حساب کنند تا ۱۶ ساعت بعد افطار کنند. از طرفی ما در زمستان که منطقه معتدل و متعارف است، ۱۰ ساعت روزه می‌گیریم و آنها نیز باید مناطق معتدل را در نظر بگیرند و مطابق آن عمل کنند.

۴. امکان کپی و به اشتراک گذاری محتوای کتب

۵. امکان دسترسی سریع به موضوعات در صفحه مطالعه

۶. جستجوی ساده و سریع در تمام کتب

همچنین شما می‌توانید با استفاده از گزینه به اشتراک گذاری نرم افزار، نسخه‌ای از آن را برای دوستانتان ارسال کنید.

نرم افزار پیام قرآن با هدف سهولت دسترسی به این مجموعه نفیس در قالب کتابخانه دیجیتالی با امکانات ذیل در دسترس علاقمندان قرار گرفت:

۱. نمایش قفسه‌ای کتب در قالبی چشم‌نواز و زیبا

۲. نمایش صفحات کتب مطابق با نسخه چاپی

۳. فهرست درختواره‌ای جهت تسریع و تسهیل دسترسی به موضوعات و سر فصل‌ها

اصول و مبانی «فقه مقاومت»

از منظر معظم له

بی شک انسان در مسیر زندگی خود نیازهای گوناگونی دارد، در این بین دین اسلام تنها ناظر به اصلاح زندگی فردی یا منحصر به مسائل معنوی و اخلاقی نبوده است بلکه اصلاح و بهبود تمام شؤون اجتماعی را نیز در بر می گرفته، حتی بسیاری از علوم و دانش های مورد نیاز برای زندگی روزانه را مردم از آنان آموختند که به بعضی از آنها در قرآن اشاره شده است.

هم چنین انفتاح باب اجتهاد و رشد و بالندگی سبب شد که فقه اهل بیت رشد کند و همراه با تحولات زمانه، برای نیازهای مسلمین پاسخی در خور داشته باشد. لذا فقه به تمام زوایای زندگی مردم نفوذ کرده و اقشار و صنف های مختلف جامعه توانسته اند پاسخ پرسشهای فقهی خویش را از فقیهان اهل بیت بشنوند.

در این زمینه می توان به جهاد یا به تعبیر دیگر دفاع از تمامیت کشورهای اسلامی در برابر هجوم بیگانگان اشاره کرد که یکی از ابواب مهم فقه را تشکیل می دهد و هر گونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل میشود که آن را فقه الدفاع یا فقه مقاومت می نامیم، با این اوصاف شایسته است اصول و مبانی فقه مقاومت بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

دفاع و مقاومت؛ حقیقت مفهوم جنگ در اسلام

سال ها است که این سؤال در میان دانشمندان اسلام مطرح است. گروهی، سعی دارند که تمام غزوات زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در شکل دفاعی توجیه کنند، تا مبادا، اسلام،

متهم شود که با زور شمشیر می خواهد تعلیمات خود را به کرسی بنشانند! یا به تعبیری دیگر، مبدا اسلام را به کشور گشایی و توسعه طلبی نظامی متهم سازند! در مقابل، افرادی اصرار دارند که غزوات اسلامی را، به دو دسته تقسیم کنند و بگویند که بخشی تهاجمی بوده و بخشی دفاعی و حتی این دو بخش را برای مسلمانان امروز نیز ثابت می شمارند و معتقدند که اسلام، وظیفه دارد اقوامی را که در فشارند و تحت سیطره ظالمانند، آزاد سازد و این در واقع، نوعی تهاجم است و نیز وظیفه دارد که راه را برای تبلیغات منطقی خود بگشاید و موانع را، هر چند با توسل به قدرت نظامی باشد، از سر راه بردارد و این، نوع دیگری از تهاجم است.

در اینجا، نظر سومی وجود دارد و آن این که طبیعت جنگ در اسلام، طبیعت دفاعی است، ولی گاه مسائل دفاعی، تهاجم را ضروری می سازد.

مثلاً، همان مسأله دفاع از مظلومان در بند، یا به تعبیر امروز، مداخله بشر دوستانه، گر چه در ظاهر شکل تهاجمی دارد، اما در واقع دفاع از گروهی است که تحت ستم واقع شده اند و جزیی از جامعه بزرگ انسانی هستند و دفاع از آنها، بر سایر انسان های متعهد و مؤمن لازم است.

هم چنین تهاجم برای گشودن راه برای آزادی تبلیغات منطقی نیز نوعی دفاع در مقابل موانع است، یعنی، اگر دشمن، مانعی بر سر راه ایجاد کند، اسلام، اجازه درگیری را با او می دهد.

اینگونه است که حضرت علی علیه السلام

در توصیف مفهوم جهاد، می فرماید: «و هو لباس التقوی و درع الله الحصینه، و جتته الوثیقه؛ و آن، لباس تقوا، زره محکم خداوند و سپر مطمئن او است»

تأمل در کلام نورانی آن حضرت دلیل روشنی بر دفاعی بودن طبیعت جهاد است، چرا که در یک جا، جهاد به لباس، و در جای دیگر به زره، و در جای سوم به سپر تشبیه شده است و می دانیم که این هر سه، در واقع از وسایل دفاعی است.

دفاع آری؛ تهاجم هرگز!

با این تفاسیر می توان دریافت همه جنگ های متعددی که در دوران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رخ داد، همه آنها جنبه دفاعی داشت، و هیچ کدام حالت تهاجمی نداشت. و بدیهی است که هر قوم و ملتی مورد هجوم دشمن واقع شود، باید از خود دفاع کند.

آیا اسلام به زور شمشیر وارد ایران شده است؟

اسلام دین منطقی و استدلال است، و هیچ کس را به زور شمشیر مجبور به پذیرش اسلام نمی کند، همانگونه که در قرآن کریم می خوانیم: «لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ در قبول دین اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی روشن شده است.»

بنابراین، کسانی که می گویند: «اسلام در سایه شمشیر پیش رفت، و با زور، مردم را تسلیم خود کرد» در اشتباه آشکاری هستند. زیرا مناطقی از دنیا هم چون اندونزی به عنوان بزرگ ترین کشور اسلامی، دیگر کشورهای مسلمان جنوب شرقی آسیا، جنوب و غرب آفریقا... وجود دارد که اسلام را پذیرفته اند در حالی

که پای یک سرباز مسلمان به آن جا باز نشده است.

هم چنین وقتی اسلام به ایران آمد، پس از پیروزی بر لشکر ساسانیان، هرگز مردم را مجبور به پذیرش اسلام نکرد؛ از آن جهت که ماهیت جنگ در اسلام به مفهوم دفاع و مقاومت است، دفاع از کسانی که تحت ظلم و ستم شاهان ستمگر ایران بودند و حق آزادی انتخاب نداشتند. لذا مردم ایران در برابر سپاه اسلام مقاومتی از خود نشان نداده و به راحتی تسلیم شدند، و برخی از آتشکده ها سالیان درازی پس از حمله اسلام به ایران همچنان روشن و سرپا بود، و ایرانیان باهوش به تدریج دین اسلام را از صمیم دل پذیرفته، و دستورات آن را به جان خریدند.

«فقه مقاومت» و انطباق آن با فطرت

گفتنی است فطرت انسانی امری ثابت و پایدار و همگانی و همه زمانی است، در این میان فقه دارای احکامی منطبق بر نیازهای فطری انسان است؛ به عبارت دیگر از جمله امتیازات فقه اسلامی هماهنگی آن با فطرت شفاف و زلال توحیدی است؛ به تعبیر آیه شریفه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان ها را بر آن آفریده»، همه انسان ها در مجموعه «دین» بر فطرت الهی و توحیدی سرشته شده اند، لذا فقه و شریعت که رکنی از ارکان سه گانه «دین» است نیز فطری خواهد بود.

به بیان دیگر بر خلاف آنچه بعضی می پندارند فطری بودن «دین» منحصر به اصل توحید و خداپرستی نیست بلکه شامل تمام اصول و فروع می شود؛ البته منظور کلیات فروع است.

بر این اساس جهاد و مقاومت نیز یک امر فطری است و جهاد در مقابل متجاوزان در فطرت انسان وجود دارد؛ چرا که

هرکس با فطرت خود درک می کند که در مقابل تهاجم دشمن باید از خود دفاع کند.

به دیگر سخن می توان اینگونه گفت تجلی مسایل فطری در انسان با شناخت، توأم است، لذا در مورد جهاد و مقاومت، افراد سطحی که تنها ضرب و جرح و مشکلات جهاد و مقاومت را می نگرند ممکن است آن را ناخوش داشته باشند، ولی افراد دورنگر که می دانند شرف و عظمت و افتخار و آزادی انسان در گرو ایثار و پایداری است یقیناً با آغوش باز از آن استقبال می کنند، همان گونه که افراد ناآگاه از داروهای تلخ و بد طعم بر اثر سطحی نگری متفردند، اما هنگامی که بیندیشند که سلامت و نجات آنها در آن است، آن را به جان و دل پذیرا می شوند.

این مسأله از روی یک قانون کلی و عمومی پرده برمی دارد، و تمام مرارت ها و سختی های اطاعت فرمان خدا را برای انسان سهل و گوارا می سازد، زیرا به مقتضای «وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ و خدا می داند، و شما نمی دانید» در می یابد که خداوند آگاه از همه چیز و رحمان و رحیم نسبت به بندگان در هر یک از دستوراتش، مصالحی دیده است که مایه نجات و سعادت بندگان است، و به این ترتیب بندگان مؤمن همه این دستورات را مانند داروهای شفابخش می نگرند و با جان و دل آن را پذیرا می باشند.

قرآن کریم؛ مبنای کلیدی چارچوب تئوریک فقه مقاومت

اولین و مهم ترین منبع استنباط احکام فقه اسلام نزد همه فقیهان کلیه مذاهب اسلامی، قرآن کریم است و هیچ فرقه اسلامی و فقیه مسلمان اختلاف و تردیدی در این اصل مسلم ندارد. بر این اساس کلیات ابواب فقهی نظیر جهاد و دفاع بر مبنای صریح آیات قرآن، بدان پرداخته شده است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ

لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِمٍ ظَلَمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد داده شده است، به خاطر اینکه مورد ستم قرار گرفته اند، و خداوند بر یاری آنها توانایی دارد».

در این فراز قرآنی به مسلمانان که از سوی دشمنان لجوج و بی رحم تحت فشار واقع شده بودند؛ اجازه مقاومت مسلحانه و جهاد را می دهد هم اجازه جهاد داده شده، و هم وعده پیروزی از سوی خداوند، و دلیل آن هم این ذکر شده که دشمن جنگ را ظالمانه شروع کرده، و سکوت در برابر دشمن غیر قابل قبول است، چرا که مایه جرأت و جسارت مخالفان و ضعف و نومیدی دوستان است.

در فراز قرآنی دیگر می خوانیم: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ؛ با آنها پیکار کنید تا فتنه گری (شرک و سلب آزادی) بر چیده شود، و دین همه مخصوص خدا باشد (و همه اهل ایمان آزادانه بتوانند خدا را بپرستند و از خدا و اسلام سخن بگویند»

بدیهی است که شرک در آیه مورد بحث به معنی شرک یا فشار مشرکان برای گمراه ساختن دیگران است؛ بنابراین جهاد برای به دست آوردن آزادی و جلوگیری از فشارها و شکنجه های آنها مجاز شمرده می شود، ولی هنگامی که آنها دست از فشارهای خود بردارند؛ طبعاً جنگ تمام می شود، بنابراین مبارزه با فتنه نیز نوعی جهاد دفاعی است.

در سومین آیه به مسلمانان دستور داده شده که همه گونه نیرویی را برای پیکار با دشمن آماده سازند، لذا در قرآن آمده است: «وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ در برابر آنها آنچه توانایی دارید از نیرو آماده سازید»

مفهوم آیه بسیار وسیع و گسترده است و هر گونه فراهم سازی نیروهای معنوی، مادی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می شود، اما هدف اصلی از همه این امور تهاجم بر کسی نیست، بلکه

خاموش کردن آتش فتنه ها و جلوگیری از آزارها و یا به تعبیر روشن تر خفه کردن تهاجم در نطفه می باشد.

هم چنین خداوند مسلمانان را دعوت به جهاد برای حمایت از مظلومان و مبارزه باظالمان می کند، و می گوید: **وَ مَالِكُمْ لَا تَقَاتِلُوْنَ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ وَالْمُسْتَضْعَفِيْنَ مِنْ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا اٰخِرُجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلُهَا وَاَجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاَجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيْرًا: «چرا در راه خدا و برای رهایی مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند پیکار نمی کنید؟ همان مظلومانی که می گویند: «خدایا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگراند بیرون ببر (و رهایی ببخش)؛ و از سوی خود، برای ما سرپرستی قرار ده؛ و از جانب خود، برای ما از سوی خود یار و یآوری مقرر فرما!»**

در این آیه نخست دعوت به جهاد در راه خدا شده، و بلافاصله سخن از مستضعفان و مظلومانی به میان آمده که دشمن سنگدل آنها را آن چنان تحت فشار قرار داده که راضی به ترک خانه و کاشانه خود شده اند، و به نظر می رسد که این دو در واقع به یک معنا باز می گردد، چرا که یاری این گونه مظلومان مصداق روشن «جهاد فی سبیل الله» است. روشن است که این نوع جهاد نیز جهاد دفاعی است.

در آیه دیگر از قرآن کریم می خوانیم: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید و در برابر دشمنان (نیز) استقامت بخرج دهید و از مرزهای خود، مراقبت بعمل آورید و از خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید.»**

خداوند در این آیه شریفه دستور به استقامت در برابر دشمن میدهد، و ضمناً از این دستور (صابروا) استفاده میشود که هر قدر دشمن بر استقامت خود بیفزاید ما نیز باید بر پایداری و استقامت خود

بیفزائیم.

«مرباطه» به معنی مراقبت از مرزها آمده است، این جمله به مسلمانان دستور آماده باش در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی میدهد، تا هرگز گرفتار حملات غافلگیرانه دشمن نشوند، خلاصه اینکه «مرباطه» معنی وسیعی دارد که هر گونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل میشود. لذا در فقه اسلامی نیز در باب جهاد بحثی تحت عنوان «مرباطه» یعنی آمادگی برای حفظ مرزها در برابر هجوم احتمالی دشمن دیده میشود که احکام خاصی برای آن بیان شده است.

بی شک این تعبیر قرآنی نشان می دهد که جهاد اسلامی در اصل جنبه دفاعی دارد؛ از این جهت در تاریخ اسلامی موردی را نمی یابیم که کافران آمادگی زندگی مسالمت آمیز با مسلمین داشته باشند و اسلام دست رد به سینه آنها زده باشد.

حتی دستور به جهاد بعد از مسأله هجرت صادر شده که نشان می دهد؛ اساس جهاد در اسلام را «دفاع در برابر دشمن» تشکیل می دهد، چرا که مسلمانان سیزده سال تمام در برابر تمام آزارها و کارشکنی ها و ضرب و جرح ها دست به اسلحه نبردند، شاید دشمن بر سر عقل آید.

دلیل عقلی؛ گوهر نهفته در فقه مقاومت

یکی از منابع اصلی دین اسلام، دلیل عقل است، لذا فقه شیعه بر اساس ادله اربعه بنا نهاده شده، که یکی از آنها دلیل عقل است.

امامیه، عقل را رسول باطن می شمردند و برای ادراکات قطعی عقل حجیت قائل است؛ از این رو با حجیت حکم عقل و درک حسن و قبح به وسیله عقل می توانیم بسیاری از واجبات و محرمات را به دلیل عقل ثابت کنیم؛ مثلاً تحریم ظلم، غصب حقوق مردم، سرقت، قتل

نفوس بی گناه، دروغ، غیبت، فساد در ارض و مانند آن و همچنین مسأله لزوم شکر منعم و رجحان کمک به نیازمندان و تشکیل حکومت صالحه و جهاد و دفاع از تمامیت ارضی برای حفظ امنیت و احقاق حقوق و مانند آنها همه به حکم عقل ثابت و مسلم است.

البته منظور از حجیت دلیل عقلی این است که عقل به طور قطع و یقین چیزی را درک کند و درباره آن داوری نماید؛ مثلاً اگر (فرضاً) هیچ دلیلی در کتاب و سنت برای حرام بودن ظلم و تجاوز به حقوق مردم نداشتیم، ما به وسیله دلیل عقل این امور را تحریم می کردیم، و یقین داشتیم خداوند عالم و حکیم، این امور را برای ما حرام شمرده، و هرگز راضی به انجام آنها نیست، و این یک حجت الهی بر ما است.

اینچنین است که نقش حُسن و قبح عقلی به خوبی نمایان می شود؛ یعنی کار عقلی که واقعیت را درک و تشخیص می دهد؛ عقل درک می کند ظلم و ستم و تجاوز سازگار با قوانین آفرینش و هدف زندگی و نظم اجتماع نیست .

لذا اگر دشمن به ما حمله کرد، و جان و مال و ناموس ما را هدف قرار داد، مطابق حکم عقل و شرع نباید سکوت کرد بلکه کسی که مورد هجوم قرار می گیرد مطابق حکم دلیل عقلی حق دارد از خود دفاع کند؛ بر این اساس دلیل عقلی بر دفاع از جان و مال و ناموس تأکید می ورزد؛ و جالب این که غالب جنگهای اسلامی نیز اینگونه جنبه دفاعی داشته است. مسلمانان مکه در سالهای اولیه ظهور اسلام تحت فشار فراوان کفار و مشرکان بودند، دشمنان به انحاء و اشکال مختلف مسلمانان را آزار و اذیت می کردند. مسلمانان خدمت پیامبر رسیده، و از آن حضرت خواستند تا اجازه جنگ و مبارزه علیه دشمنان و مشرکان را صادر کند. اما پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را دعوت به صبر کرد، تا این که مسلمانان

مجبور به هجرت شدند. در مدینه خداوند به مسلمانانی که مورد ظلم و ستم قرار گرفته بودند اجازه داد از خود دفاع کنند. زیرا اسلام جهاد را با اصول صحیح و منطقی عقل هماهنگ ساخته است و تمام قوانین آسمانی و بشری به شخص یا جمعیتی که مورد هجوم واقع شده حق می دهد برای دفاع از خویشتن به پا خیزد و آنچه در قدرت دارد به کار برد، و از هر گونه اقدام منطقی برای حفظ موجودیت خویش فروگذار نکند .

فقه مقاومت به مثابه سنت رسول الله و اهل بیت

سنت نیز به مانند کتاب؛ اجماع و عقل، راهنما و دلیلی است که به عنوان مصادر تشریح یا دلایل حقوق اسلام یا دلایل احکام شرعی معتبر است؛ لذا وقتی دشمن جنگ را بر امت اسلامی تحمیل می کند، یا آزادی های خداداد را از او می گیرد، یا می خواهد حقوق او را پایمال کند، و یا ظالمی گوی مظلومی را می فشارد فقیه بر مبنای روایات و دیگر منابع فقه شیعه جهاد دفاعی را بر مسلمانان فرض خواهد کرد تا به یاری مظلوم بشتابند، هر چند منجر به درگیری با قوم ظالم شود.

روایات متعددی در تحقق این مسأله دخالت دارد؛ به عنوان نمونه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: **«مَنْ أَخَذَ لِلْمُظْلَمِ مِنَ الظَّالِمِ كَنْ مَعِي فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِبًا؛ کسی که حق مظلوم را از ظالم بگیرد (چه مظلوم مسلمان باشد، و چه غیر مسلمان) در بهشت با من خواهد بود.»**

در حدیث دیگری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می خوانیم: **«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هر کس صدای مظلومی را بشنود که از مسلمانان کمک می طلبد، و به کمک او نشتابد مسلمان نیست.»**

امام علی علیه السلام خطاب به دو فرزند بزرگوارش امام حسن و حسین علیهما السلام فرمود: **«كُونَا لِظَالِمٍ خَصْمًا**

وَلِلْمُظْلَمِ عَوْنًا؛ دشمن ظالم و یار و کمک کار مظلوم باشید.»، این روایت نیز عام است و شامل غیر مسلمانان نیز می شود. بنابراین، طبق روایت فوق هر کس ندای مظلومیت مظلومی را بشنود، و استغاثه اش به گوش او برسد، و توانایی یاری رساندن به او را داشته باشد، و به یاریش نشتابد مسلمان نیست؛ با این اوصاف دفاع از مظلوم وظیفه هر مسلمانی است؛ هر چند مظلوم غیر مسلمان باشد.

هم چنین کلام نورانی پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) که خطاب به یارانش فرمود: **«شما جنگ را آغاز نکنید، بلکه هر زمان دشمن جنگ را شروع کرد شما جوابش را بدهید و اگر دست از جنگ کشید شما هم دست بکشید»**. خود دلیل بر این است که جنگ های اسلامی جنبه دفاعی داشته است.

به راستی آیا اسلام با این معارف ارزشمندش جنگ طلب است، یا دنیاپرستان و پول پرستانی هم چون آمریکا که بوی پول در هر گوشه ای از دنیا به مشام آنها برسد حاضر است برای تصاحب پول، آن منطقه را به آتش بکشند و مردمش را آواره نمایند.

سخن آخر: (دفاع از سوریه، عراق، فلسطین و یمن در راستای جهاد دفاعی است)

در خاتمه باید گفت امروز نیز جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آموزه های اسلام اصیل، سر جنگ با کسی ندارد، و تا جنگ بر او تحمیل نشود با کسی پیکار نمی کند، ولی دفاع از مظلومان را جزء وظایف اصلی خویش می شمرد، و فتنه گری و ایجاد رعب و وحشت و تضییق و فشار و سلب آزادی از سوی دشمن را نوعی اعلام جنگ می داند و خود را موظف به دفاع می شمرد.

جهادی که به معنی خشونت و خونریزی و کشتار و ویرانی و قتل و غارت نیست، بلکه در حقیقت سیستم دفاعی قوی و

مستحکمی است که همچون سیستم دفاعی طبیعی نهادینه شده در بدن تمام موجودات، زندگی بدون آن امکان پذیر نیست و باعث جلوگیری از درگیری های نظامی و خشونت دشمن می گردد.

لذا اگر ملت سرافراز ایران شعار حمایت از ملل مظلوم فلسطین، سوریه؛ عراق، یمن و دیگر ملت های مظلوم را سر می دهند جای تعجب نیست، چرا که به مضمون قرآن؛ روایات، عقل و اجماع علما و فقهای اسلامی عمل می کند.

بر این اساس باید به ندای هر مظلومی در هر کجای جهان از آمریکا گرفته تا آفریقا و از اروپا گرفته تا آسیا و استرالیا لبیک گفت، و در حدّ وسع و امکانات به یاری آنها شتافت، و آنان را از چنگال ستمگران و استثمارگران نجات داد، تا جرأت تکرار ظلم را نداشته باشند.

تعجب از بعضی دولت های اسلامی است که بر خلاف اسلام، نه تنها از مسلمانان تحت ظلم و ستم حمایت نمی کنند، و آنها را از چنگال قدرت های استکباری و تروریسم تکفیری نجات نمی دهند، بلکه با دشمنان آنها رابطه برقرار کرده، و برای برچیدن حکومت های مردمی دست در دست آمریکا می گذارند.

شکوه فطرت در عید سعید فطر

از منظر معظم له

حقیقت این است که همه مردم جهان برای خود روزهای شادی خاصی دارند که آن را عید می نامند. در این میان ملت مسلمان در روز عید فطر بعد از یک ماه روزه داشتن به فرمان خدا و عبادات روزانه و شبانه و بر شیطان پیروز شدن، این پیروزی را جشن می گیرند. که این مهم نشان می دهد آن عید بزرگ، سراسر از سرچشمه پایدار و تغییرناپذیر الهامات روحی و فطری دین جوشیده و یک امر فطری است؛ حال شایسته است ابعاد و زوایای این مسأله مهم و راهبردی با توجه به کارکردهای مهم آن در عید سعید فطر به خوبی مورد واکاوی قرار گیرد.

مفهوم فطرت

فطرت یعنی این که انسان حقایقی را بدون هیچ گونه نیاز به استدلال؛ نه استدلال پیچیده و نه استدلال روشن؛ در می یابد، و به وضوح به آن می رسد و آن را پذیرا می شود، مثلاً هنگامی که یک شاخه گل جالب و خوشبو را می بیند، اعتراف به زیبایی آن می کند، و در این ادراک هیچ نیازی به استدلال نمی بیند. می گوید: پیدا است که زیبا است، نیازی به دلیل ندارد.

حال انسان هنگامی که به اعماق جاننش نگاه می کند، نور حق می بیند، ندایی با گوش دل می شنود، ندایی که او را به سوی مبدأ علم و قدرت بی نظیری در جهان هستی دعوت می کند، مبدی که کمال مطلق و مطلق کمال است، و در این درک وجدانی درست همانند زیبایی گل خود را نیازمند به دلیلی نمی بیند.

لذا «فطرت» یعنی آفرینش نخستین، یعنی خلقت روح و جان آمیخته با یک سلسله معلومات ضروری یعنی آنچه را

و خداپرستی است، و شرک امر عارضی است؛ لذا هرگاه انسان به زوایای قلب خود و اعماق روح خود پی ببرد، نور الهی و توحید که در درون فطرت اوست، بر او آشکار می شود، و از «معرفة النفس» به «معرفة الله» می رسد، بی آن که نیازی به دلیل و استدلال داشته باشد. اینگونه است که در قرآن کریم می خوانیم: «فَطْرَهُ اللَّهُ الَّذِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ این (آیین خالص پروردگار) سرشتی است که خداوند همه انسان ها را بر آن آفریده، هیچ دگرگونی در آفرینش الهی نیست (و این فطرت در همه انسان ها ثابت است) این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی دانند».

در این میان آداب و رسوم خرافی، تربیت های ناصحیح، تلقینات و تعلیمات سوء، پرده های غفلتی هستند که یکی پس از دیگری مانع از ظهور فطرت آدمی می شوند، البته هر زمان عاملی پیدا شود که انسان را از نظر عقیده و عمل از اصل توحید منحرف سازد، باید به سوی خداوند بازگردد، و هر قدر این امر تکرار شود، مانعی ندارد، زیرا سرانجام پایه های فطرت آن چنان محکم و موانع و دوافع آن چنان سست و بی اثر گردد، که به طور مداوم در جبهه توحید قرار خواهد گرفت.

از آن جهت که سرنوشت انسان بر مدار توحید است، و از سوی دیگر فطرتش او را دعوت به شکر منعم و معرفت و شناخت او می کند موضوعی مهم که در فطرت انسان ها به ودیعت نهاده شده، راه گشای راه توحید و خداشناسی است

از سوی دیگر ماه رمضان «شهر الله» ماه خدا است لذا ماه مبارک رمضان از جمله گوهرهای بسیار با ارزشی است که بهره گیری صحیح از آن مرهون شناخت و معرفت توحیدی است در این بین آثار و برکات بر پاداشتن نماز که آیین اسلام است، و زکوة که فریضه واجبه است، و

روزه ماه رمضان که سپری است در برابر گناه؛ همه و همه مبین اهمیت فطرت توحیدی انسان است که در روز عید سعید فطر به منصف ظهور می رسد.

عید فطر؛ پاداش عبودیت و اطاعت در سایه فطرت

از جمله پیمان های الهی از انسان؛ عهدهای فطری و پیمان هایی است که به مقتضای فطرت از انسان گرفته می شود همانند فطرت توحید و عشق به حق؛ عهدی که خداوند به حکم آفرینش و فطرت از همه بندگان خود گرفته است و هنگامی که به آنها عقل و هوش و استعداد داد مفهومش این است که از آنها پیمان گرفته، چشم و گوش باز کنند، حقایق را ببینند و بشنوند و در برابر آن تسلیم گردند.

لذا در کلام وحی می خوانیم: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ از گام های شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمن آشکاری است!» این آیه شریفه ناظر بر عهد و پیمان فطری است که در عالم «تکوین» و به زبان اعطای عقل به انسان گرفته شده است، چرا که دلائل عقلی به روشنی گواهی می دهد انسان نباید فرمان کسی را اطاعت کند که از روز نخست کمر به دشمنی او بسته او را از بهشت بیرون کرده و سوگند به اغوای فرزندانش خورده است.

از این جهت این نکته قابل توجه است که «عبادت» در جمله «لا تعبدوا الشیطان» به معنی «اطاعت» است، زیرا عبادت همیشه به معنی پرستش و رکوع و سجود نمی آید، بلکه یکی از اشکال آن همان اطاعت کردن است، چنان که در فراز قرآنی دیگر می خوانیم که فرعون و اطرافیانش بعد از مبعوث شدن موسی علیه السلام و هارون علیه السلام گفتند: «أَنْ نُؤْمِنَ لِشَرِّينَ مِثْلِنَا وَ قَوْمَهُمَا لَنَا عَابِدُونَ؛ آیا ما به دو انسانی که همانند ما هستند ایمان بیاوریم، در حالی که قوم آنها عبادت و اطاعت ما می کردند»؟!

و یا در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «من اطاع رجلا فی معصیة فقد عبده؛ کسی که انسانی را در معصیت پروردگار اطاعت کند او را پرستش کرده است».

آری با توجه به سرشت و فطرت الهی همه انسان ها بر توحید، و انحصار اطاعت برای ذات پاک پروردگار، این پیمان فطری از انسان گرفته شده است و به این ترتیب نه با یک زبان که با چندین زبان این توصیه الهی تحقق یافته و این عهد و پیمان سرنوشت ساز امضا شده است.

انگیزه اصلی این امر نیز همان مسئله شکر منعم است، زیرا انسان خود را غرق نعمت هایی می بیند و چون که شکر بخشنده نعمت در فطرت آدمی نهفته است، به فکر بخشنده نعمت می افتد، به سراغ او می رود تا او را بشناسد و همین امر می تواند سبب اطاعت او و ترک عصیانش شود.

جالب این که در اسلام، اعیاد به دنبال اطاعت اوامر مهم الهی قرار دارد. در عید فطر، ملت مسلمان جشن اطاعت از فرمان حق را جشن می گیرد؛ بدین ترتیب جشن و شادمانی به دنبال یک ماه روزه ماه مبارک رمضان، در حقیقت جشن پیروزی بر هوای نفس، و جشن اطاعت فرمان خداست.

بنابراین چنین روزی تنها عید کسانی است که در انجام این فریضه بزرگ الهی و درک فلسفه نهایی آن پیروز شده اند، ولی برای روسپاهانی که پاس احترام این ماه با عظمت و برنامه تعلیم و تربیت آن را نگاه نداشتند چیزی جز روز عزا و شرمساری نیست.

زیرا کسانی که در طول ماه مبارک رمضان عواطف فطری خود را زنده کرده و در راستای ارتباط با پروردگار و برپاداشتن نماز و روزه و دیگر اعمال در ماه رمضان تلاش کردند، مستحق پاداش نزد پروردگار خواهند بود و در هر دو جهان از نتیجه عمل نیک خود بهره مند می شوند.

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت فرمود: هنگامی که روز اول شوال فرا می‌رسد، منادی ندا می‌دهد: ای مؤمنان برای دریافت جوائز و پاداش های خود بشتابید! آنگاه امام علیه السلام فرمود: جایزه های خداوند مانند جایزه های پادشاهان نیست (یعنی جایزه او بسیار بزرگ و معنوی و قبولی طاعات و رضوان الهی است).

در فرازی تاریخی می‌خوانیم در یک روز عید فطر امام حسن علیه السلام گروهی را دید که بازی می‌کنند و (بیهوده) می‌خندند امام علیه السلام به یارانش فرمود: خداوند ماه رمضان را وسیله آزمایش خلق خود قرار داده که از طریق اطاعتش برای رسیدن به بهشت و رضایت او از یکدیگر پیشی گیرند. جمعی به سرعت در آن شتافتند و به مقصد رسیدند و گروهی تخلف کردند و گرفتار خسران شدند. بسیار مایه تعجب است از کسی که در این روز بیهوده می‌خندد و به بازی مشغول است؛ روزی که نیکوکاران پاداش داده می‌شوند و مقصران ناامید می‌گردند. به خدا سوگند اگر پرده‌ها کنار رود نیکوکاران به اعمال نیکشان سرگرم

خواهند بود و بدکاران به بدی هایشان. زکات فطره؛ شکوفایی فطرت انسانی در کاهش آسیب های اقتصادی و اجتماعی

بی تردید بشر دارای طبیعت اجتماعی بوده و بدون اجتماع نمی‌تواند زندگی کند. بنابراین طبق غریزه فطری و احساسات درونی خود، به زندگی اجتماعی تن در می‌دهد. آن قسمت از مسائل اخلاقی و شؤون اجتماعی و قوانین مدنی و جزایی که از اصول فطری و غرایز ثابت انسانی مایه می‌گیرد و طبعاً در همه جوامع و اجتماعات یکسان است، قوانین مربوط به آن، در اسلام نیز ثابت و لا یتغیر می‌باشند که جزئیات آن در فقه اسلامی پیش بینی شده است.

در این میان ادای زکات که فریضه ای واجب است، و صدقه پنهانی که کفاره گناهان است و صدقه آشکار که از مرگ های بد پیشگیری می‌کند و خدمت به خلق که از لغزش ها و شکست های خفت بار جلوگیری می‌کند همه و همه هماهنگ با فطرت انسانی است.

بدیهی است زکات (توجه به خلق) از اصول ثابت و پا بر جای همه ادیان است، بلکه می‌توان گفت: این مسأله در متن

فطرت آدمی قرار دارد. بنا بر این ریشه این دستور به صورت کلی در اعماق همه فطرت ها جای دارد، لذا در متن تعلیمات همه انبیای پیشین و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز قرار گرفته است. زیرا روح اجتماعی و مدنیت انسان او را به سوی کمک محرومان فرا می‌خواند.

این حکم بعد از آن که ثابت و محقق شد، در بر دارنده مصالح فراوانی است که با توجه به مصالح، نافع و پسندیده است، نه این که ضار و ناپسند باشد. و آن چه در ابتدا به نظر ما ضرر دیده می‌شود، به جهت نا آگاهی ما به مصالح و منافع زکات است، و گرنه کسی که به فوائد خمس و زکات و دیات و ... آگاه است آن ها را به جهت مصالحی که دارند به حکم بدیهی عقل و فطرت، لازم می‌داند.

ذکر «صلوة» و «زکات» در کنار هم در آیات فراوانی از قرآن کریم نشان می‌دهد که در بافت حکومت اسلامی توجه به خالق (نماز) و توجه به خلق (زکات) همچون «تار» و «پود» یک پارچه، لازم و ملزوم یکدیگرند.

توجه به این نکته که سرباز زدن از پرداخت زکات در برابر حکومت اسلامی

در حکم قیام بر ضد حکومت و خروج از صفوف مسلمین محسوب می‌گردد، و حتی می‌توان بر ضد چنین کسانی دست به مبارزه مسلحانه زد، موضوع پیوند حکومت اسلامی را با مسائل اقتصادی و اجتماعی را روشن تر می‌سازد.

با این تفاسیر باید اذعان نمود زکات فطره که گاهی از آن به «زکات بدن» نیز تعبیر می‌شود در حقیقت یک نوع مالیات سرانه است که به نفع فقرا گرفته می‌شود، مسلمانان پس از یک ماه روزه داشتن که آن خود درسی از نوع دوستی و توجه به حال مستمندان اجتماع است، یک قدم عملی در این راه برداشته و تقریباً مقدار خوراک یکی دو روز خود را به مستمندان می‌دهند، این کار گرچه به ظاهر کوچک است ولی اگر یک حساب دقیق درباره کسانی که تمکن مالی برای پرداخت زکات فطره دارند بنماییم خواهیم دید که مقدار قابل توجهی از نیازمندی های محرومان اجتماع در صورت عمل به این دستور تأمین خواهد شد

هم چنین زکات فطره واجب مؤکد است و شرط قبولی روزه ماه رمضان است، و خداوند نیز در قرآن آن را مقدم بر نماز (عید) شمرده است و می‌فرماید: «قَدْ

أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى؛ به یقین آن کس که زکات دهد و یاد پروردگارش را کند سپس نماز بخواند، رستگار است!»،

لذا آنها که عواطف فطری خود را زنده کرده و علاوه بر ارتباط با پروردگار و برپاداشتن نماز، با پرداخت زکات به ویژه زکات فطره به کمک و حمایت نیازمندان می‌شتابند و از این راه از تراکم ثروت و به وجود آمدن اختلافات طبقاتی و به دنبال آن هزار گونه جنایت جلوگیری می‌کنند پاداش خود را در روز عید سعید فطر نزد پروردگار دریافت خواهند کرد و در هر دو جهان از نتیجه عمل نیک خود بهره مند می‌شوند.

سخن آخر: (عید فطر روز بازگشت انسان به فطرت حقیقی خویش است)

در خاتمه باید گوشزد نمود، پس از یک ماه روزه داری، قلب انسان پاک و روح نورانی شده بنابراین باید سعی کرد این نورانیت را در همه ایام سال حفظ کرد؛ و از آنجا که عید از واژه بازگشت گرفته شده و فطرت همه انسان ها نیز پاک است بنابراین در عید فطر به حقیقت فطرت خود بازگشته ایم؛ اگر در روایتی

که از مولی علی علیه السلام می‌خوانیم: و کل یوم لا یعصی الله فیه فهو یوم عید؛ هر روز که در آن معصیت خدا نشود روز عید است» نیز اشاره به همین موضوع است، زیرا روز ترک گناه روز پیروزی و پاکی و بازگشت به فطرت نخستین است.

به هر حال انسانی که طالب بازگشت به فطرت پاک و زلال اولیه خویش است، باید جسم و جانش را از رذائل اخلاقی، و اموری که مزاحم سعادت اوست، پاکسازی کند؛ باید مراقب بود محیط های آلوده فطرت پاک انسان را آلوده می‌کنند در حالی که ماه رمضان همچون تصیفه خانه ای است که روح آدمی را پالایش می‌کند و عید فطر را نیز به همین دلیل جشن می‌گیریم.

بحران تورم و بررسی ابعاد و مسائل آن

از منظر معظم له

«تورم» پدیده ناخوشایندی است که اکثر کشورهای جهان از جمله ایران به نسبت های مختلف از آن رنج می برند و یکی از عوامل مهم نابسامانی در کشورها به شمار می آید.

حال در شرایطی قرار داریم که مشکلات اقتصادی فشار زیادی به مردم وارد کرده است، در این میان مشکلاتی از قبیل تورم و گرانی؛ مردم را به شدت در تنگنا قرار داده است.

لذا گلایه های مردمی درباره تورم و وضعیت معیشت در قالب نامه های فراوان به دفتر ما ارسال می شود، به نحوی که روزانه بیش از دو هزار نامه و پیامک از مردم دریافت می شود، که اکثر آن ها از وضع موجود کشور ابزار گلایه و شکایت دارند.

اینجانب نیز ورای آمارهایی که گاه و بی گاه به مردم ارائه می شود، به نامه های ارسالی که به صورت روزانه از طریق مردم به دست ما می رسد نگاه می کنم؛ به عنوان در برخی از این نامه ها برخی از کسانی که بیماری خاصی در خانواده خود دارند، ابراز گلایه و شکایت می کنند که چرا باید برای تزریق یک آمپول بیش از چند صد هزار هزار تومان هزینه پرداخت کنیم؟

لذا مردم تقاضایی از ما و دولت دارند و از ما می خواهند که مسائل و مشکلات بحران تورم را منتقل و بیان کنیم.

تورم غوغا می کند

امروز مشکل تورم و گرانی در جامعه غوغا می کند، تورمی که شمشیر تیز و برنده ای است که لبه آن متوجه مستضعفین و محرومین جامعه است؛ تورمی که با رکود توأم است، و بر آمار بیکاری روز به روز افزوده است، و سکون جامعه را خسته و دل زده

کرده است، و درست در همین اوضاع و احوال کسانی با استفاده از رانت ها، یک شبه به ثروت های بادآورده رسیده اند.

از سوی دیگر تورم کشنده به نوبه خود هر گونه سرمایه گذاری بخش خصوصی را در هاله ای از ابهام قرار داده است و این خود عامل بیکاری و تورم و بالا رفتن مصرف است؛ و اینچنین گسترش بیماری رکود و تورم اقتصادی به دو قطبی شدن جامعه منجر شده است.

هم چنین نقدینگی های مردم به شدت دچار رکود شده است و در نتیجه تورم و فساد را به همراه داشته است که در نهایت پیامدهای آن جامعه را فراگرفته و سبب تضعیف ساختارهای اقتصادی کشور شده است؛ لذا مسوولان نباید ساده از کنار آن بگذرند، باید فکری کنند تا مشکلات مردم کم شود.

له شدن اقشار ضعیف و کم درآمد زیر چرخ دنده رکود و تورم

بی شک اجرای برنامه ها بر اساس عدالت نیازمند کاهش فشار به اقشار آسیب پذیر است، زیرا تورم به قشر آسیب پذیر جامعه فشار می آورد.

در این زمینه باید گفت تورم دو اثر نامطلوب دارد، نخست این که ثروت مندان را غنی تر می کند و دوم نیازمندان را محتاج تر می کند. لذا بار تورم بر دوش اقشار ضعیف و کم درآمد و کارمندان و کارگران است نه ثروت مندان.

تأسف آور است که تورم غیر قابل تحملی بر مردم و جامعه تحمیل شده است تورم باعث شده است بسیاری از مردم از نظر معیشت با مشکل مواجه شوند. در حالی که همه قشرها، به ویژه محرومان باید از حداقل

زندگی آبرومندانه برخوردار باشند. و نباید بیش از این آسیب ببینند؛ بلکه دولت باید یارانه حقوق بگیران و افراد نیازمند را زیاد کند تا تورم موجود برای آنها جبران شود

متأسفانه خبر رسانی کافی نیز در این زمینه وجود ندارد حال آنکه صدا و سیما نیز در این راستا مسؤولیت مهمی دارد.

مردم از گرانی رنج می برند

از جمله بحرانها، که به مراحل سخت تر و ترسناک تر از بحرانهای سیاسی و نظامی عصر ماست، بحران گرانی است که نیازی به ذکر نمونه های آن نیست. چرا که شما هر روز با آن رو به رو بوده و از آن رنج می برید و بر همگان لازم است برای حل آن اندیشه ای کنند.

هرج و مرج و بحران های اجتماعی عمدتاً به همین پدیده بر می گردد، زیرا زنجیر گرانی که بر دست و پای مردم گذارده شده، آنها را از فعالیت های ثمر بخش اجتماعی و فرهنگی مأیوس می کند.

آری کشور از این موضوع رنج می برد لذا باید اقتصاددانان کشور و مسوولان برای اقتصاد، فکر اساسی کنند تا مردم خسته و ناامید نشوند و اقشار آسیب پذیر در رنج نباشند.

دولت چشم بر واقعیت ها نبندد

دولت باید بسیار مراقب باشد، مسوولان باید با برنامه ریزی مناسب و اصولی شاخ های غول تورم را بشکنند در غیر این صورت مشکل خواهیم داشت.

بی تردید با پنهان کردن مشکلات اقتصادی مشکلی در کشور حل نمی شود بلکه باید وضعیت موجود اقتصادی برای مردم تبیین شود.

پنهان کردن مشکلات اقتصادی کشور

در برهه کنونی شاید به منزله حل مرحله حساس اقتصادی کشور به شمار رود ولی با گذشت زمان این مشکلات ممکن است سر باز زده و به مشکل اساسی لاینحل تبدیل شود.

لذا باید با شفاف سازی برای مردم و با منطق مشکلات اقتصادی کشور را برطرف کرد البته وجود تحریم ها بر علیه کشور هر چند بخشی از دلایل به وجود آمدن این موضوع شده ولی این امر تمام دلایل را شامل نمی شود.

بر این اساس دولتمردان به جای برخی مسائل، به مشکلات مردم در رفع تورم و گرانی و اجاره های سنگین بیشتر رسیدگی کنند و چشم را بر واقعیت های جامعه نبندند.

دود گرانی دلار در چشم مردم

باید دانست مسأله تورم در عصر ما با این شدت و وسعت؛ زاینده پولهای کاغذی است.

حال چندی است که بازار برخی از کالاها دچار التهاب است و همواره بر قیمت کالاها افزوده می شود و در این بین نرخ تورم برخی کالاها مانند ارز و سکه بیشتر است، برخی از افراد که سابقه ای در این کسب ها نداشتند هم وارد این صنف شده تا به درآمدی برسند. برخی هم به سودهای کلانی رسیدند، در صورتی که هرگونه درآمدی که از راه های نامشروع کسب گردد حرام است و بر همگان لازم است از آنچه که موجب بدتر شدن اوضاع اقتصادی می گردد پرهیز نمایند.

مسأله گرانی بی سابقه ارز و سکه سبب نگرانی بسیاری از دست اندر کاران امور اقتصادی و گرانی بسیاری از اجناس شده و دود آن در چشم قشر مستضعف می رود. لذا باید کمک کرد و به مسوولان مشورت داد که از این مرحله نگران کننده به سلامت بگذرند

تشدید تورم در سایه تخصیص ارز به واردات کالاهای لوکس

از سوی دیگر، ریشه گرانی را باید در اقتصاد حبابی و اقتصاد مصرفی جستجو کرد؛ به طوری که واردت کنندگان کالاهای غیر اساسی با کمک دلارهای دولتی، اجناس

خود را وارد می کنند و اینچنین تیشه به ریشه اقتصاد کشور می زند.

لذا سوءمدیریت ها و بی انصافی برخی تجار، ریشه تورم در کشور است؛ متأسفانه برخی ها با ارز مرجع اجناس لوکس وارد کردند و حتی به ارز آزاد به مردم فروختند! در حالی که چنین درآمدهایی کسب حرام است و موجبات تضعیف اقتصاد تولیدی کشور خواهد شد؛ لذا باید آموزش های فرهنگی لازم از طریق رسانه ها و حوزه های علمیه در این راستا انجام گیرد تا چنین بی انصافی هایی در حق ملت صورت نگیرد.

تک رقمی شدن نرخ تورم و سفره های خالی

تأسف آور است که گزارشهای مقامات رسمی در زمینه نرخ تورم آمیخته با مسائل سیاسی است که آن را کمتر از میزان واقعی نشان می دهند. لذا آنچه در خصوص کاهش آمار تورم آن بیان می شود از سوی مردم قابل لمس نیست و مردم آن را در زندگی خود احساس نمی کنند. بلکه آنچه در جامعه ملموس است بیش از آن است.

لذا خطاب به رئیس محترم جمهور می گوئیم؛ شما وعده های خوبی به مردم داده اید، ان شاء الله این وعده ها انجام می شود. ما آمارهای اقتصادی ارائه شده را زیر سؤال نمی بریم (چه راجع به تورم و چه افزایش رشد و...) ولی مردم می خواهند اثر و نتیجه این آمارها را در زندگیشان ببینند و لمس کنند

لیکن تأمل بر انگیز است که گاهی دولت برخی از چیزها را بی سرو صدا افزایش می دهد و گران می کند؛ افزایش نرخ برخی از خدمات همانند گاز، اعمال ارزش افزوده بر کالاها و افزایش جهشی نرخ هواپیما؛ مایحتاج اصلی مردم از قبیل مواد غذایی، پوشاک، مسکن، وسائل اولیه زندگی و دارو که در پاره ای موارد ۵۰ درصد و برخی نیز ۱۰۰ درصد افزایش قیمت یافته است.

به عنوان نمونه قیمت هزینه مرسوله های خارج از کشور ده برابر شده است و باید برای این مسأله فکری کرد زیرا لازم است مرتباً

کتاب های دینی به خارج کشور ارسال گردد. همه این موارد بیانگر این مسأله است که وقتی دولت اعلام می کند که تورم از دو رقمی به تک رقمی رسیده است مردم باید آن را لمس کنند؛ لذا دولت باید تلاش داشته باشد تا با مردم صادق باشد و صادقانه رفتار کند تا مردم نیز با دولت همراهی کنند.

بانک ها؛ ابزار تشدید تورم

روزی نیست که از سوی مردم برای من نامه نیاید و از سود بانک ها شکایت نداشته باشند، باید جلو این بانک های افسار گسیخته گرفته شود.

به راستی اگر تورم تک رقمی است سود بانکی هم باید زیر ۱۰ درصد باشد، تا ورشکستگی در کشور زیاد نشود. این نوع از بانکداری مناسب ما نیست که هنوز نتوانستیم پس از ۳۷ سال از انقلاب اسلامی آن را اصلاح نماییم.

زیرا یکی از عوامل تورم، بانکداری ناسالم است و اگر بانکداری سالم شود، تورم به مقدار زیادی افت کرده و پایین خواهد آمد.

بنابراین اقتصاد کشورمان به جایی نمی رسد مگر اینکه معضلات مربوط به بانک ها حل شود، رئیس جمهور اخیراً اعلام کرد که تورم در کشورمان تک رقمی شده است، اما باید دانست تا معضلات مربوط به بانک ها حل نشود، آثار کاهش نرخ تورم در زندگی مردم احساس نمی شود.

در تبیین این مهم گاهی افرادی سرمایه دارند ولی قدرت تولید یا تجارت با آن را ندارند، در اینجا بانک اسلامی سرمایه چنین افرادی را می گیرد و با آن طبق عقود شرعی کار می کند، در کارهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی، دامداری و تجاری سرمایه گذاری می نماید و سود سرمایه گذاری را طبق توافق بعمل آمده تقسیم می کند و سهمی برای سرمایه گذار قرار می دهد.

اینجاست که باز بانک های ربوی از بانک های اسلامی جدا می شوند؛ بانک های غیر اسلامی از یک طرف سپرده های مردم را قبول می کنند و سودی به شکل ربا به آنها

می پردازند و از طرف دیگر همین سپرده ها را به دیگران واگذار می کنند و سود بیشتری به عنوان ربا دریافت می کنند، که این عملکرد صددرصد حرام و ربا بلکه حرام مضاعف است.

ولی بانک های اسلامی با این سپرده ها، طبق عقود شرعیه قرارداد می بندند و وارد کارهای تولیدی می شوند و سود حاصله را طبق توافق قبلی تقسیم

می کنند و در واقع در اینجا سه خدمت انجام می گیرد: صاحب سرمایه از سرمایه اش استفاده می برد، بانک هم در این معامله سودی می برد و در نهایت نقدینگی های مردم از رکورد خارج و عوارض رکورد پول که تورم و فسادمی باشد حاصل نمی شود و در مجموع حرکت خوبی به سود جامعه به وجود می آید و سبب شکوفایی اقتصادی می شود مشروط بر این که درست عمل شود.

بخشنامه و دستورالعمل های دولتی بیراهه مهار تورم در ایران

شکی نیست که

باید تورم را مهار کرد، لیکن نه با بخشنامه و دستورالعمل های دولتی؛ لذا مشکل گرانی با اقداماتی هم چون فرستادن بازررس به بازارها حل نمی شود گرچه اصل مساله مطلوب است، ولی حلال مشکلات مردم نیست، زیرا گرانی های موجود ریشه های زیادی دارد و باید ریشه ها را پیدا کرد و دولت باید برای این مساله برنامه ریزی و تدبیر کند تا مسائل و مشکلات اقتصادی به طور مبنایی رفع گردد.

دولت فکری به حال گرانی کند

وظیفه داریم مشکلات اقتصادی مردم را به دولت منتقل کنیم و از دولت بخواهیم آن ها را برطرف سازد، روشن است که مهار تورم یا تصمیم گیری های کلان از عهده بازار خارج است، بلکه در این امور تنها دولت می تواند و باید تصمیم بگیرد و در ارتباط با هر یک از اینها و میزان آنها سیاستگذاری مناسب داشته باشد تا بتواند قیمت ها را کنترل کند و از تورم و رکود پیش گیری نماید.

از این جهت دولت نباید اجازه دهد افشار کم درآمد زیر چرخ های تورم له شوند؛ بلکه باید به فکر طبقات نیازمند باشد، دولت باید فکری به حال گرانی ها بکند.

البته اینگونه نیست این که تنها عده کمی برای این مسائل فکر و برنامه ریزی کنند، بلکه در چنین شرایطی مغزهای متفکر و صاحبان فکر و ایده در عرصه اقتصاد کاری کنند که تورم فشار روی مردم به ویژه روی اقشار ضعیف نیاورد.

از سوی دیگر بر مسئولین فرض است به جای برگزاری همایش های بی خاصیت، با برگزاری نشست های کاربردی و کارشناسانه، راه های کنترل تورم و مشکلات مردم را با برنامه ریزی های دقیق حل نمایند تا مردم راضی باشند، چرا که رضایت مردم، رضایت خدا است و نارضایتی آنان، نارضایتی خدا را به همراه خواهد داشت.

لذا دولت و مجلس وظیفه دارند با وضع مقررات حساب شده بکوشند تا ثبات بازار را حفظ و از نوسانات زیانبار پیش

گیری کنند.

امیدواریم دولت و مجلس و دیگر افراد دست به دست هم دهند و قشر نیازمند را از زیر بار تورم نجات دهند؛ ما هم برای موفقیت شان دعا می کنیم. ما این مسائل را بیان می کنیم تا ان شاءالله عمل کنند.

سخن آخر: (جناب روحانی؛ مهمترین مشکل مردم گرانی و تورم است)

در خاتمه باید گفت در حال حاضر مهمترین مشکل مردم گرانی و تورم موجود در جامعه است که باید با تعامل مجلس و دولت این معضل برطرف شود، البته فعالیت هایی نیز در این زمینه انجام شده است

لذا خطاب به رئیس جمهور محترم می گوئیم مسائل غیر اصلی و فرعی را رها کنید، به سراغ مشکلات اصلی مردم از جمله گرانی، تورم و تحریم ها و تنگناهای اقتصادی و مشکلات اخلاقی بروید و برای حل آنها اقدام کنید.

سراغ مسائلی که بود و نبود آن جزو مسائل اصلی کشور نیست نروید، نگاه کنید به رسانه های خارجی که چه غوغاها و تحلیل هایی می کنند و می گویند قوای

مملکت به جان هم افتاده و کشور رو به بی ثباتی می رود.

لذا هر کس دلش برای کشور، نظام، رهبری و عزت و شرف این ملت می سوزد باید برای حل مشکل گرانی فکر کند و پیشنهاد بدهد و از سویی دیگر بدون تعصب پیشنهادات و راهکارها بررسی شود.

رئیس محترم جمهور باید حل مشکلات مردم به ویژه گروه های مستضعف را در اولویت نخست قرار دهد؛ در حال حاضر مساله تورم و بیکاری غوغا می کند و رئیس جمهور باید تمام مشکلات مردم را در نظر بگیرد، البته بخشی از مشکلات تحمیلی از خارج از کشور است، بخشی نیز ناشی از سوء مدیریت.

شایسته است دولتمردان و مسوولان در پرتو نیروی معنوی حاصل از ماه مبارک رمضان و عید سعید فطر، در ادامه در راه خدمت به خلق خدا استوارتر باشند و از جمله بتوانند بر مشکل مهم جامعه یعنی تورم فائق آیند و شاخ غول گرانی طاقت فرسا را بشکنند و کاری کنند که مردم از مسوولان راضی باشند.

بازخوانی نقش آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

در قیام ۱۵ خرداد

امام خمینی قدس سره مرجع بزرگ شیعه، بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی در پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ هجری شمسی، نهضت اسلامی را بنیاد نهاد و در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ هجری شمسی به پیروزی رسید و در چهاردهم خرداد ماه ۱۳۶۸ هجری شمسی به جوار رحمت خداوند شتافت.

در این میان نقش علمای دینی در همراهی امام امت در برپایی قیام ۱۵ خرداد و به تبع آن پیروزی انقلاب اسلامی غیر قابل انکار است؛ یکی از این افراد موثر و انقلابی، آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی است که مبارزه خود با رژیم پهلوی را از ابتدای دهه ۴۰ آغاز کرده و در خرداد ۱۳۴۲ نیز توسط حکومت شاه مدتی زندانی شده و پس از آزادی مبارزات خود را از سر گرفت.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی و همراهی با نهضت امام خمینی (ره)

با شروع نهضت اسلامی در ابتدای دهه ۱۳۴۰، آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی به این نهضت پیوست. معظم له علاوه بر همراهی نهضت، در امور تبلیغی نیز فعال بود و برای سخنرانی به نقاط مختلف کشور سفر می‌کرد.

معظم له درباره رفتار امام خمینی رحمه الله علیه پیش و پس از رحلت آیت‌الله بروجردی و نقش آن در برپایی قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ می‌گوید: «بعد از وفات آیت‌الله بروجردی در ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ یک تفاوت بسیار اساسی در وضعیت امام خمینی دیده می‌شود. شخصیتی که ساکت و خاموش بود و شاید عده‌ای خیال می‌کردند که ایشان در حاشیه مسایل اجتماعی قرار دارد، ناگهان به

طوفانی عظیم و سلسله‌جنبان یک حرکت فوق‌العاده مردمی و اسلامی مبدل شد.» آیت‌الله مکارم شیرازی در ادامه، این پرسش را مطرح کرد: «این دوگانگی در حرکت امام خمینی و این تفاوت در خطمشی اجتماعی ایشان از کجا پیدا شد؟» و خودش در پاسخ گفت: «کسانی که امام خمینی را شناخته و آثار ایشان را خوانده باشند، حتی آثاری که در دوران پیش از نهضت نوشتند، به‌خوبی می‌دانند که روحیه امام خمینی همواره روحیه یکسانی بوده است، منتها در طول این مدت شرایط و موقعیت اجتماعی عوض شد.»

در تبیین این مسأله باید گفت هر انقلابی احتیاج به زمینه‌هایی دارد و یکی از مهم‌ترین این زمینه‌ها، آگاهی مردم است. زیرا در دوران مرجعیت آیت‌الله بروجردی، حکومت شاه به اندازه‌ای از ایشان ترس داشت که جرئت نداشت پرده‌ها را زیاد از حد کنار بزند و آشکارا دست به اعمال ضد مذهبی و ضد اسلامی بزند. در آن زمان، هم‌چنین توده‌های مردم در حداقل آگاهی به سر می‌بردند و قادر نبودند به هیچ عنوان دست به حرکت‌های پرشور و انقلابی بزنند. طبعاً امام خمینی در انتظار فرصتی بودند تا آنچه را در کتاب کشف اسرار و برخی دیگر از آثارشان نوشته بودند، تحقق بخشند.

لذا بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی، حکومت پهلوی احساس کرد موانعی که سر راهش بوده، از بین رفته است. به این ترتیب شروع کرد به کنار زدن پرده‌ها و به تدریج برنامه‌های ضد مذهبی و ضد مردمی را آشکار کرد و شدت بخشید. هنگامی که رژیم شاه این اقدامات

را شدت بخشید، بر آگاهی مردم نیز افزوده شد و در این هنگام امام خمینی که زمینه را مهیا دیدند با اعلامیه خود درباره لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، اولین جرقه انفجار را زدند. ایشان اعلام کردند: «شاه‌پرستی، یعنی غارتگری». گفتن این حرف در آن زمان بسیار مهم و وحشتناک بود. امام خمینی با اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها به مردم آگاهی و شجاعت دادند و جو رعب و وحشت را که رژیم پهلوی ایجاد کرده بود شکستند. این دو عنصر، یعنی ریختن ترس مردم از رژیم و جانشینی شهادت در دل مردم و آگاهی آنان، دست به دست هم دادند و زمینه قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را فراهم آوردند.

سخنرانی علیه حکومت پهلوی در دهم خرداد ۴۲ به روایت اسناد ساواک

روز ۱۳۴۲/۰۳/۱۰ از ساعت ۱۰ الی ۳۰/۱۱ صبح آقای شیخ ناصر شیرازی در منزل آیت‌الله بهبهانی به منبر رفت و در مورد مدرسه فیضیه قم اظهار داشت که ۲۰۰ نفر کشته شده‌اند و دولت آنها را دو نفر صورت داده است. ما آزادی نداریم، باید قیام کنیم. نظیر قیام امام حسین. دستگاه ظالم و جبار از روحانیون چه می‌خواهد. ما از ستم به جان آمده ایم. حریت و آزادی اسلام را می‌خواهیم. از مملکت ما چه می‌خواهند. ما آزادی زبان نداریم. آزادی روزنامه نداریم. رادیو نداریم. چرا یک مجله اسلامی را در قم توقیف می‌کنند ولی این همه مجله‌های خلاف اسلام آزاد است.

اعلامیه انجمن دانشجویان اسلامی برای استماع سخنان معظم له

به روایت اسناد ساواک، صبح روز

شنبه ۱۳۴۲/۰۳/۱۱ اعلامیه ای خطی از طرف دانشجویان اسلامی دانشگاه تهران مبنی بر دعوت دانشجویان برای استماع سخنرانی آقای ناصر مکارم شیرازی به دیوار دانشکده نصب گردیده بود.

در آگهی مزبور از دانشجویان دعوت شده که از ساعت ۱۷ الی ۱۹ روزهای یکشنبه ۱۲ و دوشنبه ۱۳ خرداد ۴۲ برای استماع سخنرانی آقای ناصر مکارم شیرازی تحت عنوان تاریخ روشن مبارزات اسلام با ظلم و زور در مسجد هدایت واقع در خیابان اسلامبول حضور به هم رسانند.

سخنرانی تاریخی علیه حکومت پهلوی در مسجد هدایت

با فرا رسیدن محرم سال ۱۳۸۳ قمری، علی‌رغم تهدیدات ساواک، روحانیان بر مخالفت خود با رژیم شاه افزودند. در روز عاشورا (۱۳ خرداد ۱۳۴۲) امام خمینی سخنرانی تاریخی خود را در قم ایراد کردند. در همان روز، آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی که در تهران منبر می‌رفت از ساعت ۴ بعدازظهر در اجتماع هفت هزار نفر در مسجد هدایت سخنرانی کرد.

ابتدا مختصری درباره حادثه کربلا و مبارزات حسینی صحبت کرد و در ادامه به شدت به حکومت پهلوی اعتراض کرد و با اشاره به یورش ماموران به مدرسه فیضیه در دوم فروردین ۱۳۴۲ تاکید کرد: «یزید نیز با همین سرنیزه‌هایی که ماموران حکومت پهلوی به فیضیه یورش بردند، مردم را مرعوب می‌کرد.» پس از پایان سخنرانی تند آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، گروهی از افراد حاضر در مسجد در مسیر خیابان‌های اسلامبول، چهارراه لاله زار، میدان سپه و ناصر خسرو به سمت سبزه‌میدان راه‌پیمایی کردند. آنان شعار می‌دادند «خمینی، خمینی، خدا نگهدار تو. بمیرد، بمیرد دشمن خونخوار تو» و «خمینی پیروز است.» راه‌پیمایان در حالی که شمارشان به بیش از دو هزار نفر رسیده بود، داخل میدان ارک شدند و خود را به مقابل کاخ

گلستان رسانند. سپس به سمت مدرسه حاج ابوالفتح رفتند و در مجلس عزای روحانیون تهران و اعلام پشتیبانی از امام خمینی، شرکت کردند.

سخنان کوبنده علیه رژیم شاهنشاهی در مسجد هدایت به روایت اسناد ساواک

ساعت ۱۷:۳۰ روز ۱۳۴۲/۰۳/۱۲ عده ای در حدود ۸۰۰ نفر از کسبه و دانشجویان انجمن اسلامی در مسجد هدایت واقع در خیابان اسلامبول اجتماع نموده بودند و ناصر مکارم شیرازی به منبر رفت پس از تلاوت آیه ای از قرآن درباره علت قیام حسین بن علی صحبت نمود و اظهار نمود بنی امیه فساد و ظلم و جور را به حد اعلاء رسانیده بودند که حسین بن علی قیام نمود تا اینکه شهید شد. به شما می‌گویم در این مملکت اسلامی چگونه حکومت می‌کنند. اکنون دشمنان اسلام کمتر از زمان بنی امیه نیستند. اکنون بین هیئت حاکمه و روحانیون اختلاف پیدا شده که اسم اختلاف را نمی‌شود روی آن موضوع گذاشت بلکه باید گفت ما با یک عده شمر و یزید قدیم طرف هستیم. با منطق ثابت می‌کنم که این رژیم فاسد چگونه مردم را گول می‌زند. دستگاه ما علیه جهل و نادانی اقدام می‌نماید و به قول خودشان به دهات و اطراف معلم می‌فرستند تا مردم را از جهل و نادانی نجات دهند ولی از طرف دیگر دانشگاه و دانشجویان را می‌کوبند و آنان را مضروب می‌کنند. آیا این است معنی توسعه علم و دانش.

آیا این است دستور خداوند و قرآن... در ایران مسیحی‌ها، بهایی‌ها، زردشتی‌ها و اسرائیلی‌ها هر یک دارای نشریه ای می‌باشند و در محلی تجمع می‌نمایند و ما که در این کشور اکثریت داریم و ملت مسلمان هستیم حتی دارای یک نشریه دینی نیستیم. در گذشته نشریه ای به نام مکتب اسلام منتشر می‌شد که توقیف گردید و نشریه دینی دیگری

منتشر شد، ولی آن را هم توقیف کردند و حتی بنده به رئیس آگاهی شهربانی قم مراجعه نمودم و گفتم شما نشریه مکتب اسلام را توقیف نمودید این یکی را دیگر برای چه توقیف کردید. ایشان گفتند برای اینکه پشت جلد نوشته بود مکتب اسلام. آیا این منطق برای توقیف یک نشریه دینی کافی است.

پس کیست که با عقاید شما موافق باشد اکثریت مردم با ما هستند پس شما هستید با سرنیزه هایتان. اما ما بر دل‌ها حکومت می‌کنیم و شما با زور سرنیزه. یزید با سرنیزه بر مردم حکومت می‌کند و اکنون هم در این کشور حکومت سرنیزه ای شده است.

در خاتمه سخنان خود اضافه نمود خدایا این عمال اسراییل و این بیگانگان و دشمنان دین اسلام که هر روز بر علیه مقدسات دین ما اقدامات مضر می‌کنند و دستورات اسلامی را تحریف می‌کنند شرشان را از سر ما کوتاه کن...

دستگیری آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در شب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

سخنرانی‌های پرشور عاشورا منجر به دستگیری گروهی از روحانیون مبارز شد. به گزارش ساواک، در شب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ «بسیست نفر از وعاظ که در چند روز اخیر ایام سوگواری در منابر مردم را تحریک بر علیه امنیت کشور کرده‌اند توسط مامورین شهربانی و ساواک بازداشت شدند؛ از جمله آقایان ناصر مکارم شیرازی، مرتضی مطهری، عباسعلی اسلامی، محمدتقی فلسفی، سیدعبدالکریم هاشمی نژاد و...» روز بعد نیز امام خمینی و عده دیگری از روحانیون دستگیر شدند.

روایت معظم له از نحوه دستگیری

معظم له درباره بازداشت خود می‌گوید: «ماجرای این قرار بود که در دهه عاشورای سال ۴۲، در مسجد هدایت تهران سخنرانی تندی کردم که مردم را به هیجان آورد و رژیم روی آن سخنرانی، بسیار حساسیت



آیت‌الله ربانی شیرازی جلسات هفتگی سخنرانی فضلی شیرازی حوزه علمیه قم را برپا کرد. در این جلسات، آقایان مکارم شیرازی، شب‌زنده‌دار و... به طور مستقیم و غیرمستقیم درباره مبارزه سخنرانی می‌کردند.

در ۳۰ فروردین ۱۳۴۳ آیات عظام خمینی، شریعتمداری و مرعشی نجفی تصمیم گرفتند برای هر شهری که دارای طلبه است، سرپرستی تعیین کنند. آنان برای شیراز آیت‌الله مکارم شیرازی را برگزیدند. آیت‌الله مکارم شیرازی در انتقال اعلامیه‌های علما به شیراز نیز فعال بود. در این جلسه امام خمینی به آیت‌الله مکارم گفت که ساواک قم کثیف‌ترین ساواک کشور است؛ خصوصاً رئیس آن، (حسن بدیعی) که بویی از مسلمانی نبرده است. در اوایل محرم ۱۳۸۴ قمری (۱۳۴۳ شمسی) با توجه به حساسیت آبادان، آیت‌الله مکارم شیرازی به همراه آقایان سیدحسن طاهری خرم‌آبادی، محمدجواد مفتاح و جعفر سبحانی به آنجا رفتند و در انتقاد از رژیم پهلوی و تجلیل از امام خمینی سخنرانی کردند...

سر انجام در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی ایران، که نقطه آغاز آن، قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود با رهبری الهی و هوشمندانه امام خمینی رحمه الله علیه و همراهی آگاهانه و گسترده مردم ایران و تلاش های علمای انقلابی هم چون حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی به پیروزی رسید و زمستان ۱۳۵۷ به بهار بیداری اندیشه های الهی پیوند خورد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور سرلشکر پاکروان

سخن آخر: (آزادی از زندان و از سرگیری مبارزه علیه رژیم پهلوی)

سرانجام آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی پس از ۴۵ روز زندانی کشیدن، به همراه آقایان فلسفی و اسلامی از زندان آزاد شد. آزادی آیت‌الله مکارم شیرازی از زندان چندان دوام نیافت. او در این باره می‌گوید: «پس از آزادی از زندان در تهران، جهت دیدن بستگان خود به شیراز رفتم. در آن موقع، در شیراز حکومت نظامی برقرار بود و هنگام رسیدن به دروازه شهر، ائاثیه مرا بازرسی کردند و چند اعلامیه انقلابی که خیلی هم تند و کوبنده بود و خودم آنها را نوشته، ولی امضا نکرده بودم، در وسایلم پیدا کردند؛ از این رو مرا در آنجا بازداشت و سپس به زندان شیراز و بعد به زندان معروف کریم‌خان فرستادند و در یک بخش نسبتاً محترمانه زندانی کردند؛ لکن مدتش کم بود و با وساطت مراجع آزاد شدم»

آیت‌الله مکارم شیرازی پس از آزادی مجدد از زندان، به مبارزه خود علیه رژیم پهلوی در عرصه‌های مختلف ادامه داد و با امضای اعلامیه‌ها با نهضت امام خمینی همراهی کرد. او در اسفند ماه ۱۳۴۲ به همراه گروهی از علمای قم در تلگرامی به حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت، به «کشتارها و شکنجه‌های قرون وسطایی و سلب آزادی بیان و قلم» اعتراض کرد. در بخشی از این تلگرام آمده است: ملت مسلمان ایران، به خصوص جامعه روحانیت، دیگر تاب تحمل زندانی بودن مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی خمینی و آیت‌الله قمی و حجت‌الاسلام طالقانی را ندارد و با بی‌صبری هر چه تمام‌تر منتظر خلاصی ایشان هستند.» یک ماه بعد در فروردین ۱۳۴۳ امام خمینی از حصر آزاد شدند و به قم بازگشتند.

پیدا کرد، به طوری که فردای آن روز، در مسجد را بستند. من داشتم به گلابدره و امامزاده قاسم می‌رفتم که ناگهان ماشین جیبی جلوی ماشین ما پیچید و دو مامور پیاده شدند و پیش آمدند و مرا دستگیر کردند و به کلانتری دربند بردند. قرار شد رئیس کلانتری همراه چند پاسبان، مرا به زندانی شهربانی ببرند. هنگامی که سوار ماشین شدیم، رئیس کلانتری به من گفت: شما را به آنجا می‌برند و می‌زنند. لطفاً اعلامیه‌ها را دور بریزید. من هم وسط راه پیاده می‌شوم و به خانواده شما تلفن می‌زنم و به آنها اطلاع می‌دهم که شما را گرفته‌اند! همین کار را هم کرد و وسط راه پیاده شد. او واقعاً قصد خیر داشت و همین کار را هم کرد. هنگامی که از ماشین پیاده شد، دو پاسبانی که در ماشین نشسته بودند با یکدیگر شروع به صحبت کردند. یکی از آنها گفت: عاقبت ما مثل یزید شده! دیگری پاسخ داد: بگو بدتر از یزید! مرده‌شوی نانی را ببرد که ما می‌خوریم! عاشوراست، همه در مجالس عزاداری هستند و ما داریم علما و وعاظ را به زندان می‌بریم! گفت‌وگوی این دو پاسبان و رفتار رئیس کلانتری کاملاً نشان می‌داد که رژیم چگونه از درون پاشیده است. دو سه روز آنجا بودم که ائمه جماعات تهران را که در مجلسی جمع شده بودند، گرفتند و آوردند و تعداد ما ۵۳ نفر شد.»

دستگیری معظم له به روایت اسناد ساواک

نامبرده در تاریخ ۱۵/۰۳/۱۳۴۲ به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت دستگیر و در حال حاضر در زندانی شهربانی کل کشور بازداشت می باشد. علیهذا خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به صدور قرار بازداشت مشارالیه اقدام مقتضی معمول و نتیجه را به این سازمان اعلام نمایید.

برتری های فقه اسلامی بر قوانین وضعی عرفی و کاستی های خرد جمعی در وضع قوانین

برگرفته از دائره المعارف فقه مقارن، تحت اشراف آیت الله العظمی مکارم شیرازی

چکیده:

برتری های فقه اسلامی

فقه اسلامی نسبت به قوانین بشری و حقوق وضعی و عرفی، از برتری ها و ویژگیهای فراوانی برخوردار است. چرا که در قوانین فقهی، قانونگذار خداوندی است که خالق انسان و عقل اوست؛ خداوند نسبت به مصالح و مفاسد انسانی که مکلف به این قوانین است، شناخت کافی دارد و از طرفی جاذبه های نفسانی او را از وضع قوانینی هماهنگ با آن مصالح و مفاسد، باز نمی دارد. فقه اسلامی با فطرت انسانی هماهنگ است و با توجه به این که اسلام شریعتش را بر اساس فطرت و خلقت اولی انسان بنا نهاده، «معروف» نزد اسلام، چیزی است که مردم - اگر در مسیر فطرت قرار دارند و از حالت اولیه خلقت تجاوز نکنند - آن را می شناسند. فقه اسلامی نسبت به همه نیازها و نسبت به دو حوزه فرد و اجتماع شمول و فراگیری دارد، با اخلاق آمیختگی و ضمانت اجرایی درونی دارد. قوانین فقه اسلامی کاربردی، سهل و ممتنع، انعطاف پذیر و متوازن هستند. درحالیکه خرد به اصطلاح جمعی بر همه جوانب امور و مصالح و مفاسد موجود در آن احاطه ندارد و در نتیجه شایسته وضع قوانین نیست؛ چنانکه با دخالت این خرد، سازمان خانواده در عصر حاضر از هم پاشیده است. قوانین خرد جمعی بواسطه جهل بشری، یا تبعیت از نفسانیات قانون گذار، هنجارهای اخلاقی را کنار می گذارد و ضمانت اجرایی آن زور است نه باور نوع بشر، ضمن اینکه توازن و همه گیری لازم نسبت به همه نیازها و ابعاد زندگی بشر را هم ندارد.

فقه اسلامی نسبت به قوانین بشری و حقوق وضعی و عرفی، از برتری ها و ویژگیهای فراوانی برخوردار است از جمله: قوانینش مشاهده نمی شود. ثانیاً: تأثیر هوا و هوس ها در مورد او مفهومی ندارد در حالی که عقل انسان حتی در آنجا که به صورت خرد جمعی ظهور پیدا می کند در بسیاری از موارد مغلوب و محکوم خواهش های نفسانی قرار می گیرد و ممکن است مثلاً به وضع اموری بسیار مستهجن (مانند مشروعیت بخشیدن به همجنس بازی) تن دهد. (۲)

۱. «فقه» انعکاسی از برتری خالق عقل بر عقل

در قوانین الهی، قانونگذار خداوندی است که خالق انسان و خالق عقل انسان است یعنی آن منبع بی نهایتی که عقل، تنها شعاعی از وجود اوست و نسبت به مصالح و مفاسد انسانی که مکلف به این قوانین است، شناخت کافی دارد و از طرفی دیگر جاذبه های نفسانی و شهوانی درباره او مفهومی ندارد تا او را از وضع قوانینی هماهنگ با آن مصالح و مفاسد، باز دارد در حالی که واضعان قوانین بشری، هم شناخت ناقص و محدودی از مصالح و مفاسد دارند و هم افکار آنان ممکن است تحت تأثیر جاذبه های نفسانی و شهوانی قرار گیرد و روشن است کسی که خود نیاز به دستگیری و کنترل و هدایت دارد نمی تواند با وضع یک سلسله از مقررات و قوانین، هدایت کننده دیگران شود «قُلْ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي» (۱)؛ (بگو: تنها خدا به حق هدایت می کند. آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است، یا آن کس که هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند).

به بیان دیگر: تفاوت فقه اسلامی بر قوانین وضعی دنیا جلوه ای از برتری خالق عقل بر عقل و انعکاسی از تفاوت بین تراوشات فکری بشر با مبدأ وحی است

چرا که واضع و قانونگذار در فقه اسلامی خداوندی است که اولاً: بر همه نیازها و خواسته های بشر اشراف کامل دارد لذا هیچ گونه کاستی و تناقض و تضادی در قوانینش مشاهده نمی شود.

ثانیاً: تأثیر هوا و هوس ها در مورد او مفهومی ندارد در حالی که عقل انسان حتی در آنجا که به صورت خرد جمعی ظهور پیدا می کند در بسیاری از موارد مغلوب و محکوم خواهش های نفسانی قرار می گیرد و ممکن است مثلاً به وضع اموری بسیار مستهجن (مانند مشروعیت بخشیدن به همجنس بازی) تن دهد. (۲)

ثالثاً: چیزی به نام شرم و حیا او را از بیان حق باز نمی دارد «وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ» (۳)؛ (اما خداوند از [بیان] حق شرم نمی کند).

رابعاً: راه افراط پیش نمی گیرد و بر همین اساس مجازاتهایش با مقدار و کیفیت جرم هماهنگی دارد و در نتیجه در قوانین او حقی از کسی ضایع نمی گردد و کسی مورد ظلم واقع نمی شود، چنانکه بیش از اندازه توان و وسع انسان ها قانونی صادر نمی کند «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (۴)؛ (خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی کند) و با توجه به دو قاعده ای که به نام «نفی حرج» و «لا ضرر» وضع کرده است، مشقت و ضرر را بر کسی تحمیل نمی سازد.

خامساً: از روحيات انسان ها و آسیب پذیری و عواطف حاکم بر آنان، آگاهی کامل دارد لذا هم در کیفیت جعل قانون و هم در شیوه ابلاغ آن، قانون تدریج و تدرج

را ملاحظه می کند تا سرخوردگی بوجود نیاید و یا اصل تشویق را در کنار تنبیه رعایت می کند و ثواب و برکات را در کنار عقاب و درکات به رخ می کشد تا انسان ها با میل و رغبت و طیب نفس، پذیرای قانون شوند. مثلاً در بیان قانون زکات که دل کندن از تمتعات دنیایی را در پی دارد به اثر تزکیه و تطهیر آن اشاره می کند «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (۵)؛ (از اموال آنها صدقه ای [بعنوان زکات] بگیر، تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی) و در قانون جهاد که چشم پوشیدن از جان و مال را طلب می کند اجر بهشت را یادآور می شود «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» (۶)؛ (خداوند از مؤمنان، جان و مالشان را خریداری کرده، که ادر برابرش [بهشت برای آنان باشد).

این همه را خالق عقل که قانونگذار در قوانین اسلامی است دارد ولی همه یا لااقل عمده آن را عقل جمعی که قانونگذار در قوانین بشری است ندارد و نتیجه آن تغییرات هزینه بردار و زیانباری است که هر چند گاه در آن مشاهده می شود.

۲. هماهنگی با فطرت (۷)

از جمله امتیازات فقه اسلامی هماهنگی آن با فطرت شفاف و زلال توحیدی است؛ اگر بر اساس آیه «فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (۸)؛ (پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این سرشت الهی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده) همه انسان ها در مجموعه «دین» بر فطرت الهی و توحیدی سرشته شده اند، فقه و شریعت که رکنی از ارکان سه گانه «دین» است نیز فطری خواهد بود، لذا در تفسیر کلمه «معروف» که شریعت، پیوسته به آن امر می کند و از ضد آن (منکر) نهی می نماید بعضی از مفسران بزرگ تصریح کرده اند: «با توجه به این که اسلام شریعتش را بر اساس فطرت و خلقت اولی انسان بنا نهاده، «معروف» نزد اسلام، چیزی

است که مردم - اگر در مسیر فطرت قرار دارند و از حالت اولیه خلقت تجاوز نکنند - آن را می شناسند» (۹) و به تعبیر دیگر: «معروف» و «منکر» یعنی «شناخته» و «ناشناخته» اشاره روشنی به این حقیقت دارد که کارهای نیک با روح و فطرت انسان آشناست و کارهای زشت، ناآشناست.

به بیان دیگر: برخلاف آنچه بعضی می پندارند فطری بودن «دین» منحصر به اصل توحید و خداپرستی نیست بلکه شامل تمام اصول و فروع می شود؛ البته منظور کلیات فروع است، فی المثل «جهاد» یک امر فطری است چرا که هر کس با فطرت خود درک می کند که در مقابل تهاجم دشمن باید از خود دفاع کند، «حج» که یک عبادت دسته جمعی است با فطرت اجتماعی بودن انسان هماهنگ است، «نکاح و ازدواج» که برای ارضای سالم غریزه جنسی است به فرمان فطرت انجام می شود و «حسن عدل و قبح ظلم» از فطریات است.

از برکات این ویژگی این است که همچنانکه فطرت انسانی امری ثابت و پایدار و همگانی و همه زمانی است قوانین و مقررات دینی نیز کهنه نمی شود و برای همه اعصار و امصار سرریان و جریان دارد. بر همین اساس است که در ادامه آیه مزبور آمده است: «لَا تَبْدِيلَ لَخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»؛ (دگرگونی در آفرینش الهی نیست این است آیین استوار).

البته دوام و استمرار فقه، لازمه خاتمیت دین نیز می باشد زیرا خاتمیت دین اسلام اقتضا دارد که آیین و قوانین اسلامی به حد تمام و کمال رسیده باشد و در بستر زمان و طول دوران با همه فراز و نشیب ها و مقتضیات و مطالبات مختلفش قابل تطبیق و پیاده شدن باشد.

تفصیل رمز و راز این دوام و جاودانگی، با آن اختلاف و دگرگونی در زمان و مکان، در فصل دیگری از همین کتاب تحت عنوان «نقش زمان و مکان در اجتهاد» آمده است.

۳. فراگیر بودن نسبت به همه نیازها

لازمه فطری بودن و خاتمیت دین استیعاب و فراگیر بودن فقه اسلامی نسبت به همه اعصار و امصار و در نتیجه توان پاسخگویی آن نسبت به همه نیازهای انسانی در طول زمان است. این مطلبی است که هم تعدادی از آیات، به آن پرداخته است و هم از بعضی از روایات استفاده می شود: از آیات، علاوه بر آیات دال بر فطری بودن و خاتمیت دین و آیه همگانی بودن رسالت پیامبر مکرم (صلی الله علیه وآله): «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (۱۰)؛ (و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم) و آیه اکمال «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» (۱۱)؛ (امروز، کافران از [شکست] آیین شما مأیوس شدند) - علاوه بر همه اینها - در آیه «تَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (۱۲)؛ (و این کتاب را که بیانگر همه چیز) نیز به آن تصریح شده است.

و از روایات، روایات فراوانی بر این فراگیری دلالت دارد که در فصل های متعددی از این کتاب به آن اشاره شده است، در اینجا نیز به بیان سه روایت اکتفا می شود:

۱. در حدیث معروف حجه الوداع در کتاب مستدرک حاکم نیشابوری چنین می خوانیم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: «لَيْسَ مِنْ عَمَلٍ يُقَرَّبُ إِلَيَّ الْجَنَّةِ إِلَّا قَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ وَ لَا عَمَلٍ يُقَرَّبُ إِلَيَّ النَّارِ إِلَّا قَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ» (۱۳)؛ (هیچ عملی نیست که شما را به بهشت و سعادت نزدیک کند مگر این که من شما را به آن امر کردم و هیچ عملی نیست که شما را به آتش دوزخ نزدیک کند مگر اینکه شما را از آن نهی کردم).

۲. حماد از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت می فرمود: «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ فِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ» (۱۴)؛ (هیچ چیزی نیست مگر اینکه در کتاب یا سنت وارد شده است).

۳. سماعه می گوید: خدمت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) عرض کردم (آیا هر چیزی حکمش در کتاب خدا و سنت

پیامبرش آمده و یا شما حکم آن را بیان می‌دارید؟ فرمود: «بَلْ كُلُّ شَيْءٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ» (۱۵)؛ (آری؛ همه چیز در کتاب خدا و سنت پیامبرش یافت می‌شود).

در بحث‌های متعددی از این کتاب نظیر «تأثیر زمان و مکان در اجتهاد» و «مسائل مستحدثه» و «عدم خلأ قانونی» سر این استیعاب بیان شده است که عبارت است از «افتتاح باب اجتهاد» و «تقسیم احکام به احکام ثابت و متغیّر و به احکام اولیه و ثانویه» و نیز وجود اصول و اطلاقات و عمومات قابل تطبیق بر موضوعات مستحدثه و موضوعاتی که در طول زمان، حادث می‌شوند.

ممکن است گفته شود: «حل مسائل با قواعد ثانوی از قبیل عسر و حرج و اضطرار، نشانه غنای فقه نیست زیرا اولاً چنین امری برای سایر حقوقدانان بشری هم میسر است و ثانیاً اگر طبق موازین و شیوه فقه قدیم برای پانصد مسأله جدید بر مبنای عسر و حرج و اضطرار، حکم استنباط کردیم به چنین چیزی کمال فقه نمی‌گویند» (۱۶)

ولی با توجه به یک نکته پاسخ آن روشن می‌شود و آن اینکه ما هرگز ادعا نمی‌کنیم که اکثر احکام فقهی بر پایه عسر و حرج و مانند آن از عناوین ثانویه اضطراریه نهاده شده، بلکه احکام مبتنی بر این گونه از عناوین، مربوط به موارد محدودی است؛ اکثر مباحث فقه اسلامی و از جمله بسیاری از مسائل مستحدثه با عناوین اولیه قابل اثبات است و اما استفاده حقوقدانان از این عناوین مشکل دارد و آن اینکه آنها به حکم داشتن عواطف و احساسات بشری ممکن است گرفتار گروه‌گرایی و منافع خصوصی یا گروهی و یا ارفاق‌ها و تشدیدهای بی‌مورد و نظیر آن بشوند.

۴. شمول نسبت به دو حوزه فرد و اجتماع

قوانین وضعی دنیا معمولاً کاری نسبت

به زندگی فردی افراد و رابطه انسان با خودش ندارد و در حریم شخصی و کشش‌های روحی افراد، دخالتی نمی‌کند بلکه تنها روابط اجتماعی انسان را رقم می‌زند، گویا انسان، تنها زمانی نیاز به ضوابط و مقررات دارد که با دیگر انسان‌ها ارتباط برقرار کند، در حالی که بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی انسان از ساختار فردی او نشأت می‌گیرد که در خلوت و تنهایی انجام می‌شود.

اسلام و فقه اسلامی هم در حوزه اجتماع و آنچه به مصلحت عامه ارتباط دارد قوانینی را وضع کرده، نظیر جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قصاص، حدود و دیات و به طور کلی عدالت اجتماعی و هم در حوزه فرد و زندگی فردی انسان، ضوابطی قرار داده و به رابطه انسان با خودش و خالقش نظام بخشیده است مثل اینکه برای حفظ عقل او، مشروبات الکلی را تحریم کرده، و برای سلامت جسم او و خلوص روح و رشد و تقویت اراده او، روزه را واجب ساخته و برای صحت و بقای سلامتی اش اضرار به نفس را حرام کرده است و...

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) آنجا که به تبیین فلسفه بعضی از احکام فقهی می‌پردازد تعدادی از مسائل فقه اجتماعی را در کنار تعدادی از امور فقه فردی قرار می‌دهد و می‌فرماید: «فَرَضَ اللَّهُ ... الصَّلَاةَ تَزْيِيهَا عَنِ الْكِبْرِ وَ الزَّكَاةَ تَسْبِيْبًا لِلرِّزْقِ وَ الصِّيَامَ ابْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ وَ الْحَجَّ أَنْفُويَةً [تَقَرُّبَةً لِلدِّينِ وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَضْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلشُّفَهَاءِ وَ صَلَةَ الرَّحِمِ مَنَامَةً لِلْعَدَدِ وَ الْقِصَاصَ حَقْنًا لِلدَّمَاءِ وَ إِقَامَةَ الْحُدُودِ إِعْظَامًا لِلْمَحَارِمِ وَ تَرَكَّ شَرْبَ الْخَمْرِ تَخْصِيْنًا لِلْعَقْلِ وَ مَجَابَنَةَ السَّرْقَةِ إِيجَابًا لِلْعَفَّةِ وَ تَرَكَّ الرَّزْيَ [الرِّزَا] تَخْصِيْنًا لِلنَّسَبِ وَ تَرَكَّ اللُّوْاطَ تَكْثِيْرًا لِلنَّسْلِ وَ الشَّهَادَاتِ اسْتِظْهَارًا عَلَي الْمَجَاحِدَاتِ وَ تَرَكَّ الْكَذِبَ تَشْرِيفًا لِلصِّدْقِ وَ السَّلَامَ أَمَانًا مِنَ الْمَخَافِ وَ الْأَمَانَةَ نِظَامًا لِلأُمَّةِ» (۱۷)؛ (خداوند... نماز را برای پیراسته شدن از کبر واجب نمود و زکات را برای جلب روزی، و روزه را برای

آزموده شدن اخلاص مردم و حج را برای نزدیک شدن دینداران آيا برای تقویت دین [و جهاد را برای عزت اسلام، و امر به معروف را برای اصلاح توده مردم، و نهی از منکر را برای بازداشتن فرومايگان، و صلۀ ارحام و پیوند با خویشاوندان را برای رشد و فراوان شدن آنان و قصاص را برای محفوظ ماندن خون‌ها، و اجرای حدود را برای بزرگ جلوه نمودن حرام‌ها و ترک نوشیدن شراب را برای حراست از عقل، و دوری از دزدی را برای باقی ماندن پاکدامنی، و ترک زنا را برای حفظ نسب، و ترک لواط را برای فراوان شدن نسل، و شهادت دادن‌ها ابر حقوق) را برای حمایت از حقوق انکار شده، و ترک دروغ را برای گرمی داشت راستی، و سلام را برای ایمنی از خطرات و امامت را برای نظام بخشیدن به امت).

به هر حال، نگاهی گذرا به موضوعات متفاوت و متنوع فقه اسلامی، جامعیت و شمول آن را نسبت به دو حوزه فرد و اجتماع به اثبات می‌رساند؛ در حوزه فرد، ابواب و مسائلی چون نماز، روزه، اعتکاف، مسائل مربوط به نظافت ظاهری و سلامت جسمانی (طهارت و نجاسات، اطعمه و اشربه و...) مشاهده می‌شود و در حوزه جامعه، مسائل مربوط به روابط اجتماعی انسان و وظایف و حقوق او در برابر دیگران تحت عناوینی چون معاملات، احوال شخصیه (نکاح و طلاق و مانند آن) مجازات‌های جزایی و کیفری (حدود، قصاص و دیات) قضاوت و... به چشم می‌خورد.

اسلام و فقه اسلامی نه از پیوند بین فقه و اخلاق غفلت ورزیده و نه از پیوند بین فرد و جامعه. اگر بخواهیم جامعه سالمی داشته باشیم باید فرد فرد سالمی داشته باشیم و اساساً احاد و افراد هستند که جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند و روشن است که برخورداری فرد فرد انسان‌ها از سلامت روحی و اخلاقی نیاز دارد به وضع یک سری از قوانین و مقررات فردی در قالب واجب، حرام، مستحب و مکروه که

فقه اسلامی جوابگوی آن است.

۵. آمیختگی با اخلاق

برتری قابل توجه دیگری که می‌توان برای فقه اسلامی برشمرد آمیختگی آن با اخلاق است؛ عبادات که باب مهمی از ابواب فقه را تشکیل می‌دهد هدف و غرض اخلاقی دارد مثلاً نماز عروج به عالم ملکوت و تقرب به مبدأ هستی «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ» (۱۸)، (نماز قربانی پرهیزگاران است) و فاصله گرفتن از فحشا و منکرات «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (۱۹)؛ (نماز انسان را از زشتی‌ها و بدی‌ها نهی می‌کند) را به دنبال دارد و «ریا» که یکی از رذایل اخلاقی به حساب می‌آید در فقه اسلامی از قانون و حکم وضعی خاصی برخوردار است و سبب بطلان عمل عبادی می‌شود. همین‌گونه است مباحث اقتصادی اسلام و انواع معاملات، که آمیخته با مسائل اخلاقی است، از قبیل بحث «إِقَالِه نَادِم»، (۲۰) «عدم دخول در سوّم برادر مؤمن»، (۲۱) «عدم تلقی رکیبان»، (۲۲) «کتفا به سود مورد نیاز برای زندگی»، «عدم احتکار» و امثال آن.

رهایی انسان از نفس اماره و طغیان‌ها و سرکشی‌های آن و تصفیه درون انسان‌ها از وسوسه‌ها و رشد و تکامل بخشی به نفس آدمی که هر گاه به صلاح آید مبدأ فضایل اخلاقی و اگر به فساد گراید مبدأ رذایل اخلاقی است همچنان که نیازمند به شناسایی این زمینه‌ها و استعدادها و آشنایی با درمان‌ها و پیشگیری‌هاست و علم اخلاق متصدی آن است نیازمند به مجموعه‌ای از مقررات و قوانینی است که فقه به آن می‌پردازد.

مسائل فقه اسلامی به گونه‌ای با مسائل اخلاقی تنیده شده که نمی‌توان کسی را پیدا کرد که متدین و معتبد به واجبات و محرمات دینی باشد ولی آراسته به فضایل اخلاقی و گریزان از رذایل اخلاقی نباشد این در حالی است که از دادستان دیوان ایالت متحده آمریکا «رابرت هوگوت جکسون» نقل شده که گفته است: «قانون

در آمریکا فقط تماس محدودی با اجرای وظایف اخلاقی دارد، در حقیقت یک شخص آمریکایی در همان حال که ممکن است یک فرد مطیع قانون بوده باشد ممکن است از حیث اخلاق یک فرد پست و فاسد باشد» (۲۳)

شدیدترین و به حسب ظاهر خشن‌ترین قانون فقهی مثل قصاص، قرین است با یک تذکر اخلاقی که عبارت از «اخوت دینی» است و همراه است با یک توصیه اخلاقی یعنی تشویق به عفو و گذشت. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ... فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ» (۲۴)؛ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما مقرر شده است... اگر کسی از سوی برادر [دینی] خود، چیزی به او بخشیده شود، [و حکم قصاص تبدیل به خونبها گردد، ولی مقتول] باید از راه پسندیده پیروی کند؛ [و شرایط پرداخت کننده را در نظر بگیرد] و او نیز به نیکی دیه را [به ولی مقتول] بپردازد [و مسامحه نکند]؛ این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما) عفو و گذشتی که در آیه دیگری به عنوان صدقه‌ای که سبب بخشوده شدن گناهان می‌شود معرفی شده «وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ... فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ» (۲۵)؛ (و بر آنها [بنی اسرائیل] آدر آن [تورات]، مقرر داشتیم که جان در مقابل جان... اگر کسی از قصاص، در گذرد، کفاره [گناهان] او محسوب می‌شود).

چنانکه قهرآمیزترین مقررات فقهی مثل طلاق نیز با عفو و بخشش که از لطیف‌ترین مسائل اخلاقی است، مقرون است «وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ... وَأَنْ تَغْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (۲۶)؛ (و

اگر زنان را، پیش از آن که با آنها تماس بگیرید [و آمیزش کنید] طلاق دهید، در حالی که مه‌ری برای آنها تعیین کرده‌اید،

باید نصف آنچه را تعیین کرده‌اید به آنها بدهید... و گذشت کردن شما او بخشیدن تمام مهر به آنها] به پرهیزگاری نزدیکتر است. و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست).

ممکن است قانون‌گذاران غربی به هنگام وضع قانون، از مسائل اخلاقی مذهب مسیحی یا هر مذهب دیگر متأثر باشند ولی سخن در ضمانت اجراست که در دنیای لائیک جز ضمانت‌های قانونی و مادی وسیله دیگری جهت اجرای قوانین وجود ندارد. به تعبیر دیگر، کسی که قوانین اسلام را زیر پا می‌گذارد، گذشته از آنکه در پیشگاه قوانین ظاهری، مسئولیت دارد، در پیشگاه خداوند نیز مسؤول است.

۶. داشتن ضمانت اجرایی درونی

از برتری‌های فقه و قوانین اسلامی این است که (همانند سایر ادیان الهی) ضامن اجرای آن منحصر در دولت و حکومت و قوه قهریه آن نیست بلکه دو نوع ضمانت اجرایی دیگر نیز در آن تصوّر می‌شود:

نخست احاد مسلمین و همه مؤمنین بر اساس «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (۲۷)؛ (شما همه نگهبانید و از شما سوال می‌شود بر نگهبان بوده‌اید) و فریضه امر به معروف و نهی از منکر، و دیگر آنکه باورهای اعتقادی و اخلاقی که شخص عامل از آن برخوردار است چرا که عمل به قانون برای انسان معتقد، پرتوی از ایمان و اعتقاد است و او به عنوان انجام «وظیفه» و عمل به «تکلیف» الهی به قانون روی می‌آورد نه به عنوان یک سلسله «مقررات خشک» و خصوصاً با توجه به اعتقاد به فطری بودن احکام دینی و هماهنگی آن با گرایش‌های درونی و وجدانی و آمیختگی آن با جاذبه‌های اخلاقی، غالباً با «طیب خاطر» و رضایت باطنی به سمت آن می‌رود نه با اکراه و تکلف.

به تعبیر دیگر: قوانین بشری چون بر پایه ایمان مذهبی و اعتقاد دینی بنا نشده است تنها می‌تواند بر جرائم و مجازات

های مادی و زندان و امثال آن به عنوان ضمانت اجرا تکیه کند و آنچه از محدوده نظارت دستگاه های قضایی و نیروهای انتظامی بیرون است عملاً از قلمرو ضمانت اجرایی آن خارج می باشد حال آنکه در قوانین مذهبی مانند قوانین اسلام هم دائره نظارت بسیار گسترده است؛ از حضور خداوند در همه جا گرفته تا مأموران ثبت اعمال که به اعتقاد مذهبیبون همه جا با انسان هستند و تا شهودی از اعضای بدن انسان و آنچه افعال انسان در آن اثر می گذارد (زمین و زمان و غیر آن) و هم مسأله پاداش ها و مجازات ها که جنبه مادی و معنوی گسترده ای دارد و حتی منحصر به جهانی که در آن زندگی می کنیم، نیست.

جالب اینکه در ضمانت اجرایی قوانین بشری معمولاً جایی برای پاداش و تشویق نیست جز در موارد استثنایی آن هم نه به صورت الزامی، ولی در ضمانت اجرایی مذهبی به همان اندازه که مجازات ها نقش دارد پاداش ها نیز دارای نقش است هم در دنیا آن گونه که در آیاتی نظیر: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (۲۸)؛ (و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، به یقین برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم) و «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَنْبِيئَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (۲۹)؛ (و گفتم: «از پروردگار خویش آموزش بطلبید که او بسیار آموخته است * تا بارانهای پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد * و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغهای سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد) (وارد شده و هم در آخرت، آن گونه که در آیاتی نظیر «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (۳۰)؛ (و شتاب کنید برای رسیدن به آموزش پروردگارتان؛ و بهشتی که وسعت آن، آسمانها و زمین است؛ و

برای پرهیزگاران آماده شده است) آمده است. برای توجّه به عمق تأثیر اعتقادات مذهبی در اجرای قوانین، کافی است به این نکته توجّه شود که طبق روایات اسلامی افرادی از گنه کاران، خود را به دادگاه اسلامی خدمت پیامبر(صلی الله علیه وآله) یا علی(علیه السلام) معرفی می کردند و تقاضای اجرای حدّ شرعی داشتند تا از گناه پاک شوند و از شرمندگی در پیشگاه خدا درآیند، حتی در مواردی که یک بار اقرار کافی نبود با آنکه آنها را به وقت دیگری موكول می کردند و تلویحاً به آنها می فهماندند که اگر مجدداً به دادگاه مراجعه نکنند حدّی بر آنها جاری نمی شود و توبه آنها پذیرفته است در عین حال بار دیگر به دادگاه اسلامی نزد پیامبر یا امام مراجعه می کردند و تقاضای تطهیر از طریق مجازات شرعی داشتند.(۳۱)

۷. کاربرد بودن

کاربرد بودن یک قانون بدین معناست که در عین دقت و جامعیت، در مقام اجرا دست و پاگیر نباشد و نیروی زیادی را جذب نکند و از تکلفات بروکراسی و تشکیلات طویل و عریض اداری دور باشد. مثلاً در قوانین قضایی دنیای امروز برای قضاوت و اجرای قوانین، مقررات مزاحم و دست و پاگیری وضع شده که گاه ممکن است یک محاکمه را سال ها به تأخیر بیندازد. این گونه مقررات قضایی گرچه به منظور دقت و احقاق حق باشد سبب تضییع بسیاری از حقوق می شود.

در حالی که فقه اسلامی با شرایط ویژه ای که برای قاضی در نظر گرفته و حدّ بالایی از تقوا و عدالت در او شرط کرده، دادگاه را از بسیاری از تشریفات و مقررات دست و پا گیر، بی نیاز کرده است شرایطی نظیر عدالت و اجتهاد، یعنی صلاحیت های بالای اخلاقی و علمی قاضی، احتمال انحراف او را از حق و عدالت به مقدار زیادی کاهش می دهد.

اضافه بر این در قوانین اسلامی چون تکیه

بر عقاید مذهبی افراد می شود تأثیر قابل ملاحظه ای در کاهش تشریفات دارد مثلاً افراد معتقد، به آسانی حاضر نیستند در دادگاه قسم دروغ بخورند در حالی که در قوانین بشری که تکیه بر فرهنگ های دینی ندارد، ممکن است کسانی بدون هیچ دغدغه ای سوگندهای دروغ، یاد کنند.

امروز برنامه خاصی را بعضی از کشورهای اسلامی مانند ایران تجربه می کنند و آن اینکه در کنار دادگاه ها، با ایجاد «شوراهای حل اختلاف» قسمت مهمی از پرونده های دادگاه ها را کاهش داده اند. این شوراها با استفاده از اعتقادات مذهبی و دعوت به عفو و گذشت و پاداش های الهی، از حجم پرونده های دادگاه ها کاسته اند و به این ترتیب، سهولت زیادی در امر قضا پیدا شده است. البته ممکن است نواقص و اشکالاتی نیز داشته باشد که باید آنها را به مرور رفع کرد.

۸. سهل و ممتنع بودن

سهل و ممتنع بودن قوانین اسلام در نحوه مقرراتی که برای اثبات بعضی جرم ها نظیر قذف، سرقت و اعمال منافی عفت، وضع شده است ظهور و بروز دارد چرا که مجازات هایی که برای این قسم از جرائم قرار داده شده، در عین حال که بسیار سنگین جلوه می کند از راه های اثبات بسیار مشکل و پیچیده ای برخوردار است، و نتیجه این می شود که سنگین بودن مجازات بی آنکه افراد زیادی مشمول آن حدّ سنگین گردند، از عامل بازدارندگی قوی برخوردار است.

به عنوان مثال، فقه اسلامی برای اثبات عمل منافی عفت، حتی اگر متهم سه مرتبه اعتراف به جرم کند را کافی نمی داند و اعتراف مرتبه چهارم را شرط کرده است چنانکه اگر بنابراین باشد که از طریق شهادت، ثابت شود باید چهار شاهد گواهی دهند آن هم به شرط آنکه همگی با چشم دیده باشند و نیز به شرط آنکه گواهی هر چهار نفر، با هم هماهنگ بوده باشد.

نتیجه این می شود که در عین حال که

مجازات این گونه از جرایم، سنگین است و بر همین اساس چنانکه گفته شد از بازدارندگی قوی برخوردار است در عین حال در مقام اثبات، تعداد کمی از افراد مشمول این مجازات ها می شوند و به بیان دیگر: تنها کسانی عملاً مشمول این گونه از عقوبت ها قرار می گیرند که بی پروایی و جسارت خاصی داشته باشند؛ کسانی که هر انسان برخوردار از وجدان سالمی تقاضا دارد که چنین افرادی به اشدّ مجازات ها گرفتار شوند تا عبرت دیگران گردند و محیط جامعه از آلودگی به گناه و زشتی پاک شود.

۹. توازن

یکی دیگر از برتری های فقه اسلامی، توازن و تعادل در قوانین مختلف آن است، به گونه ای که هر چه بیشتر پیرامون مسأله ای دقت شود، بیشتر مشخص می گردد که قانون گذار همه زوایای قضا را در نظر گرفته و هیچ بخشی را از نظر دور نداشته، و تناسب هر قانونی را با مجموعه قوانین دیگر ملاحظه کرده است.

از سوی دیگر ابعاد وجودی انسان، توان و ظرفیت وی، احساسات، عواطف و غرایز او، و بالاخره سعادت دنیا و آخرت وی را نیز در آن قوانین ملحوظ داشته است.

به نمونه های متعددی در ابواب مختلف فقهی می توان اشاره کرد که بر رعایت توازن و تناسب احکام الهی، گواهی می دهد.

در مباحث اقتصادی آنجا که مکاتب اقتصادی رایج دنیا، یا مالکیت خصوصی را القا کرده اند و یا مالکیت عمومی را نادیده گرفتند، اسلام با نگاهی دقیق و متناسب با ساختار روحی و جسمی بشر، هر دو مالکیت را به رسمیت شناخته و برابر هر یک قوانین ویژه ای وضع کرده است.

همچنین آنجا که مکاتب اقتصادی، مبنای مالکیت را یا بر عنصر «کار» بنا نهاده اند و یا بر عنصر «نیاز»؛ اسلام با دیدی متوازن نسبت به هر دو عنصر، و متناسب

با موضوع، قوانین اقتصادی را پایه ریزی کرده است.

در مباحث جامعه شناسی، آنجا که دانشمندان این رشته، یا «فرد» را اصیل دانسته اند و حقیقتی به نام «جامعه» را انکار کردند، یا آنکه «جامعه» را اصیل دیده اند و برای «فرد» در مقابل جامعه، هیچ جایگاهی قائل نشده اند؛ اسلام به صورت متوازن برای هر دو اصالت قائل شده، و در قالب واجبات عینی و کفایی، انبوهی از قوانین فردی و اجتماعی را مقرر کرده و هر یک از فرد و جامعه را در قبال هم، مسؤول و مکلف دانسته است.

در بحث غرایز، آنجا که عده ای حکم به سرکوب غرایز داده اند، و شماری نیز از آن طرف، راه ارضای غرایز، خصوصاً غریزه جنسی را، به طور کامل آزاد گذاشته اند، اسلام با دیدی واقع بینانه، نه آن را سرکوب کرده و نه آن را بی ضابطه رها نموده است، بلکه در راستای کنترل و تعدیل آن، با ارائه راهکارهای مناسب، آن را در میسر طبیعی و صحیح قرار داده است.

در مباحث زن و مرد، حقوق و مسؤولیت های هر یک، در ابواب مختلفی چون ارث، دیه، تکالیف خانوادگی، سرپرستی فرزندان و... با ظرافت خاصی به تقسیم مسؤولیت ها و حقوق و تناسب هر یک با ساختار روحی و جسمی زن و مرد، پرداخته است.

با نگاهی گذرا به این ابواب، می توان دریافت که اسلام در توزیع ثروت (مالکیت اعتباری)، بیشتر جانب مردان را گرفته ولی در حوزه «مصرف» بیشتر جانب زنان را رعایت کرده است.

در واقع اسلام به جای اینکه این بخش از قوانین خود را بر اساس شعار غیر عادلانه «تساوی حقوق زن و مرد» پایه ریزی کند، بر اساس اصل «توازن و تناسب حقوق زن و مرد» بنا نهاده است.

در جنگ و صلح و احکام مربوط به آن، نه جنگ را هدف قرار داده و نه صلح و تسلیم را، بلکه به طور متوازن همه اطراف قضیه

را دیده و برابر آن قوانین ویژه ای وضع کرده است.

در احکام عبادی و سیاسی، زوایای پنهان و آشکار هر بخش را به دقت مطمح نظر قرار داده، قوانین خود را با ملاحظه حال بیماران، مسافران، سالمندان و حتی زنان شیرده، در عالی ترین وجه تناسب و توازن، مقرر فرموده است.

حتی در مسائل عبادی و معنوی صرف نیز، می توان به روشنی خطوط اصلی توازن نگری اسلام را ملاحظه کرد.

اسلام همه چیز را با هم دیده حتی اجازه نداده آخرت طلبی، بهانه دنیاگریزی و یا بالعکس قرار گیرد. چرا که فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِأَخْرَتِهِ وَلَا أَخْرَتَهُ لِدُنْيَاهُ» (۳۲)؛ (از ما نیست کسی که دنیا را بخاطر آخرت ترک کند و آخرت را بخاطر دنیا)

کوتاه سخن آنکه اسلام غم را در کنار شادی، عبادت را در کنار تفریح، زهد را در کنار کار، معاد را در کنار معاش، و بالاخره روح را در کنار جسم، دیده و حظّ و بهره هر یک را به روشنی در قوانین فقهی مدّ نظر قرار داده است.

این بخش را با حدیثی از امیرمؤمنان علی(علیه السلام) که بیانگر توازن نگری اسلام است، به پایان می بریم. آن حضرت می فرماید:

«لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ» (۳۳)؛ (انسان مؤمن ساعات زندگی خود را به سه بخش تقسیم می کند: قسمتی را صرف مناجات با پروردگارش می نماید، قسمت دیگری را در طریق اصلاح معاش و زندگی به کار می گیرد و قسمت سوم را برای بهره گیری از لذت های حلال و دل پسند می پردازد).

۱۰. انعطاف پذیری

انعطاف پذیری یکی دیگر از ویژگی های فقه اسلامی است و آن به این معناست که

در فقه، ساز و کارهایی تدبیر شده است که به فقیه این امکان را می دهد تا اگر راه انجام یک تکلیف در بعضی مقاطع بسته شد، بتواند عرصه های دیگری را جهت ادای وظیفه طرح نماید، بدین صورت فقه، راه را بر فقیه و مکلفین نمی بندد، بلکه در پیش روی آنها، گزینه های متعدد تکلیفی قرار می دهد تا حسب شرایط و امکانات، انتخاب نمایند. البته این بدان معنا نیست که فقه اسلامی جنبه احکام عرفی به خود گیرد و ضوابط اصیل فقهی شکسته شود.

مسأله عناوین ثانویه در فقه، میدان وسیعی برای انعطاف های لازم و ضروری است. به عنوان نمونه مسأله عسر و حرج - از عناوین ثانویه - ، در سرتاسر فقه، به فقیه امکان می دهد تا از احکامی که موجب عسر و حرج شدید باشد رفع ید نماید.

و یا موضوع تقدیم اهم بر مهم - از دیگر عناوین ثانویه - در تمام مواردی که بین موضوعات مختلف به حسب حکم شرعی تعارض پیدا می شود، به فقیه امکان می دهد تا با انتخاب اهم، حکم مهم را برداشته، تعارض را حل نماید.

قاعده لاضرر، عنوان ثانوی دیگری است که در سراسر فقه، اعم از عبادات، معاملات و مانند آن، انعطاف لازم را به احکام اسلامی می بخشد. همچنین قاعده میسر بسیاری از بن بست ها را که در مسائل مربوط به حج و مانند آن اتفاق می افتد، می گشاید.

سخن آخر: کاستی های خرد جمعی در وضع قانون

در پایان این گفتار و برای نشان دادن ضعف ها و کاستی های موجود در خرد به اصطلاح جمعی و عدم احاطه اش بر جوانب امور و مصالح و مفاصد موجود در آن و در نتیجه عدم شایستگی اش برای وضع قوانین، کافی است یکی از این قوانین و پیامدهای بسیار زیانبار آن به تفصیل مورد نقد و بررسی قرار گیرد:

از جمله از مصوبات و کنوانسیون های بین المللی که توسط خرد جمعی بین المللی یعنی مجمع عمومی سازمان ملل متحد

به تصویب رسید کنوانسیون «رفع تبعیض از زنان» است که در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ - ۲۷ آذر ۱۳۵۸ - از تصویب نمایندگان سازمان ملل گذشت و در ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ اجرای آن برای کشورهای عضو، لازم دانسته شد و کمیته ای به نام کمیته رفع تبعیض (سیدا = CEDAW) که از ۲۳ کارشناس مختلف از کشورهای عضو تشکیل شده است از سوی سازمان، مسؤول نظارت بر اجرای این کنوانسیون شد.

این کنوانسیون با یک مقدمه طولانی و ۳۶ ماده در شش بخش با هدف رفع هر گونه تبعیض از زنان و تأمین تساوی همه جانبه حقوق زنان با مردان در زمینه های مختلف تنظیم شد و تا پایان آوریل ۲۰۰۳ حدود ۱۷۳ کشور این معاهده را پذیرفته و یا به آن ملحق شده اند و از میان ۶۵ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی، حدود ۴۶ کشور تحت فشارهای سیاسی، عضو این معاهده شدند. (۳۴)

روح حاکم بر این کنوانسیون و پیام اصلی آن آزادی مطلق انسان و تساوی زن و مرد به نحو مطلق است و مراد از «تبعیض» که در این کنوانسیون، رفع می شود بر اساس ماده اول از بخش اول آن، هر گونه تمایز، استثنا (محرومیّت) یا محدودیت بر اساس جنسیت است که نتیجه یا هدف آن لغو یا خدشه دار کردن آزادی های زنان در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر بوده باشد.

این کنوانسیون سبب ورود عملی زنان به عرصه اقتصاد برای تحکیم تفکر «تشابه زن و مرد» گردید و در نتیجه و به منظور تواناتر شدن زنان برای فعالیت های اجتماعی و اشتغال، تسهیلاتی نظیر مهد کودک ها و پیشرفت های پزشکی جهت کنترل بارداری، قانونی و رایگان شدن سقط جنین و... مطرح گردید و در نهایت سبب خارج شدن کارهای خانه از «زنانه بودن» و «تقسیم مسؤولیت خانه داری»

بین زنان و مردان و تبدیل مدل خانواده از سنتی به روابط آزاد شد و سبب شد که به تعبیر یکی از نویسندگان غربی (خانم تونی گرت) «زنان در شرایط جدید به جای پیوند با مردی به نام شوهر با شغل خود پیوند بخورند». (۳۵)

این مصوبه پیامدهای مستقیم و غیر مستقیم اخلاقی و اجتماعی زیادی را در پی داشت که حتی دامن کشورهایی که به این کنوانسیون نپیوستند را نیز گرفت از آن جمله:

۱. تزلزل نظام خانواده و بالا رفتن خشونت و آزار جنسی و آمار طلاق، چرا که عدم توجه به تفاوت های طبیعی و فطری زن، و در نتیجه همسان شدن مسئولیت های زن و مرد و هم شکل شدن بهره ها، پاداش ها و کیفرهای آن دو و متشابه شدن شان در کارهای سخت و سنگین، سبب جبهه گیری زن در مقابل مرد و عکس آن شده و موجب شد مرد در برابر زن بگوید: در کارهای سخت و سنگین باید با من شریک باشی، تمام هزینه زندگی ات را باید خودت بر عهده بگیری، در هزینه فرزندان با من شرکت کنی، در مقابل خطرها خودت از خودت دفاع کنی و به همان اندازه که من برای تو هزینه می کنم تو باید برای من هزینه کنی، با آنکه به طور طبیعی و طبق تجارب فراوان، نیروی کار و تولید زن از مرد کمتر است و استهلاک ثروتش بیشتر، به علاوه بیماری ماهانه، ناراحتی ایام بارداری، سختی های وضع حمل و حضانت کودک، زن را در وضعیتی قرار می دهد که به حمایت مرد و تعهدات کمتر و حقوق بیشتر نیازمند است.

اصل قراردادن مبارزه با مردسالاری و تأکید بر استقلال زنان، عملاً به گسترش تضاد میان دو جنس انجامیده و بی توجهی به نهاد خانواده و دگرگونی مناسبات خانوادگی سبب افزایش طلاق، همسرآزاری خودکشی زنان، تک زیستی، کاهش شدید عواطف خانوادگی، مشکلات روحی و روانی در میان فرزندان و در

نتیجه بزهکاری و خشونت در کودکان و نوجوانان و... شده و بحران جدیدی به نام بحران خانواده را در غرب به ارمغان آورده است، شاهد گویای این مدعا آمار تکان دهنده ذیل است، آماري که انسان از بیان آن شرم دارد و لازم است از خوانندگان محترم از بابت آن عذرخواهی شود:

الف) «باربارا روبرت» در مقاله ای با نام «هیچ جا محیط امنی نیست» از کتاب «جنگ علیه زنان» می نویسد: «طبق برآورد جامعه شناسان متجاوز از ۱/۸ میلیون شوهر آمریکایی به طور وحشتناک، زنان خود را آزار می دهند». (۳۶)

ب) «آنتونی گیدنز» می گوید: «در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دوره زندگی شغلی خود به مدت طولانی به آزار جنسی دچار می شوند». (۳۷)

ج) در بعضی از جرایم معروف (۳۸) آمده است: «دادگاهی در فرانسه عناصر کلیدی گروهی در این کشور را که به کودکان و نوجوانان تجاوز می کردند محکوم کرد. این گروه که حدود ۶۵ نفر عضو داشت طی سال های ۹۲ تا ۲۰۰۰ به کودکان و خردسالان بین ۶ تا ۱۴ سال تجاوز کرده اند. دادستان های این پرونده اعلام کردند که شمار قربانیان در حدود ۴۵ کودک بودند که به وسیله والدین، پدربزرگ ها یا آشنایانشان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند».

د) در دهه ۱۹۰۰-۱۹۸۰ (یعنی دقیقاً در اولین دهه پس از تصویب کنوانسیون «رفع تبعیض علیه زنان») سالیانه حدود ۹۰ هزار فقره خانواده در کشور سوئد شکل گرفته ولی در مقابل در طول این دهه حدود ۸۵ هزار فقره طلاق به وقوع پیوسته است.

مطابق گزارش دیگری از مرکز آمار سوئد در سال ۱۹۸۷ (هشت سال پس از تصویب کنوانسیون مزبور) احتمال جدایی در ازدواج های رسمی بیش از سه برابر ازدواج های غیر رسمی است و ۵۰ درصد از بچه ها در خانواده هایی که ازدواج های غیر

رسمی دارند، متولد می شوند. (۳۹) هر (بر اساس آمار ارائه شده : در آمریکا در سال ۱۹۹۸ از هر سه عقد ازدواج که طی سال صورت گرفت، بیش از یکی به طلاق انجامید و بر اساس گزارش دیگری ۳۲ ازدواج ها در آمریکا در سال ۱۹۸۹ به طلاق انجامید.

و (بر اساس گزارشی دیگر در آمریکا از هر دو ازدواج یکی به طلاق می انجامد و در روسیه از هر سه ازدواج یکی سر از طلاق در می آورد و نیز یک چهارم کودکان برخی از کشورهای صنعتی در خانواده های تک والدینی بزرگ می شوند و در ایالات متحده آمریکا ۲۵ فرزندان زیر ۱۵ سال، دارای خانواده های تک والدینی هستند.

۲. دیگر از پیامدهای مصوبه مزبور، آزادی جنسی است که سبب شده :

اولاً: دختران و پسران به دنبال ازدواج نرفته و در نتیجه سن ازدواج افزایش و در مقابل سن آغاز روابط جنسی به شدت پایین آید. به بیان دیگر: مجامع بین المللی که به پایین بودن سن ازدواج در کشورهای اسلامی معترضند خود با طرح روابط آزاد جنسی، به دفع نیازهای جنسی دختران و پسران از راه نامشروع دامن زده اند و آن را مصداقی از آزادی انسانی می دانند و نامشروع نمی شمرد غافل از اینکه این برنامه و پیامد شوم آن یعنی پایین آمدن سن آغاز روابط جنسی از راه نامشروع، عدم امنیت جنسی حتی برای فرزندان در داخل خانواده را در پی دارد به گونه ای که طبق آمارهای ارائه شده در آمریکا در سال ۱۹۸۵ حدود صد هزار مورد تجاوز به کودکان توسط محارم گزارش شده است. (۴۰)

ثانیاً: حضور ابزاری زن و کالا شدن در سینماها و کلوب های شبانه و رونق یافتن تجارت سکس، تجارتي که پیچیده ترین و مدرن ترین نوع بردگی برای زنان به حساب می آید. امروزه برخی از کشورهای صنعتی از جمله آلمان به عنوان مرکز واردات و

فروش دختران کم سن و سال که بیشتر آنان دختران آسیایی اند به حساب می آیند و برخی از کشورهای در حال توسعه، بخش مهمی از اقتصاد خود را بر تجارت بین المللی سکس استوار کرده اند به گونه ای که سالانه میلیون ها جهانگرد هم جنس گرا و دگر جنس خواه، از کشورهای مختلف جهان را به خود جذب می کنند و آمارهای رسمی از وجود یک میلیون زن روسپی و آمارهای غیر رسمی از چند برابر این میزان در یکی از کشورهای شرق آسیا حکایت می کند.

حدود ۳۰۰ هزار دختر کمتر از ۱۸ سال در ایالت متحده آمریکا به فساد کشانده شده اند، و معضل سوء استفاده جنسی از کودکان و مشکل مجلات فاسد از بزرگترین مشکلات روز آمریکا، اروپا و روسیه است. (۴۱)

در سال ۱۹۹۸ آلمان از راه تجارت فحشا ۴۰۰ میلیون دلار درآمد داشت که بعد از آمریکا با درآمدی معادل ۷/۴ میلیارد دلار از راه این تجارت، در رده دوم جهان قرار می گیرد. (۴۲)

در سال ۲۰۰۱، صد و بیست هزار دختر و زن از اروپای شرقی برای بردگی جنسی به غرب قاچاق شده اند. (۴۳)

کیهان ۱۱ مرداد سال ۱۳۸۴، ص ۱۵ منتشر کرده است: «سالانه به طور معمول حدود دو میلیون دختر ۵ تا ۱۵ سال در بازارهای جهانی قاچاق انسان، معامله و مجبور به فساد و فحشا می شوند. طی سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ بیش از ۲۰۰ هزار زن بنگلادشی مورد داد و ستد قرار گرفته و بین ۵ تا ۷ هزار زن و دختر نپالی به صورت غیر قانونی به هند قاچاق شده اند».

ثالثاً: آمار سقط جنین بالا رفته است زیرا از یک طرف؛ ارتباط آزاد جنسی سبب شده که زنان به راحتی روابط نامشروع برقرار کرده و هیچ محدودیتی را در روابط جنسی احساس نکنند و به راحتی فرزندان خود را سقط کنند.

و از طرف دیگر سازمان ملل و کمیته اجرایی سیدا (CEDAW) ماده ۱۲/۱ از کنوانسیون رفع تبعیض (که تأکید می کند: زنان حق دستیابی به سرویس های بهداشتی و از جمله، آن دسته از سرویس ها که مربوط به تنظیم خانواده است را دارند) را به گونه ای تفسیر کرده اند که شامل روش های جلوگیری از بارداری، داروهای القای جنین می شود و این نکته ای است که تذکرات و اعتراضات کمیته سیدا به کشورهای مختلفی که سیدا را امضا کرده اند آن را تأیید می کند مثلاً در سال ۱۹۹۹ به دولت شیلی گزارش داده که دغدغه کمیته، به خصوص درباره قوانینی است که سقط جنین اختیاری را ممنوع و مشمول مجازات کرده اند و یا در سال ۱۹۹۸ به کرواسی تذکر داده که چرا در بعضی از بیمارستان ها، بیماران سقط جنین را نمی پذیرند و از این مسأله به عنوان خلاف حق زنان یاد می شود که برای سقط جنین دکتر، بیمارستان و امکانات کافی در اختیار نداشته باشند و در سال ۱۹۹۹ به کلمبیا گزارش داده که سقط جنین را قانونی اعلام کنید در غیر این صورت مادّه ۱۲ کنوانسیون را نقض می کنید.(۴۴)

بر اساس آمار جمع آوری شده از کشورهای غربی و آمریکا بیشتر زنانی که سقط القایی انجام می دهند بسیار جوان هستند؛ ۵۵ درصد زیر ۲۵ سال و ۳۱ درصد نوجوان محسوب می شوند یعنی زیر ۱۹ سال که مطابق تعریف کنوانسیون حقوق کودک، در رده سنی کودکان گنجانده می شوند. در آمریکا ۸۸ درصد از سقط های القایی در فاصله ۶-۱۲ هفتگی جنین رخ می دهد که هم قلب جنین می تپد و هم مغز او امواج الکتریکی صادر می کند. ۴۳ درصد از زنان، دست کم یک سقط را در طول زندگی خود تجربه می کنند. فقط در آمریکا سالانه یک میلیون و سیصد و هفتاد هزار سقط انجام می شود.(۴۵)

این در حالی است که آمار دقیق و واقعی نشان از عوارض فراوان سقط جنین بر روی

مادران (که غالباً یگانه دلیل طرفداران سقط جنین هواداری از حق آنان و در واقع فدا کردن جنین برای سلامتی آنان است) و فرزندان بعدی آنها دارد:

در تحقیقی بین ۱۱۰۵۷ زن حامله که ۷۵۲ نفر آن در حاملگی قبل، سقط القا شده داشته اند نشان داده شد که زنان مبتلا به سقط قبلی، استعداد بیشتری برای خون ریزی سه ماه اول حاملگی بعد دارند و کمتر قادر به زایمان طبیعی بوده و به نظارت دقیق تر پزشک نیاز دارند. کمبود وزن هنگام تولد در فرزندان آنان حدود ۳-۴ برابر افزایش یافته است؛ همچنین مرگ و میر دوران نوزادی و افزایش نقایص جنین در آنها دیده شده است.

دکتر «بوهمیل سینپال» وزیر بهداشت چکواسلوواکی اعلام داشت که به طور تخمینی ۲۵ درصد از زنان که اولین حاملگی خود را با سقط القایی پایان می دهند برای همیشه بدون فرزند خواهند شد.

تحقیقات درباره زنانی که ۱۰-۱۵ سال قبل در معرض سقط القایی قرار گرفته بودند و در طی این سال ها به طور دقیق تحت پیگیری پزشکی قرار داشته اند نشان می دهد که فقط نیمی از آنها حاملگی خود را بدون هیچ عارضه ای سپری کردند از نیمه باقی مانده که حامله شده بودند نیمی زودتر از موعد، نوزاد را به دنیا آورده و ده درصد به سقط خود به خودی دچار شدند، بیست درصد نیز نوزاد نارس داشتند. در آمریکا شانس حاملگی خارج رحمی تا ۶۰۰ درصد پس از تصویب قانون سقط القایی افزایش یافت. زنانی که از حاملگی اول خود سقط القایی داشته اند پانصد درصد شانس حاملگی های خارج رحمی در حاملگی های بعدی در آنان افزایش می یابد.

همه آنچه گذشت غیر از تأثیر روان شناختی فوری و شدیدی است که از دست دادن جنین، روی مادر و حتی پدر دارد.(۴۶)

رابعاً: ازدواج های زودرس و در نتیجه مادر شدن زودرس و فقر و خودفروشی یکی از پیامدهای مصوّبه تساوی زن و مرد، آموزش های مختلط وعدم توجّه به ویژگی های زیستی و روانی متفاوتی است که در دو جنس زن و مرد وجود دارد غافل از اینکه اختلاط های اجباری بین دختران و پسران جوان به ویژه در مدارس متوسطه، آنها را به ازدواج های زودرس می کشاند. در این زمینه نشریه آمریکایی «ریدرز دایجست» در سپتامبر ۱۹۹۶ گزارشی را درباره دختران جوان که عموماً در مدارس مختلط درس خوانده و ناخواسته مادر شده اند و در کنار فرزندان خود زندگی دشواری را سپری می کنند، می نویسد:

«هر ساله ۳۵۰ هزار دختر نوجوان آمریکایی در سنین ۱۵-۱۹ سالگی در دوره دبیرستان فرزندان غیر قانونی خود را به دنیا می آورند که این آمار در دهه های اخیر در حال افزایش است. این دختران که با رؤیاهایی مانند ازدواج با دوستان پسر خود و اتمام تحصیلات و شروع یک زندگی ایده آل، به این گونه ارتباطات روی آورده اند بسیار زود، پرده های سراب گونه این اوهام از پیش رویشان کنار رفته و واقعیت زندگی، چهره خود را می نمایاند».(۴۷)

کاپلان (۱۹۹۳) معتقد است که «مادران ۱۵-۱۹ ساله آمریکایی که در کنار فرزندان نامشروع خود زندگی می کنند دچار فقر شدید اقتصادی هستند و به فساد و خودفروشی گرایش می یابند زیرا به طور معمول این گونه مادران، تحصیلات و تخصص لازم برای ورود به مشاغل درآمد زا را ندارند».(۴۸)

خامساً: آثار مخرب روانی و اختلالات عاطفی شدیدی که بر اثر محرومیت از مادر در کودکان بجای می ماند. اصرار زن غربی بر امر اشتغال و ورود در اجتماع بر اساس تساوی زن و مرد و پافشاری عجیبی که کمیته نظارتی سیدا در این رابطه دارد (مثل اینکه در سال ۲۰۰۰ از ازبکستان خواست که در قوانین مدنی خود، نقش دارالفکر، بیروت.

۱۳. المستدرک علی الصحیحین، أبو عبدالله حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ق.

۱۴. المیزان، طباطبایی، سید محمد حسین، مؤسسه نشر اسلامی، قم

پی نوشت:

(۱). قرآن کریم، سوره یونس، آیه ۳۵.

(۲). در پایان این مقاله به بعضی از قوانین بسیار زشت بشری با ارائه آمارهای رسمی در رابطه با آثار و عواقب زیانبار آن اشاره شده است.

(۳). قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۵۳.

(۴). قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۸۶.

(۵). قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۰۳.

(۶). قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۱۱.

(۷). فطرت در اصل به معنای شکافتن چیزی از طرف طول است و سپس به هر گونه شکافتن نیز اطلاق شده است و از آنجا که آفرینش و خلقت به منزله شکافتن پرده عدم است یکی از معانی مهم این واژه، آفرینش و خلقت است (مفردات اصفهانی، راغب، لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، ذیل واژه «فطر») البتّه واژه فطرت گاه در کنار دو واژه طبیعت و غریزه قرار می گیرد ولی با آنها متفاوت است؛ «طبیعت» به معنای ویژگی های ذاتی موجودات است و مشترک بین موجودات زنده و بی جان است ولی «غریزه» اختصاص به جانداران دارد گرچه مشترک بین انسان و حیوان است و به معنای انگیزه ها و کنش های غیر آگاهانه ای است که بدون دخالت اراده، تأثیر خود را می گذارد در حالی که «فطرت» اختصاص به انسان و جنبه خودآگاهی دارد.

(۸). قرآن کریم، سوره روم، آیه ۳۰.

(۹). المیزان، همان، ج ۲، ص ۲۳۲.

(۱۰). قرآن کریم، سوره سبأ، آیه ۲۸.

(۱۱). قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۳.

(۱۲). قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۸۹.

(۱۳). المستدرک علی الصحیحین، أبو عبدالله حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ج ۲، ص ۴؛ این حدیث در کنز العمال، متقی هندی ج ۴، ص ۲۴، ح ۹۳۱۷ نیز آمده است.

(۱۴). کافی، کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ج ۱، ص ۵۹، ح ۴.

(۱۵). همان، ص ۶۲، ح ۱۰.

(۱۶). کیهان فرهنگی سال اول، شماره ۶، ص ۱۵.

(۱۷). نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، حکمت ۲۵۲.

(۱۸). کافی، همان، ج ۳، ص ۲۶۵، ح ۶.

(۱۹). قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

(۲۰). اشاره به کسی است که در یک معامله قطعی پشیمان شده و از نظر حقوقی راهی برای فسخ ندارد، دستور دینی آن است که طرف مقابل حتی الامکان به فسخ معامله راضی شود.

(۲۱). اشاره به این است که کسی وارد معامله ای شده و گفتگو کرده اما قطعی نشده، دیگری وارد شود و با مبلغی بیشتر، مشتری آن باشد، چنین کاری در اسلام مورد نکوهش قرار گرفته است.

(۲۲). اشاره است به اینکه عده ای متاعی را به سوی بازاری حمل کنند که قیمت آن کالا در آن بازار بالا باشد، ولی افراد سودجو پیش از رسیدن آنها به بازار به استقبالشان بروند و با قیمت پایین تری اجناس را از چنگ آنها درآورند، از چنین کاری در اسلام منع شده است.

(۲۳). حقوق در اسلام، مجیدی خدوری و هربرت لیبسنی، ترجمه: زین العابدین، ص جیم، مقدمه.

(۲۴). قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۷۸.

(۲۵). قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۴۵.

(۲۶). قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۳۷.

(۲۷). صحیح بخاری، نیشابوری، مسلم بن الحجاج، ج دارالفکر، بیروت.

بار دیگر از خوانندگان عزیز به خاطر بیان بعضی از آمارهای صریح مربوط به مفاسد جنسی و امثال آنکه به نحوی با موادّ کنوانسیون حقوق زن و سایر آزادی های غربی ارتباط دارد عذرخواهی می کنیم؛ چه می توان کرد! گاه انسان ناچار می شود برای بیان یک سلسله حقایق تلخ به سراغ این گونه آمار برود.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح.
۳. بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق، چاپ دوم.
۴. حقوق در اسلام، مجیدی خدوری و هربرت لیبسنی، ترجمه: زین العابدین، انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۶ش.
۵. در غرب چه می گذرد، دبیر سیاقی، سید منوچهر، انتشارات بحرالعلوم، قزوین، ۱۳۷۵ش، چاپ اول.
۶. صحیح بخاری، أبو عبدالله بخاری جعفری، محمد بن اسماعیل، دارالفکر، لبنان، ۱۴۰۱.
۷. صحیح مسلم، نیشابوری، مسلم بن الحجاج، دارالفکر، بیروت.
۸. فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۹ و ۳۱.
۹. الکافی، کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش، چاپ چهارم.
۱۰. کنز العمال، المتقی الهندی، مؤسسه الرساله، بیروت.
۱۱. کیهان فرهنگی، روزنامه، سال اول، شماره ۶.
۱۲. المجموع فی شرح المهذب، محبی الدین بن نبوی، دارالفکر، بیروت.

۱. ۲۱۵ و بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج ۷۲، ص ۳۸.
- (۲۸). قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۹۶.
- (۲۹). قرآن کریم، سوره نوح، آیه ۱۰ - ۱۲.
- (۳۰). قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۳۳.
- (۳۱). کافی، همان، ج ۷، ص ۱۸۴ و ۱۸۵، باب صفه الرجیم و باب آخر منه؛ همچنین رجوع شود به المجموع فی شرح المهذب نووی، محبی الدین، ج ۲۰، ص ۴۷ و ۴۸؛ همچنین صحیح مسلم، أبو عبدالله بخاری جعفری، محمد بن اسماعیل، ج ۵، ص ۱۱۷ و ۱۱۹ کتاب الحدود، باب من اعترف علی نفسه بالزنا.
- (۳۲). این حدیث از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است. (رک: من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی، ج ۳، ص ۱۵۶، ح ۳۵۶۸).
- (۳۳). نهج البلاغه، همان، حکمت ۳۹۰.
- (۳۴). فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۹، ص ۲۱۴، به نقل از منابع معتبر غربی.
- (۳۵). همان، ص ۲۶، به نقل از کتاب «زن بودن».
- (۳۶). فصلنامه کتاب نقد، شماره ۳۱، ص ۱۳۹.
- (۳۷). همان، ص ۱۴۰.
- (۳۸). روزنامه کیهان، ۱۱ مرداد سال ۱۳۸۴، ص ۱۵.
- (۳۹). در غرب چه می گذرد، دبیر سیاقی، سید منوچهر، ص ۱۳.
- (۴۰). فصلنامه کتاب نقد، شماره ۱۷، ص ۱۱۲.
- (۴۱). همان، شماره ۱۲، ص ۷۲.
- (۴۲). فصلنامه کتاب نقد، شماره ۳۱، ص ۹۹.
- (۴۳). همان، ص ۶۴.
- (۴۴). همان، ص ۶۶.
- (۴۵). همان، ص ۶۱.
- (۴۶). فصلنامه کتاب نقد، شماره ۳۱، ص ۵۵ - ۵۹.
- (۴۷). فصلنامه کتاب نقد، شماره ۳۱، ص ۸۴، به نقل از واژه نامه زنان؛ مجله زنان و تازه های اندیشه، ۱۳۸۰، شماره ۳، ص ۴۰.
- (۴۸). همان.
- (۴۹). همان، ص ۸۱-۸۳.

سیری در کتاب «اسلام در یک نگاه»

اثر ارزشمند حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)

را بعنوان یک مکتب بزرگ و خلاق انسانی بشناسند و بیش از پیش به آن عشق بورزند.

معرفی اجمالی کتاب «اسلام در یک نگاه»

مؤلف در کتاب «اسلام در یک نگاه»؛ به صورت مختصر، عقاید اسلامی از توحید تا معاد را بیان کرده است؛ همچنین برخی از مهم‌ترین قوانین عبادی و عملی مانند نماز، روزه، خمس، حج، قرض الحسنه و... را تبیین کرده است.

در حقیقت این کتاب عصاره‌ای است از کتاب‌های متعددی که توسط مؤلف دانشمند اثر در رشته‌های عقاید و فقه اسلام نوشته شده است؛ کتابهایی از قبیل «آفریدگار جهان» (بحث‌های مربوط به اثبات وجود خدا)، «خدا را چگونه بشناسیم» (بحث‌های

مربوط به صفات خدا)، «رهبران بزرگ و مسئولیت‌های بزرگتر» (بحث‌های مربوط به نتایج و آثار مذهب و شرایط و رسالت پیامبران (نبوت عامه))، «قرآن و آخرین پیامبر» (دلایل نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (نبوت خاصه))، «آیین ما» (معرفی مذهب شیعه) و «فیلسوف‌نماها» (نقد عقاید مادی‌ها و ماتریالیست‌ها).

لذا معظم لسه در فرازی از کتاب اینگونه می نویسد: بحث‌هایی که در کتب مشروح اسلام در طی فصول متعددی مطرح شده، گاهی در این کتاب طی چند فراز یا چند خط آورده‌ایم ولی با این حال سعی شده روح علمی بحث در قالب عبارات حساب شده روشنی حفظ گردد.

ساختار کلی کتاب

«اسلام در یک نگاه» از مقدمه نویسنده و متن اصلی، شامل ۳ بخش، تشکیل شده است که بخش‌های سه‌گانه آن عبارتند از: ۱. دین ۲. اصول اصلی اسلام ۳. دستورات و مقررات اسلام.

همچنین بخش اول کتاب دارای فصول چهارگانه‌ای است که عبارت است از: ۱. نقش دین در زندگی انسانها ۲. ریشه‌های

همچنین در فراز دیگر از کتاب می‌خوانیم: دین با هرگونه اختلافی که بر اساس اختلاف رنگ‌ها، نژادها و طبقات اجتماعی باشد مبارزه می‌کند؛ چه، اینکه مذهب همه انسان‌ها را بندگان خدا و همه جا را کشور خدا و همه را به طور یکسان مشمول لطف و محبت او می‌داند و همه را یک واحد معرفی می‌کند.

تعلیمات اسلام با صراحت می‌گوید تنها امتیازی که می‌تواند انسانی بر انسان دیگر داشته باشد امتیازی است که نه بر پایه خون و نژاد و زبان و طبقات باشد، بلکه امتیازی است که از درون ذات و روح و فکر انسان می‌جوشد؛ امتیازی است که از تقوا و پرهیزکاری، پاکی و درستی و دیگر صفات عالی انسان و درون ذاتی سرچشمه می‌گیرد؛ «ای مردم ما شما را از یک پدر و مادر آفریدیم (بنابراین خون و نژاد همه یکی است) و شما را به گروه‌ها و قبیله‌ها تقسیم کردیم تا یکدیگر را (با این تفاوت‌های جسمی) بشناسید (ولی اینها ملاک افتخار شما نیست) گرمی‌ترین شما آن کس است که پرهیزکارترین باشد» [۱]

و به این ترتیب نقش مذهب در جهانی که هنوز مسئله «رنگ و پوست» بدن تا چه رسد به مسئله طبقات در آن حل نشده کاملاً روشن می‌گردد.

دانشمندان جهان از خدا می‌گویند؟

از جمله رویکردهای مهم مؤلف در کتاب «اسلام در یک نگاه» نگاه استدلالی به مباحث اعتقادی از جمله در اثبات وجود خدا است.

حال در فرازی از کتاب می‌خوانیم: با توجه به استدلال‌های علمی گذشته، برای اثبات وجود خدا ممکن است این پرسش پیش آید که چرا بسیاری از دانشمندان و بنیان‌گذاران علوم طبیعی، راه انکار را پیموده‌اند؟ پاسخ این پرسش چندان مشکل نیست؛ چراکه کمتر دانشمندی را می‌توان یافت که در اعماق سخنان خود، به وجود یک عقل کل و یک مبدأ علم و قدرت معتقد نباشد، اگرچه در نام‌گذاری و تعبیر از آن، الفاظی غیر از «خدا» و «الله» را به کار برد.

به گفته «فلیسین شاله»، فیلسوف معروف: «هیچ‌بی‌خدایی وجود ندارد؛ هر کس به طرز بی‌اومی‌اندیشد و هر کس به گونه‌ای او را درک می‌کند». کسی که به هنگام بحث درباره ساختمان قلب می‌گوید «طبیعت، برای این

منظور در میان بدن‌ها، و دهلیزهای قلب، دریچه‌های قرار داده تا خون از بدن‌ها به دهلیزها بازنگردد و جریان آن به هم نخورد» و به این ترتیب برای طبیعت «هدف، قصد، برنامه و عقل» قائل می‌شود، آیا می‌توان گفت منظور از کلمه «طبیعت» عوامل فاقد شعور و ارزش است؟! یا باید گفت منظور او «خدا» است، اگر چه کلمه طبیعت را به جای آن به کار برده است. نظیر این تعبیرات را - که همه گواه بر ایمان به وجود یک عقل کل است در کلمات غالب دانشمندان مادی می‌یابیم که برای طبیعت، هدف، برنامه، اراده و قصد را قائل شده‌اند و اینها همه گواه بر این است که منظورشان از کلمه «طبیعت»، عوامل فاقد شعور و قصد نیست، بلکه آنها در واقع نام طبیعت را بر «خدا» نهاده‌اند.

تحریف‌ناپذیری قرآن

قرآن کتابی است دست‌نخورده؛ زیرا نظام و ترکیب‌بندی خاص آن به گونه‌ای است که نمی‌توان چیزی بر آن افزود و یا از آن کم کرد و اگر کسی چنین کند، بسیار زود شناخته خواهد شد. علاوه بر این جمع‌کثیری از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از همان آغاز نزول قرآن، تمامی آیات آن را می‌نوشتند، تا از دستبرد و تحریف مصون بماند. این عده که نامشان در تواریخ ثبت شده است به نام «کتاب وحی» یا «کاتبان وحی» معروفند و علی‌السلام یکی از معروف‌ترین آنان بود. از این گذشته به شهادت تاریخ، صدها نفر از مسلمانان در زمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله و هزاران نفر در قرون بعد آیات قرآن را حفظ کرده، در هر مناسبتی برای مردم می‌خواندند. این عده را «حافظان قرآن» می‌نامند.

سیر منطقی و استدلالی مسأله امر به معروف و نهی از منکر

از جمله فرازهای مهم کتاب می‌توان به ارائه سیر منطقی و استدلالی امر به معروف و نهی از منکر اشاره نمود.

در اسلام به همه افراد به‌عنوان یک وظیفه واجب دستور داده شده که دعوت به سوی حق و مبارزه با فساد کنند. این دو وظیفه که در فقه اسلام به نام «امر به معروف» و «نهی از منکر» معروف است، همه مسلمانان را ملزم می‌کند که بر وضع اجتماع خود

نظارت صحیح و دائمی داشته باشند و اگر کسی از راه حق و عدالت منحرف گردید، به راه راست دعوت کنند و اگر مرتکب خلاف، گناه یا تجاوزی شد، از آن کار بازدارند. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر به قدری است که از فروع مهم اسلامی شناخته شده و قرآن مجید درباره آن می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ [۲]؛ شما بهترین امتی بودید که به سود مردم در جهان قدم گذارید؛ چرا که شما امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید... اجرای این دو وظیفه مهم که در واقع از آثار و حقوق متقابل زندگی دسته‌جمعی است، به هر مسلمانی اجازه می‌دهد که... خود را در برابر همه افراد اجتماع مسئول دانسته و اجتماع هم خود را در برابر هر فرد مسئول ببیند، در موقع لزوم انتقاد کرده و به هنگام نیاز پیشنهاد دهند و خلاصه در ساختن اجتماع خود از هر نظر سهیم باشند؛ چرا که در زندگی دسته‌جمعی خوشبختی و بدبختی افراد اجتماع به هم پیوسته است و نمی‌توانند در برابر رفتار یکدیگر بی‌تفاوت بمانند.

مفهوم شناسی واژه «جهاد»

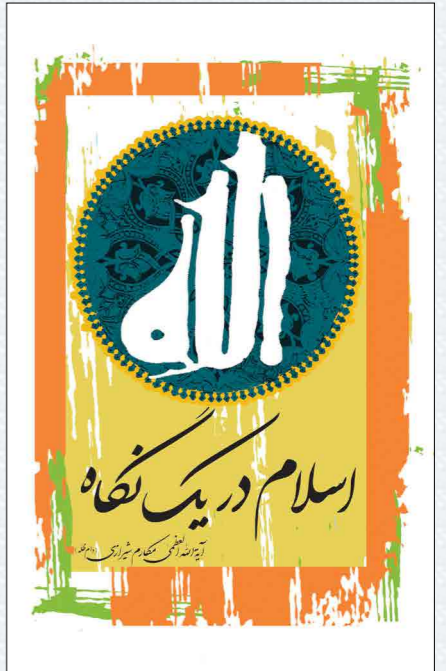
در منابع اسلامی غالباً کلمه «جهاد» همراه با کلمه «فی سبیل الله» آمده است که معنای آن، روی‌هم‌رفته «جهاد در راه خداست». به همین جهت، جهاد نمی‌تواند به خاطر هوا و هوس، توسعه‌طلبی، استعمار، به دست آوردن غنایم جنگی و مانند آن باشد، بلکه باید تنها برای خدا و اهداف الهی و خالص از هرگونه غرض شخصی و مادی و خودخواهی صورت گیرد. روی‌هم‌رفته می‌توان اهداف جهاد اسلامی را در چند موضوع خلاصه کرد و با توجه به این هدف‌ها پاسخ ایرادهای مخالفان داده خواهد شد: دفاع از آیین حق و موجودیت آن؛ درگیری با عوامل مزاحم؛ مبارزه با ظلم و فساد.

لازم به ذکر است این اثر نفیس در سال ۱۳۸۳، در یک جلد و در ۱۱۱ صفحه در قطع رقعی توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام منتشر شده که تا کنون نیز چندین مرتبه تجدید چاپ شده است.

پی‌نوشت:

[۱] سوره حجرات؛ آیه ۱۳.

[۲] سوره آل عمران؛ آیه ۱۱۰.



حقوق بشر در قرآن

پرسش: آیا در قرآن بحثی از حقوق بشر شده است؟

پاسخ اجمالی: قرآن در مسأله حفظ جان و مال و آبروی انسان ها تا آنجا پیشرفته که جان یک انسان را همچون جان تمامی افراد بشر می داند و درمسأله حقوق انسان ها، تا آنجا پیش می رود که اجرای اصل عدالت را در حقوق افراد یک جامعه بر همه چیز مقدم می دارد. و دستور به قیام برای اجرای عدالت می دهد. همچنین حمایت از ایتم و نظارت دقیق بر وضع آنها و سرپرستی از آنها و اموالشان را هم ردیف توحید قرار می دهد.

پاسخ تفصیلی: یک قانون عالی و ارزنده، قانونی است که در مساله حقوق بشر طرح جامع تر و دقیق تری ارائه کند، با توجه به این حقیقت هرگاه به آیات قرآن در این زمینه می نگریم، عظمت قوانینش آشکارتر می گردد.

قرآن در مساله حفظ جان و مال و آبروی انسان ها تا آنجا پیشرفته که جان یک انسان را همچون جان تمامی افراد بشر ارج می نهد و در این زمینه می گوید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته و هر کس انسانی را رهایی بخشد چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است). (۱)

شبهه این تعبیر را در هیچ قانون دیگری نخواهید یاف ت.

قرآن درمساله حقوق انسان ها، تا آنجا پیش می رود که اجرای اصل عدالت را در حقوق افراد یک جامعه بر همه چیز مقدم می دارد و هشدار می دهد که نکند

خصوصیت های شخصی یا روابط دوستانه مانع اجرای عدالت گردد.

در یک جا می گوید: «وَلَا يَجْرَمَنَّكُمْ شَنَّانٌ قَوْمٌ عَلَىٰ الْآءِ تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»؛ (مبادا دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه ترک عدالت بکشاند، عدالت پیشه کنید که به پرهیزگاری نزدیکتر است). (۲)

در نقطه مقابل آن نسبت به تاثیر بر اجرای عدالت چنین هشدار می دهد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا»؛ (ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره و همیشه قیام به عدالت کنید. برای خدا گواهی دهید، اگر چه به زیان شما، یا پدر و مادر و نزدیکانتان بوده باشد! [چرا که] اگر او [کسی که گواهی شما به زیان او است] غنی یا فقیر باشد، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند). (۳)

از تاکیدهای فراوانی که قرآن درباره حمایت از ایتم و نظارت دقیق بر وضع آنها و سرپرستی از آنها و اموالشان تا زمانی که بزرگ شوند نیز این مساله روشن تر می شود، در یک جا می فرماید: «أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ»؛ (درباره یتیمان قیام به عدالت کنید). (۴)

جالب این که در جای دیگر، حفظ و حمایت از یتیمان را هم ردیف توحید و مسائل دیگر انسانی قرار می دهد و می فرماید: «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»؛ (به خاطر بیاورید هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم [پیمانی که سر مشق امت های دیگر نیز هست] جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و نسبت به پدر و مادر و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و به مردم نیک بگویید، نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید). (۵)

به حقوق بشر را در کنار دو برنامه که از مهم ترین برنامه های اسلام در زمینه اعتقاد و عمل است - یعنی توحید و نماز - قرار داده است. (۶)

حقوق متقابل امام و امت

پرسش: حقوق متقابل امام و امت چیست؟

پاسخ اجمالی: حکومت، پیوندی است در میان امام و امت، همانند پیوند سر با بدن که بدون همکاری نزدیک و هماهنگی کامل، هرگز سامان نمی یابد. به همین دلیل سنگین ترین حقوق را امام بر امت و امت بر امام دارد. حق امام بر مردم این است که به سخنانش گوش فرا دهند و فرمانش را اطاعت کنند. و حق مردم بر امام اینست که: همه چیز را در میان آنها مساوی تقسیم کند و تبعیض در میان مردم قائل نشود و عدالت را در میان آنها رعایت کند.

پاسخ تفصیلی: حکومت پیوندی است در میان امام و امت، همانند پیوند سر با بدن که بدون همکاری نزدیک و هماهنگی کامل، هرگز سامان نمی یابد.

به تعبیر دیگر حاکمان الهی در عین این که نمایندگان خدا در میان امت ها هستند، نمایندگان مردم برای تامین مصالح آنها نیز می باشند و به همین دلیل سنگین ترین حقوق را امام بر امت و امت بر امام دارد.

در روایات بحث های گسترده ای در زمینه این حقوق متقابل دیده می شود که از دقت و اهتمام اسلام به این امر مهم خبر می دهد. مرحوم کلینی در جلد اول اصول کافی، بابی در همین زمینه دارد و در نخستین حدیث آن باب از ابوحمزه نقل می کند که از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم: «مَا حَقُّ الْأِمَامِ عَلَى النَّاسِ»؛ (حق امام بر مردم چیست؟)

فرمود: «حَقُّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَسْمَعُوا لَهُ وَ يُطِيعُوهُ»؛ (حق امام بر مردم این است که به سخنانش گوش فرادهند و فرمانش را

اطاعت کنند).

سپس می گوید: پرسیدم: «مَا حَقُّهُمْ عَلَيْهِ»؛ (حق مردم بر امام چیست؟)

فرمود: «يُقَسِّمُ بَيْنَهُم بِالسَّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي الرِّعَايَةِ»؛ (همه چیز را در میان آنها مساوی تقسیم کند (و تبعیض در میان مردم قائل نشود) و عدالت را در میان آنها رعایت کند).

بعید نیست که جمله نخست اشاره به مسائل اقتصادی باشد و دومی به مسائل اجتماعی و سیاسی نظر داشته باشد.

در پایان آن حدیث حضرت فرمود: «فَإِذَا كَانَ ذَالِكَ فِي النَّاسِ فَلْيُجَالِي مِنْ أَخَذِ هَاهُنَا وَ هَاهُنَا»؛ (هرگاه این امر در میان مردم حاکمباشد تفاوتی نمی کند که حقوقشان را از اینجا بگیرند یا از آنجا). (۷)

اشاره به این که به هر حال مردم به حق خود می رسند، خواه مصداق آن اینجا باشد یا جای دیگر.

مرحوم محقق مجلسی در مرآه العقول، در تفسیر این جمله نقل می کند که گفته شده: «منظور این است که وقتی حقی از دو طرف انجام گیرد هر کس هر کجا برود و هر کار کند، مشکلی برای او ایجاد نمی شود و یا هر کس هر مذهبی داشته باشد فرقی نمی کند». (۸)

زندگی امیرمومنان و تاریخ پرافتخار او سرمشق بسیار مهم و پرارزشی برای مساله حکومت اسلامی است. او در امر عدالت بحدی سخت گیر بود که تمام وجود خویش و موقعیت خود را فدای آن کرد.

ابن ابی الحدید در ذیل خطبه ۳۴ نهج البلاغه از یکی از مورخان، به نام فضیل بن جعد نقل می کند که مهم ترین عامل جدایی گروهی از عرب از امیرمومنان علی (علیه السلام) مسائل مالی بود، چرا که آن حضرت شرفا و شخصیت های معروف را بر دیگران برتری نمی داد و نژاد عرب را بر غیر عرب مقدم نمی شمرد

و با روسا و امرای قبایل سازش های پنهانی - آن گونه که معمول پادشاهان است - نداشت و هیچ کس را به سوی شخص خود فرا نمی خواند، در حالی که معاویه دقیقاً برخلاف او بود. به همین دلیل دنیاپرستان علی (علیه السلام) را رها کرده و به معاویه پیوستند.

او سپس اضافه می کند که علی (علیه السلام) از یاری نکردن اصحابش و فرار بعضی به سوی معاویه، با مالک اشتر سخن گفت و گله کرد.

مالک عرض کرد: «ای امیرمومنان! آن روز که ما با اهل بصره به کمک مردم

بصره و اهل کوفه پیکار کردیم، مردم متحد بودند، ولی امروز اختلاف پیدا کرده و اراده آنها ضعیف و نفرات آنها کم شده است و تو نیز می خواهی با عدالت با آنها رفتار کنی و حق را به حقدار برسانی و

اگر افراد عادی در برابر سرشناسان مظلوم واقع شدند، حق آنها را از ظالمان بگیرد و افراد صاحب نفوذ و شرفا در نظر تو با افراد عادی تفاوتی ندارند. فریاد گروهی از اصحابت از اجرای حق درباره آنها بلند شده و از عدالت تو اندوهگین گشته اند. از طرفی مشاهده می کنند که معاویه به ثروتمندان و صاحبان نفوذ چه خدمتی می کند! دلهای آنها متوجه دنیا شده و کمتر کسی پیدا می شود که اهل دنیا نباشد. اکثر آنها از حق کناره می گیرند

و خریدار باطل هستند و دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند، اگر اموال را در اختیار دنیاپرستان با نفوذ قرار دهی گردن ها به سوی تو کشیده می شود و خیرخواه تو می شوند و به تو عشق می ورزند...»

علی (علیه السلام) (در پاسخ اشتر) فرمود: اما این که گفتی که ما با عدالت رفتار می کنیم، این چیزی جز پیروی فرمان خدا نیست که می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَ مَا رَبِّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ»؛ (هر کس عمل صالحی را انجام دهد، سودش برای خود او است و هر کس بدی کند، به خویشتن بدی کرده

است، پروردگارت هرگز به بندگان ستم نمی کند). (۹)

و من از این که در آنچه گفتی (اجرای حق و عدالت) کوتاهی کرده باشم، بیشتر می ترسم (از آنچه مرا به سوی آن دعوت می کنی).

و اما این که گفتی حق بر آنها سنگین است و به همین جهت از ما جدا شده اند (عیبی بر ما نیست) خدا می داند که آنها به خاطر جور و ستم جدا نشدند و بعد از جدایی از ما به عدالت پناه نبردند، تنها به سراغ دنیای ناپایدار رفتند و روز قیامت از آنها سوال می شود.

و اما این که گفتی من بی حساب اموال بیت المال را بذل کنم، و به آن گروه از مردانی که اشاره کردی بخشش مخصوصی داشته باشم، این کار برای من ممکن نیست. من به هیچ کس بیش از حقش نمی توانم بدهم (و جدا شدن این گروه از ما لطمه ای به ما وارد نمی کند)؛ چرا که خداوند بحق می فرماید: «كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فَتَنَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۱۰)؛ (چه بسیار گروههای کوچکی که به فرمان خدایر گروههایی عظیم پیروز شدند و خداوند با صابران و (استقامت کنندگان) است). (۱۱)(۱۲)

«توزیع ثروت» در اسلام

پرسش: اسلام برای توزیع عادلانه ثروت در بین مردم چه راهکارهایی ارائه داده است؟

پاسخ اجمالی: توزیع ناعادلانه ثروت، بلای بزرگ و درد بی درمان دنیای معاصر است؛ اما اسلام در شیوه درمان خود، اقتصاد را با اخلاق پیوند می دهد و آن را در لایه های مختلف اقتصاد، یعنی تولید، توزیع و مصرف کالا حاکم می کند تا فاصله بین فقیر و غنی کم شده، و ثروت به طور عادلانه توزیع گردد. از جمله این دستورات تاکید بر روزی حلال و سود عادلانه، و تحریم ربا و رشوه است. در واقع اسلام با طرح بایدها و نبایدهای اخلاقی در حوزه اقتصاد، عملا چشمه

های تولید ثروت نامشروع را مسدود می کند.

پاسخ تفصیلی: متأسفانه توزیع ناعادلانه ثروت بلای بزرگ و درد بی درمان دنیای امروز است. آمار و ارقام حکایت از آن دارد که ۸۰٪ ثروت دنیا در اختیار ۲۰٪ مردم دنیا، و تنها ۲۰٪ ثروت دنیا در اختیار ۸۰٪ مردم دنیاست، و این فاصله روز به روز زیادتر می شود. یعنی گردن کلفت‌های دنیا، روز به روز گردن کلفت تر، و ضعیفان عالم روز به روز ضعیف تر می شوند، و اختلافات و درگیری‌ها و مشکلات و بدبختی‌های دنیای امروز نتیجه همین معضل است. دنیای امروز متأسفانه هیچ برنامه‌ای برای حل این معضل، و دستیابی به توزیع عادلانه ثروت ندارد و نمی تواند داشته باشد، چون تفکر مادی اجازه توزیع عادلانه ثروت را نمی دهد.

برنامه اسلام برای توزیع عادلانه ثروت

اسلام برای توزیع عادلانه ثروت نیز برنامه دارد. توضیح این که در اسلام سه نوع مالکیت وجود دارد:

۱. مالکیت خصوصی: هر انسانی می تواند تلاش و فعالیت کند و مالک نتیجه زحماتش شود؛ البته مالکیت شخصی، حدّ و حدود و ضوابطی دارد.

۲. مالکیت عمومی: اموالی است که مالک خاصی ندارد، بلکه عموم مردم مالک آن هستند؛ مانند اراضی خراجیه که در فقه ما بطور مفضل مطرح است.

۳. مالکیت حکومت اسلامی: که بخشی از آن انفال است که در کتب فقهی مفصل درباره آن بحث شده است.

حکومت اسلامی از املاک خود در مواقع لزوم بصورت عادلانه به افراد می دهد تا اگر مشکلی در جایی به وجود آمده حل گردد. اگر برنامه مالکیت های سه گانه به طور دقیق رعایت و عملی شود، معضل توزیع ناعادلانه ثروت حل می گردد.

راه حل اسلام:

همان طور که می دانیم، نمی توان نسخه این بیماری خطرناک را - که جسم و جان بشریت را آزار می دهد - در دنیای مادی جستجو کرد؛ چون تفکر مادی اجازه توزیع عادلانه ثروت را نمی دهد. اما اسلام داروی این درد جانکاه را همچون سایر آلام بشر ارائه کرده است و آن این است: مسائل اقتصادی باید با اصول اخلاقی آمیخته شود، و اقتصاد منهای اخلاق ممنوع گردد.

آری اگر اخلاق در لایه های مختلف اقتصاد حاکم شود، یعنی تولید کالا توزیع کالا و مصرف کالا همه آمیخته با اصول اخلاقی گردد، بی شک روز به روز فاصله زیاد بین فقیر و غنی کم می شود، و به طور طبیعی ثروت به طور عادلانه در میان همه مردم توزیع می گردد. به نمونه هایی از دستورات اسلام در این زمینه توجه فرمایید:

۱. تاکید بر روزی حلال:

حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) طبق روایت معروفی فرمودند: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا وَ أَفْضَلُهَا جُزْءٌ طَلَبُ الْحَلَالِ» (۱۳)؛ (عبادت و بندگی خدا هفتاد نوع است، برترین آن به دنبال رزق و روزی حلال رفتن است). آیا دنیای امروز به دنبال روزی حلال است؟ هرگز. اسلام می گوید: هر وسیله ای که برای جامعه بشری زیانبخش است، تولید و پخش و نگهداری و توزیع و خرید و فروش و مصرف و هر گونه فعالیت پیرامون آن حرام است. اما امروزه، مهم ترین و پردرآمدترین تجارتهای دنیای مادی، تجارت سلاحهای مرگبار است که اسلام تولید و خرید و فروش و نگهداری آن را تحریم کرده است. اگر دنیای امروز مطابق احکام اسلام، تجارت چنین سلاحهایی را ممنوع کند، جلوی بخش مهمی از انباشت نامشروع ثروت گرفته می شود.

دومین تجارت پرسود دنیای مادی، تجارت مواد مخدر است، که متأسفانه

بسیاری از سیاستمداران عصر ما آلوده آن هستند. خیال نکنید که به راحتی مقدار قابل ملاحظه ای از مواد مخدر در ظرف مدت کوتاهی از کشور تولید کننده، به کشورهای مصرف کننده حمل و در بین معاندان توزیع گردیده، و این کار تنها توسط قاچاقچیان صورت می پذیرد؛ بلکه چراغ سبز سیاستمداران پرنفوذ کشورهای مختلف کار را بر قاچاقچیان آسان کرده، و البته قاچاقچیان درصدی از سود خود را به آنها می پردازند تا شرمنده الطاف آنها نباشند!!

اسلام هر نوع فعالیت پیرامون مواد مخدر را تحریم کرده است. (۱۴) اگر دنیای امروز به این حکم عمل می کرد نه خبری از این همه معتاد در گوشه و کنار جهان بود، و نه درمانگاه‌ها و بیمارستانهای مختلف درگیر درمان آنها بودند، و نه روز به روز ثروت ثروتمندان دنیا، افزون تر می شد. آری از دیدگاه اسلام چیزی که نتیجه اش حرام باشد تمام مقدماتش حرام است و ثروتهای متراکم نزد عده ای خاص از ثروتمندان دنیا، محصول همین کارهای حراماست، که اگر با آن مبارزه شود بی شک فاصله فقیر و غنی کاسته می شود.

۲. تحریم ایجاد بازار سیاه:

عده ای خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدند، عرض کردند: یابن رسول الله! به منظور تجارت و فروش کالاهایمان کاروانی تشکیل داده و به همراه دوستان تاجر به سمت کشور مصر حرکت کردیم. قبل از ورود به مصر از مسافرانی که قصد خروج از آن کشور را داشتند در مورد موقعیت اقتصادی کالاهایی که برای فروش آورده بودیم تحقیق کردیم. متوجه شدیم که بازار آنجا سخت نیازمند کالاهای ماست. بدین جهت تمام تجار کاروان تفاهم کردند که کالاهایمان را به قیمت بالا فروخته، و به کمتر از فلان مقدار سود رضایت ندهیم، و به همین شکل عمل کردیم و سود سرشاری نصیب این زمینه وارد شده، و مفاسد گوناگون

ما شد. کار ما چه حکمی دارد؟

حضرت فرمود: مرتکب کار حرامی شده اید، (۱۵) مسلمان نباید بازار سیاه درست کند. هنگامی که مردم نیازمند کالای تو هستند نباید آن را به چندین برابر قیمت بفروشی! متأسفانه برخی از کشورهای اروپایی مقدار قابل ملاحظه ای از مواد غذایی خود را به دریا می ریزند تا قیمت‌هایشان نشکند! اسلام با تحریم این گونه فعالیتها، از انباشته شدن ثروتهای نامشروع حاصل از بازار سیاه جلوگیری می کند.

۳. تحریم رباخواری:

ربا مهمترین منبع درآمد بانکهای دنیای مادی است. رباخوار سود خالص می گیرد و با ضرر و زیان وام گیرنده کاری ندارد. وام گیرنده تحت هر شرایطی وام دریافتی و سود آن را باید بازگرداند، حتی اگر ضرر کرده باشد. بلکه گاه سود دو برابر و چند برابر و جرمه تاخیر هم به آن اضافه می شود. و اگر قادر بر پرداخت نباشد وثیقه اش را می فروشند و مطالباتشان را وصول می کنند. بدین جهت سرمایه رباخوار روز به روز زیادتر، و ثروت در نزد امثال او افزونتر، و وام گیرندگان روز به روز فقیرتر و بیچاره تر گردیده، و گاه به خاک سیاه می نشینند.

اسلام این فعالیت نامشروع را تحریم کرده است؛ چون رباخوار هیچ کار مثبتی انجام نمی دهد، و تحت هر شرایطی فقط به فکر افزایش دارایی و سرمایه خویش است. او حاضر است خون مردم را در شیشه کرده، همچون زالو آن را بمکد، اما ریالی از سودش را از دست ندهد. بانک جهانی با همین وامهای ربوی، که گاه برای یک دلار ده دلار پس می گیرد، ملت‌های مستضعف را بیچاره کرده است.

اسلام با تحریم رباخواری، جلوی یکی از عوامل مهم توزیع ناعادلانه ثروت را گرفته است. اگر مسلمانان، و حتی غیر مسلمانان، به روایات شدید اللحنی که در این زمینه وارد شده، و مفاسد گوناگون

و متعدّد این کار بسیار زشت را تبیین کرده، (۱۶) که دامنگیر فرد و جامعه می شود، و گاه به عسینانهای اجتماعی منتهی می گردد، تا آنجا که در حکم محاربه و اعلان جنگ با خداوند بیان شده، توجه کنند هرگز خویش را آلوده این گناه بزرگ نخواهد کرد.

۴. تحریم رشوه خواری:

رشوه خواری در قالبهای مختلف، نظیر پورسانت، هدیه، زیرمیزی، پول چای و مانند آن در معاملات مهم رواج دارد. محموله های بزرگ کشتی های نفتی، صنعتی، سلاح و مانند آن به سهولت به سامان نمی رسد، بلکه تا رشوه گیرها و دلالان رشوه نگیرند اجازه نقل و انتقال داده نمی شود، و این کار بسیار زشت یکی دیگر از عوامل تجمع ثروت و فاصله طبقاتی است. به همین خاطر است که اسلام رشوه گیر و رشوه دهنده را در آتش دوزخ می داند؛ «الرّاشی وَ الْمُرْتَشی فِی النَّارِ». (۱۷)

۵. غش و تقلّب در معامله:

در دنیای امروز بسیاریند کارخانه هایی که اجناس تولیدی خود را با مارک کشورهای دیگر به فروش می رسانند. این کار غش و تقلّب در معامله محسوب می شود، و لذا اسلام آن را تحریم کرده است؛ «إِنَّ الْغِشَّ لَا يَحِلُّ». (۱۸)

۶. ماهواره ها و سایت های فاسد:

امروزه به وسیله ماهواره ها و سایت های فاسد و مفسد و اخیراً تلفن های همراه، فساد فراگیر شده، و به تعبیر آن روایت، ظلم و جور دنیا را فرا گرفته است؛ «كَمَا مُلِئَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا». (۱۹)

آماری که اخیراً برخی از مسوولین مطلع منتشر کرده اند حاکی از آن است که هفده هزار کانال تلویزیونی به وسیله ماهواره ها در اختیار خانواده های ایرانی قرار می گیرد، که از این رقم تعداد انگشت شماری اختصاص به مسائلی علمی و خبری داشته، و بقیه عموماً

حاوی برنامه های فاسدی است که توصیف آن شرم آور است، تا چه رسد به پخش و تماشای آن! برنامه های زشتی که منتهی به متلاشی ساختن خانواده ها، تعلیم دزدی، سرقت، فحشا، خودفروشی، همجنس بازی و مانند آن شده، و فساد را به بینندگان خویش منتقل می سازد.

این ماهواره ها و سایت های فاسد، برای درآمد بیشتر دنیا را به فساد کشیده اند. عجیب این که وقتی فتوا به تحریم این گونه ابزار فسادانگیز و مولّد گناه داده می شود، بعضی انسان های ناآگاه آن را خلاف آزادی می شمارند. آیا وسیله ای که ناموس مردم و جوانان آنان را فاسد می کند، چیز مناسبی است؟

آیا مردم چنین آزادی را که ثمره آن فساد و انحراف جوانانشان باشد، می پذیرند؟ ای کسانی که آشکارا یا مخفیانه آنتن ماهواره را بر پشت بامتان نصب کرده اید! هنگامی که به خواب می روید و دختر و پسر شما نیمه های شب پای برنامه های آلوده آن می نشینند و شهوتشان تحریک می شود اگر متعرض همدیگر شوند، این رسوایی را به کجا خواهید برد؟! نمونه هایی از این گونه ارتباطات زشت را در نامه های استفتا برای ما نوشته بودند که حتی برادر و خواهر، و بلکه پدر و دختر صاحب فرزندی نامشروع شده بودند!! لذا به پدران و مادران توصیه می شود که با دست خود ابزار و وسایل بدبختی و آبروریزی خویش را فراهم نسازند، بلکه بیش از پیش مواظب فرزندان خود باشند، که آنها امانت های الهی هستند.

۷. ثروت اندوزی ممنوع:

خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره توبه در مورد ثروت اندوزان چنین می فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ (و کسانی که طلا و نقره را گنجینه او ذخیره و پنهان می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده!). آری روز قیامت درهم و

دینارها در آتش جهنم گذاشته شده، و بر پیشانی و پشت و پهلو ثروت اندوزان نهاده می شود.

سوال: منظور از ثروت اندوزی چیست؟

جواب: مفسران در این زمینه احتمالات متعددی داده اند، (۲۰) که به دو نمونه آن اشاره می کنیم:

۱. منظور نپرداختن زکات و سایر وجوه شرعیّه است؛ بنابراین کسی که زکات و سایر وجوهات شرعیّه اش را می پردازد هر چقدر پول جمع کند ثروت اندوزی نکرده است.

۲. پرداخت زکات و دیگر وجوهات واجبه کفایت نمی کند، زیرا اگر جامعه فقیر و نیازمند شد و زکات و دیگر وجوهات شرعیّه جوابگوی نیازهای جامعه نباشد، حکومت اسلامی می تواند حدّ معینی برای ثروت افراد تعیین کند، که اضافه بر آن ثروت اندوزی است و باید تعدیل گردد. اگر ثروت خود را در جهت تولید، تاسیس مراکز خیریه، توانبخشی، و مانند آن به کار گیرد اشکالی ندارد، ولی نباید آن را از چرخه اقتصاد خارج، و صرفاً ذخیره کند. (۲۱)

۸. سود عادلانه:

امام صادق (علیه السلام) به غلامش فرمود: مخارج و هزینه های ما زیاد شده است، این کیسه پول حاوی ۱۰۰۰ دینار را بگیر و با آن معامله ای کن تا سود آن را صرف مخارج و هزینه ها کنیم. غلام پول را گرفت و مال التجاره ای تهیّه نمود، و همراه کاروانی به مصر رفت و با سود کلانی بازگشت. دو کیسه ۱۰۰۰ دیناری تقدیم امام نمود، و عرض کرد: هزار دینار اصل سرمایه، و هزار دینار دیگر سود آن است. امام با تعجب و عصبانیت فرمود: از مردم ۱۰۰٪ سود گرفته ای! سپس اصل سرمایه را برداشت، و سود را بازگرداند. (۲۲)

آری، اسلام سفارش می کند که سود هم باید عادلانه باشد. در حالی که در جهان

کنونی گاه کالایی برای مادی پرستان یکصد دلار تمام می شود، ولی آن را به ده برابر و گاه پنجاه برابر قیمت می فروشند، و این سود ناعادلانه یکی دیگر از عوامل فاصله طبقاتی است.

نتیجه این که اسلام با آمیختن اخلاق و اقتصاد، و طرح بایدها و نبایدهای اخلاقی در حوزه اقتصاد، عملاً چشمه های تولید ثروت های نامشروع - که باعث توزیع ناعادلانه ثروت می گردد - را مسدود نموده، تا ثروت به طور عادلانه در بین تمام اقشار جامعه توزیع گردد. (۲۳)

پی نوشت:

- (۱). سوره مائده، آیه ۳۲.
- (۲). سوره مائده، آیه ۸.
- (۳). سوره نساء، آیه ۱۳۵.
- (۴). سوره نساء، آیه ۱۲۷.
- (۵). سوره بقره، آیه ۸۳.
- (۶). گردآوری از کتاب: پیام قرآن، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ هـ.ش، ج ۸، ص ۲۵۷.
- (۷). اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۴۰۵.
- (۸). مرآة العقول، جلد ۴، صفحه ۳۳۵.
- (۹). سوره فصلت، آیه ۴۶.
- (۱۰). سوره بقره، آیه ۲۴۹.
- (۱۱). شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۲، صفحه ۱۹۷ - ۱۹۸.
- (۱۲). گرد آوری از کتاب: پیام امام امیر المومنین علیه السلام، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۵ هـ. ش، ج ۲، ص ۳۴۹.
- (۱۳). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابویه، محمد بن علی، دار الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۶ قمری، چاپ دوم، ص ۱۸۰.
- (۱۴). توجه شما خوانندگان محترم را به یک نمونه از استفتائاتی که در این زمینه از محضر مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) شده، جلب می کنم: سؤال: نظر حضرت تعالی در مورد مصرف مواد مخدر و مقدمات آن، از قبیل کشت، تولید، نگهداری، مخفی کردن، حمل و نقل، توزیع و خرید و فروش آن چیست؟ جواب: بدون شک استعمال مواد مخدر یکی از گناهان کبیره است، که ادله مختلف شرعیّه بر حرمت قطعی آن دلالت دارد و بر همه مسلمانان واجب است که از این مواد پلید پرهیز و اجتناب کنند و فرزندان و بستگان و آشنایان خود را شدیداً از آن برحذر دارند و هر کس هر گونه کمکی به کشت، تهیّه، حمل و نقل و پخش این مواد کند مشمول مجازات الهی خواهد بود و هر گونه درآمدی از آن حاصل شود حرام و نامشروع است. همه مسلمین باید بدانند یکی از نقشه های خطرناک دشمنان برای نابود کردن ایمان و توان جوانان، توسعه همین مواد مخدر می باشد؛ بنابراین بر حکومت های اسلامی و عموم مردم فرداً واجب است که با آن مبارزه کنند و ان شاء الله روزی بیاید که مواد مخدر از سرزمین کشورهای اسلامی ریشه کن گردد. (استفتاءات جدید، مکارم شیرازی، ناصر، تهیّه و تنظیم: علیان نژادی، ابوالقاسم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، ۱۴۲۷ قمری، چاپ دوم، ج ۲، ص ۲۴۲).

احکام شرعی

(۱۵). الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ قمری، چاپ چهارم، ج ۵، ص ۱۶۱، باب (الحلف فی الشراء و البیع). (۱۶). شرح این مطلب را در کتاب ربا و بانکداری اسلامی، مکارم شیرازی، ناصر، تهیّه و تنظیم: علیان نژادی، ابوالقاسم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، ۱۳۸۰ شمسی، چاپ اول، ص ۹ مطالعه فرمایید.

(۱۷). کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، المتقی الهندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، محقق: بکری حیاتی، صفوة السقا، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۱ قمری / ۱۹۸۱ میلادی، چاپ پنجم، ج ۶، ص ۱۷۸.

(۱۸). الکافی، همان، ج ۵، ص ۱۶۱، باب (الغش). (۱۹). همان، ج ۱، ص ۳۳۸، باب (فی الغیبه). (۲۰). تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ شمسی، چاپ اول، ج ۷، ص ۳۹۴.

(۲۱). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ شمسی، چاپ سوم، ج ۵، ص ۴۰.

(۲۲). الکافی، همان، ج ۵، ص ۱۶۱، باب (الحلف فی الشراء و البیع).

(۲۳). گردآوری از کتاب: از تو سوال می کنند، مکارم شیرازی، ناصر، تهیّه و تنظیم: علیان نژادی، ابوالقاسم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، ۱۳۸۷ شمسی، چاپ دوم، ص ۱۷۰.

جواز مصرف زکات فطره برای آزادی زندانیان فقیر

پرسش: مصرف زکات فطره برای آزادی افراد فقیری که بر اثر اشتباهاتی در زندان به سر می برند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اشکالی ندارد.

جواز مصرف زکات فطره در غیر غذا

پرسش: آیا فقیر می تواند زکات فطره را در غیر مورد غذا مصرف کند؟

پاسخ: اشکالی ندارد.

حکم پرداخت زکات فطره به طلبکاران شخص فقیر

پرسش: اگر شخصی به واسطه ورشکستگی و بدهکاری فقیر شود آیا می توان زکات فطره را مستقیماً بابت بدهی او به شخص طلبکار داد یا باید حتماً به دست فقیر برسد؟

پاسخ: در فرض سوال، پرداخت مستقیم به طلبکاران او مانعی ندارد.

جواز خرید کالا از فطریه برای نیازمند

پرسش: آیا می توان با پول فطریه برای خانواده نیازمند، ماشین لباسشویی خرید؟

پاسخ: در صورتی که برای آنها ضرورت داشته باشد مانعی ندارد.

حکم فطریه ی میهمان

پرسش: پرداخت فطریه ی میهمان به عهده ی چه کسی می باشد؟

پاسخ: میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر با رضایت صاحب خانه وارد شده و نانخور او محسوب می شود (یعنی

تصمیم دارد مدتی نزد او بماند) دادن زکات فطره او نیز واجب است، اما اگر فقط برای شب عید دعوت شده فطره او بر میزبان واجب نیست و در صورتی که بدون رضایت صاحب خانه باشد نیز بنا بر احتیاط واجب فطره او را بدهد، همچنین فطره کسی که انسان را مجبور کرده است که خرجی او را بپردازد.

زکات فطره مهمان یک شبه

پرسش: آیا زکات فطره مهمان بر عهده صاحبخانه است؟

پاسخ: فطره میهمان بر عهده صاحبخانه نیست، مگر اینکه برای چند شب میهمان او باشد، به طوری که نان خور او محسوب شود.

معیار تعیین خوراک برای پرداخت فطره

پرسش: آیا در پرداخت زکات فطره خوراک شخصی خود انسان ملاک می باشد؟

پاسخ: در زکات فطره خوراک شخصی خود انسان ملاک نیست بلکه خوراک معمولی اهل شهر و یا محل ملاک است؛ بنابراین، کسی که همیشه برنج می خورد می تواند زکات فطره را از گندم بدهد.

وقت ادای زکات فطره

پرسش: وقت پرداختن زکات فطریه چه زمانی است؟

پاسخ: وقت ادای زکات فطره، روز عید فطر قبل از انجام نماز است؛ بنابراین، کسی که نماز عید فطر را می خواند باید فطره را پیش از نماز عید بدهد، ولی اگر نماز عید را نمی خواند می تواند تا ظهر روز عید تاخیر بیندازد.

مَرْزَاةَ عَارِفٍ فَاحِفَهَا فَلَاحِ الْجَنَّةِ
أَمَّا الرَّسَالُ الْبَقِيَّةُ
عَلَى سَائِلِ الْأُمَّةِ

